



دانشنامه فرنگ و تمدن گیلان

۶۲



پوشاک مردم گیلان

فرشته طالبش انسان دوست

با همکاری محمدرضا فرمند یلدا چراغ چشم

تبرستان
www.tabarestan.info



فرشته طالبی اساتذت در سال ۱۳۳۶ در شهر رشت متولد شد دوران کودکی و تحصیلات مقدماتی را در این شهر گذراند مدرک کارشناسی رشته‌ی جمعیت‌شناسی را از دانشکده علوم اجتماعی و تعاون دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۸ و دانشنامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی علوم اجتماعی را از دانشگاه گیلان در سال ۱۳۷۶ دریافت کرد. از سال ۱۳۶۳ در سازمان برنامه و بودجه استان گیلان به کار مشغول و در سال ۱۳۹۲ بازنشسته شد.

از وی چندین مقاله‌ی پژوهشی منتشر شده است از جمله اثر وی می‌توان به کتاب‌های زیر اشاره کرد: کتاب‌شناسی گیلان (با همکاری ۲ جلد)، نماگرهای جمعیتی استان گیلان ۷۵-۴۵، بررسی تطبیقی تقسیمات سیاسی-جغرافیایی استان گیلان ۸۲-۵۵ فهرست الیابایی آبادی های استان گیلان، برخی علل افزایش جمعیت شهرنشین و الگوی توزیع جمعیت شهری گیلان ۸۲-۴۵ و نزهت‌ساز فرهنگ تطبیقی آبادی‌های استان گیلان.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



پوشاک مردم گیلان

سرشناسه : طالش انسان دوست، فرشته، ۱۳۳۶ -
عنوان و پدیدآور : پوشاک مردم گیلان / فرشته طالش انسان دوست؛
با همکاری محمدرضا فرمند، یلدا چراغ چشم
مشخصات نشر : رشت: فرهنگ ایلیا، ۱۳۹۳
مشخصات ظاهری : ۱۷۶ ص. مصور.
فروست : دانشنامه‌ی فرهنگ و تمدن گیلان ۶۲
شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۰-۳۹۶-۳
موضوع : پوشاک - ایران - گیلان.
شناسه افزوده : فرمند، محمدرضا، ۱۳۴۱ -
شناسه افزوده : چراغ چشم، یلدا، ۱۳۵۰ -
رده‌بندی کنگره : ۱۳۹۳ پ ۹ ت ۲ / GT ۱۴۲۰.
رده‌بندی دیویی : ۳۹۱ / ۰۰۹۵۵۲۳
شماره کتاب‌خانه ملی: ۳۷۱۳۸۶۵.



دانشتاری فرهنگ و تمدن گیلان

گیلان

www.tabarestan.info

پوشاک مردم گیلان

فرشته طالش انسان دوست

با همکاری

محمدرضا فرمند، یلدا چراغ چشم

دانشنامه‌ی فرهنگ و تمدن گیلان - ۶۲

تبرستان
www.tabarestan.info



فهرست ایلیا

پوشاک مردم گیلان
فرشته طالش انسان دوست
با همکاری محمدرضا فرمند، یلدا چراغ چشم

سرپرست مجموعه: فرامرز طالبی
ویراستار: هادی میرزائزاد موحد

آماده‌سازی و نسخه‌پردازی: کارگاه نشر فرهنگ ایلیا
چاپ نخست: ۱۳۹۴ شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه شماره نشر: ۵۰۵

استفاده‌ی پژوهشی از این اثر با ذکر مأخذ آزاد است.
هرگونه استفاده‌ی تجاری از این اثر، به هر شکل، بدون اجازه‌ی کتبی ناشر، ممنوع است.

نشانی: رشت، خ آزادگان، جنب دبیرستان دکتر بهشتی (خ صفایی)، خ حاتم، شماره‌ی ۴۹.

تلفن: ۲۲۴۴۷۲۳ - ۲۲۴۴۷۳۲ ۰۱۳۱ دورنگار: ۲۲۲۱۸۲۸

پست الکترونیکی: E.mail: nashreilia @ yahoo.com

سایت‌های اطلاع‌رسانی: www.artguilan.ir و www.farhangeilia.ir

یادداشتِ شورای پژوهشی دانشنامه

ایران زمین، پهنه‌ی گسترده‌ای است با اقلیم‌ها، فرهنگ‌ها و خرد فرهنگ‌های گوناگون. شناخت و معرفی این اقلیم‌ها، نقشی بسزا در شکل‌گیری فرهنگ ملی دارد.

دانشنامه‌ی فرهنگ و تمدن گیلان بر آن است تا با معرفی ویژگی‌های فرهنگی و طبیعی این بخش از سرزمین ایران، گامی کوچک در شناخت فرهنگ بومی و ملی بردارد.

این مجموعه با همراهی و همدلی گروهی از پژوهشگران فرهیخته‌ی دیارمان و با همت حوزه‌ی هنری گیلان و دوستانمان در انتشارات فرهنگ ایلیا به سرانجام رسیده است. تلاش همه‌ی آنان را ارج می‌نهیم.

فرامرز طالبی مسعودپورهادی

هادی میرزائزاد موحد

تبرستان
www.tabarestan.info

حوزه مطالعات باستانشناسی



حوزه مطالعات تبرستان

پایگاه اطلاع‌رسانی و فروش اینترنتی

www.artguilan.ir

مرکز پخش: ۰۱۳ ۳۳۳۴۵۵۷۱

یادداشتِ حوزه‌ی هنری گیلان

گیلان بی‌هیچ‌گرافه و گمان، یکی از کهن‌سال‌ترین زیستگاه‌ها و خاستگاه‌های فرزندان ایران زمین است. این سرزمین سحرانگیز و خرم چون رشک بهشت، فراخنای تاریخ ایران و فرازگاه تاریخ تشیع ایران است. گیلان از دیرین روزگاران، پناهگاه گریزندگان از ستم خلفا بوده و چه بسیار از دین‌داران و پناه‌آورانی که در این دیار بالیدند و با یاری مردمان آن، حکام جور و ستم را از تخت فروکشیدند.

این دیار همان دیاری است که علویان را از تیغ ستم خلفای اموی و عباسی پاس داشت، همان دیاری است که بیگانگان یونانی، عرب و ترک هرگز نتوانستند بر آن دست یازند و از آن باج ستانند.

ولی امروز از گیلان بزرگ چه مانده است جز نشانه‌هایی در دل کتاب‌های تاریخ و بناهایی که رو به ویرانی‌اند و یادها و نواهایی در باورها و آیین‌ها و آواهایی که بر زبان مردان و زنان این دیار به زیبایی نشسته‌اند و بر شیوه‌های زیست مردم این سامان دلالت دارند.

برای شناخت آن‌چه از این میراث بزرگ مانده است، باید گام‌های استوار برداشت و دست‌آورد پژوهش‌ها و تحقیقات اندیشمندان را گرد آورد و به نسل جوان و نسلی که فردای این دیار از آن اوست، سپرد.

شناخت و بازکاوی این زوایای آشکار و پنهان از سال‌ها پیش اساسی‌ترین دغدغه‌ی فکری و فرهنگی ما بود و امروز دانشنامه‌ی فرهنگ و تمدن گیلان گامی کوچک ولی محکم در راستای رسیدن به این هدف است.

این مجموعه حاصل تحقیقات و پژوهش‌های جمعی از گیلان‌شناسان زبده است. پُر بی‌راه نیست که برنامه‌ریزان بتوانند از نتایج این مطالعات و پژوهش‌ها در روند توسعه‌ی فرهنگی، اجتماعی و حتی اقتصادی برای ترسیم چشم‌انداز آینده‌ی استان سود ببرند.

بر خود فرض می‌دانم از تمامی کوشندگان این کار سترگ، به ویژه محققان و پژوهندگان، ناشر گرامی و شورای محترم پژوهشی دانشنامه‌ی فرهنگ و تمدن گیلان تقدیر نمایم و سپاس‌گزارِ همه‌ی دوستانی باشم که مشوق ما برای ادامه‌ی این راه هستند.

غلامرضا قاسمی

فهرست

۱۱	مقدمه
۱۳	طرح تحقیق
۱۷	پوشاک مردان
۱۷	کلاه
۲۲	پیراهن
۲۵	جلیقه
۲۷	شلوار
۳۱	لباس ماهیگیران
۳۳	شال کمر
۳۳	کت
۳۸	لباس کوهستانی
۴۴	پای افزار
۴۸	جوراب
۵۱	دستکش
۵۳	پوشاک بانوان
۵۳	روسری
۷۳	پیراهن
۹۰	جلیقه
۹۷	کت
۹۷	الجا قبا
۹۹	دامن

۱۱۲.....شلوار

۱۱۵.....چادر کمر

۱۱۹.....چادر شب

۱۲۴.....کفش

۱۲۴.....جوراب

۱۲۴.....آرایش و پیرایش

۱۳۱.....پوشاک نوزادان

۱۳۵.....چند نکته درباره پوشاک گیلک‌ها

۱۳۶.....عکس‌هایی از پوشاک کامل بانوان گیلانی

۱۴۸.....محل نگهداری لباس

۱۵۳.....پوشاک سایر اقوام ساکن در گیلان

۱۷۱.....فرهنگ لغات پوشاک

۱۷۵.....چکیده انگلیسی

مقدمه

اصل دنیا سه چیز است: طعام و لباس و مسکن.

کیمیای سعادت امام محمد غزالی

فرهنگ، این میراث جهانی در همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها یکسان نیست. هر قاره، کشور، شهر و مردمی دارای ویژگی‌هایی هستند که همانند دقیق آن در جای دیگر یافت نمی‌شود. به عبارت دیگر شرایط و مقتضیات جغرافیایی، تاریخی، اقتصادی، خانوادگی، اعتقادی، زبانی، فنی و هنری هر جامعه باعث می‌شود که فرهنگ آن جامعه در عین حال که با فرهنگ بشری هماهنگ است، دارای ویژگی‌های منحصر به خویش باشد و مجموعه‌ی این ویژگی‌هاست که هویت فرهنگی هر منطقه و جامعه و قومی را مرزبندی می‌کند (روح‌الامینی: ۱۵۰).

صیانت میراث‌های فرهنگی و شناساندن صحیح و علمی آن می‌تواند نقش مؤثر و تعیین‌کننده‌ای در مقابله با تهاجم فرهنگی داشته باشد. یکی از انواع میراث فرهنگی یک ملت، پوشاک است؛ با توجه به این‌که اولین نمود بی‌هویتی در پوشاک و لباس متبلور می‌شود و از آن‌جا که لباس پوشیدن، شأنی از شؤن انسان است و پدیده‌ای است که تقریباً به اندازه‌ی طول تاریخ بشر سابقه دارد و به قدر پهنه‌ی جغرافیایی امروزین گسترش یافته است. شاید منشأ اصلی پیدایش لباس نیاز به محفوظ و عقیف ماندن و زیبا بودن بوده است (حداد عادل: ۶).

پوشش از امتیازات انسان است و البته نظریه‌ها در باب آن مختلف و متنوع است. در منظر دین، هدیه‌ی الهی و امری فطری آمده است و جامعه‌شناسان نیز از جنبه‌ی کارکردی به آن توجه نشان داده‌اند. باید توجه داشته باشیم که پوشاک از یک جهت، نیاز اولیه و از جهت دیگر نیاز ثانویه است چرا که جنبه‌های هنری آن هم دارای اهمیت است. اگر چه پوشاک به‌عنوان یک پدیده‌ی فرهنگی تغییر

می‌کند، اما آنچه که در جهت حفظ میراث‌های فرهنگی قابل توجه است، حفظ پوشاک سنتی است.

پوشاک گیلان‌زمین چون دیگر سکونت‌گاه‌های انسانی، در گذشته‌های این سرزمین ریشه دارد. آثار مکشوفه در گیلان که سوابق زندگی در این منطقه را تا چهار و اندی هزار سال به عقب کشانده است، بزرگ‌ترین نشانه‌هایی هستند که ما را به فضای زندگی اسلاف این سرزمین رهبری می‌کنند. تأمیل در آثار مکشوفه خصوصاً در چراغعلی تپه‌ی رودبار، کهن‌ترین اسنادی است که تزئین بر روی دامن، پیراهن، پیشانی‌بند، زیورهای سینه و نمونه‌ی گوشواره را نشان می‌دهد. آثار مکشوفه از نواحی باستانی رستم‌آباد رودبار، وجود پای‌افزار را نیز هم‌زمان با یافته‌های تپه‌ی چراغعلی نشان می‌دهد. در هر حال پوشاک به تنهایی معرف کار، اندیشه، سلیقه و مکان زندگی انسان‌هاست (ضیاءپور: ۵۹۱-۵۸۲).

در این پژوهش تلاش شده است تا مجموعه‌ای از پوشاک سنتی مردم گیلان معرفی و شناسانده شود. این طرح وجوه افتراق و اشتراک انواع پوشاک، چگونگی تهیه‌ی مواد اولیه و دوخت آن‌ها را مورد مطالعه قرار داده است. مطالعه و گردآوری ثبت و ضبط دقیق انواع پوشاک سنتی و بومی ضمن آن‌که باعث حفظ میراث هنری و فرهنگی منطقه خواهد شد در علاقه‌مندی و آشنایی مردم نسبت به هویت فرهنگی استان خویش موثر خواهد بود.

در این اثر تلاش شده است تا پوشش‌ها به صورت موضوعی، منطقه‌ای و قومی ارائه شود. جدول آوانگاری و اسامی قسمت‌های مختلف پوشاک با توجه به گویش‌های مختلف آوانگاری شده است و به صورت واژه‌نامه در انتها آمده است. نقاط نمونه‌گیری شده نیز بر روی نقشه مشخص است. پوشش کردها و لرهای ساکن گیلان در بخش جداگانه آورده شده است.

طرح تحقیق

الف: هدف‌های کلی: هدف از اجرای این طرح شناسایی پوشاک سنتی مورد استفاده در استان گیلان است. در این طرح وجوه افتراق و اشتراک انواع پوشاک؛ چگونگی تهیه مواد اولیه‌ی دوخت و... مورد بررسی قرار گرفته است.

ب. هدف‌های جزئی: بررسی دلایل استفاده یا عدم استفاده گسترده از پوشاک سنتی در استان گیلان و چگونگی تحول آن.

روش تحقیق: این تحقیق به روش پنهانگر به کمک سه شیوه‌ی زیر مورد بررسی قرار گرفته است.

الف: بررسی اسنادی، **ب:** مشاهده، **ج:** مصاحبه با استفاده از پرسش‌نامه

برای نشان دادن لباس‌ها نیز عکاسی و طراحی صورت گرفته است.

روش ارائه: سعی شده تا پوشش‌ها به صورت موضوعی، منطقه‌ای و قومی ارائه شود. پوشش کردها و لرهای ساکن گیلان در بخش جداگانه آورده شده است.

روش نمونه‌گیری: به دلیل وسعت منطقه تحقیق و تنوع پوشاک و محدود بودن امکانات مالی، نمونه‌گیری به صورت «فضاوتی» انجام پذیرفت. به همین دلیل برای تخفیف تأثیر وسعت منطقه بر نمونه‌گیری، ابتدا استان با کمک متخصصان امر بر اساس قومیت‌ها شناسایی شد. سپس با توجه به گستردگی محل سکونت و تعداد جمعیت روستاهایی که هنوز پوشیدن لباس سنتی کم و بیش در آن رایج بود و یا امید می‌رفت که بتوان آن‌ها را یافت، انتخاب شد.

استان گیلان به گیلان شرقی، گیلان غربی و با اندکی مسامحه به گیلان مرکزی تقسیم شد در نتیجه شهرستان‌های آستانه‌ی اشرفیه، لاهیجان، لنگرود، رودسر، املش و سیاهکل جزو گیلان شرقی، شهرستان‌های فومن، شفت، تالش، ماسال، رضوانشهر، آستارا جزو گیلان غربی و شهرستان‌های رشت، رودبار، صومعه‌سرا و بندرانزلی در گیلان مرکزی قرار گرفتند.

مناطق کوهستانی و جلگه‌ای تفکیک شد و شهرستان تالش به علت گستردگی و تفاوت به پنج ناحیه یا همان ناحیه‌های پنجگانه‌ی تالش شامل دولاب، کرگانرود، ماسال و شاندرمن، اسالم تقسیم شد و روستاهای شانکاور، اورما، خلف‌آباد گیلانده، کیش دبی، آق اولر، لمیر، لورون، چسلی و شهر تالش انتخاب شد. از شهرستان فومن: شهر ماسوله، از شهرستان شفت، ویسرود، سیاهمزیگی، درودخان مورد بررسی قرار گرفت. ساکنان این روستاها تالش هستند.

برای منطقه‌ی کوهستانی و کوهپایه‌ای شرق گیلان در شهرستان‌های رودسر، املش، لاهیجان، سیاهکل و لنگرود روستاهای پاشاکی، دیلمان، باباولی، شاه‌شهیدان (لاهیجان)، قاسم‌آباد، سجیران، سجیدان، قاضی‌چاک، سیاهکلرود، جنگ‌سرا (رودسر)، دعوای لات (املش)، بلور دکان، گرسک بالا و پایین، اطاقور (لنگرود) نمونه انتخاب شد.

در شهرستان بندرانزلی، سیاه‌خاله‌سر، خمیران، سنگاچین، شیشه‌سر، شاهور، بررسی شد. از آنجایی که لرها و کردها نیز ساکن گیلان هستند، آن‌ها هم مورد بررسی قرار گرفتند. نحوه‌ی نمونه‌گیری این اقوام بدین صورت است:

الف: کردها براساس محل سکونت‌شان

۱. کردهای لوشان که اغلب در شهر لوشان و کارخانه‌ی سیمان (روستای پشت کارخانه‌ی سیمان) مستقر و به گفته‌ی اهالی از تیره کاکاوند هستند.

پوشاک مردم گیلان / ۱۵

۲. کردهای کرمانشاه که از طایفه‌ی غیاثوند هستند. از همه‌ی روستاهای محل سکونت این کردها نمونه انتخاب شد و این کردها در حوالی شهرستان آستارا، تالش، صومعه‌سرا، رشت، آستانه‌ی اشرفیه و لنگرود مستقر هستند. روستاهای نمونه آن بدین شرح است:

- صفرابسته، پرکاپشت، دهسر، لاکوژده، حسن بکنده^۱، نبی دهگا، نقره‌ده در آستانه‌ی اشرفیه.

- الکام در تالش.

- نخودچر، حاجی بکنده در رشت.

- باقلاکش و گاز گیشه در صومعه‌سرا.

۳. کردهای عراق در دو منطقه ساکن‌اند و از هر دو نقطه یعنی چمخاله در شهرستان لنگرود و شهر هشتیر در شهرستان تالش نمونه انتخاب شد.

۴. کردهای قوچان ساکن گیلان، در کلایه، خاصکول، حاجی ده و گنجه در شهرستان رودبار.

۵. لرها در روستاهای پاچنار، جمال‌آباد لوشان، شهر لوشان روستای پشت کارخانه‌ی سرامیک‌سازی.

لازم به ذکر است که از روستاهایی که در مسیر تمامی روستاهای نمونه قرار داشتند نیز مشاهده‌ای سطحی صورت پذیرفت تا هر زمان از روستاهای نمونه پاسخ مورد نظر دریافت نمی‌شد، کاستی‌ها تکمیل شود.

روش گردآوری داده‌ها: داده‌های این تحقیق براساس اسناد مکتوب در زمینه‌ی پوشاک در گیلان و همچنین یادداشت‌هایی که در خلال مصاحبه‌ها به دست آمده، سامان داده شده است.

۱. اکنون آبادی حسن بکنده از توابع دهستان رودبند شهرستان لاهیجان است.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: این تحقیق به دلیل ماهیت آن به صورت توصیفی ارائه گردیده است و در موارد مورد نیاز به چرایی برخی از سئوالات با استناد به اظهارات مصاحبه‌شوندگان پاسخ داده شده است.

کلاه

کلاه سستی پوششی است که از پوست، شال، نمد، پارچه به شکل‌های مختلف دوخته می‌شود و کلاه‌های ویژه‌ی مردان گیلان، کلاه‌هایی هستند که در روستاها استفاده می‌شود. اگر چه مردان جوان تمایل چندانی برای استفاده از این کلاه‌ها از خود نشان نمی‌دهند. ویژگی‌هایی در شکل و جنس کلاه در روستاهای غرب و شرق گیلان و نیز تفاوت‌های جزئی‌تر در خود این مناطق نیز مشاهده می‌شود.

در غروب: مردان این نواحی در فصل زمستان، کلاهی ترک‌دار بر سر می‌نهند که از شال پارچه‌ی پشمی بومی، تهیه می‌شود و به شال کلاه معروف است. مردان ساکن تالش بیشتر از مردان تالش ساکن فومن از کلاه بومی خود استفاده می‌کنند. کلاه را خیاط به سفارش افراد، گاه ساده و گاه دارای ردیف چرخدوزی با لبه‌ی سجاف‌دار، می‌دوزد.

شکل دیگر آن، تقریباً چهارگوش است که در بعضی نقاط به‌ویژه در نواحی کوهستانی تالش مشاهده می‌شود و به چالگیزی یا چلگیزی کلاه معروف است. در فصل تابستان کلاه ترک‌دار یا چهارگوش را از جنس پارچه می‌دوزند و به سر می‌گذارند و یا از کلاهی کوچک موسوم به عرقچین که پارچه‌ای یا توری و به رنگ سفید است، هنگام کار استفاده می‌کنند. این کلاه دارای چرخدوزی سفید رنگ است.

هنگام خواب نیز به سر گذاشتن عرقچین سفید توری متداول بود و اکنون استفاده از آن تقریباً مسنوخ شده است. **شب کلاه**، به صورت مخروط دوخته می‌شد و نزد مردمان شهر بیشتر به هنگام خواب مورد استفاده قرار می‌گرفت.

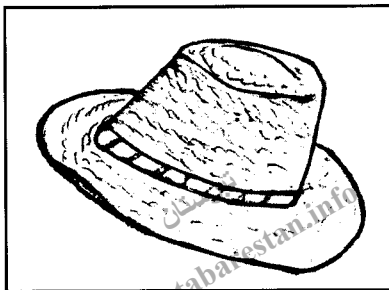
در شرق: جنس کلاه مردان شرق گیلان از جنس نمد است و به آن **نمد کُلا** می‌گویند. این کلاه دارای شکل‌های تخم‌مرغی بلند و کوتاه یا چهارگوش به رنگ خردلی روشن است.

چاربداران وقتی به چشمه‌ساران در کوهستان‌ها می‌رسند، از آن به جای لیوان استفاده می‌کنند و پس از آب خوردن با آن بار دیگر کلاه را بر سر می‌گذارند. داماد در شب عروسی **کلاه نمد** به سر می‌گذاشت. قبلاً **کلاه نمدی** در محل تهیه می‌شد به همین دلیل نیز شغل «کولامالی» وجود داشت. امروزه کلاه نمدی تقریباً از بین رفته است.

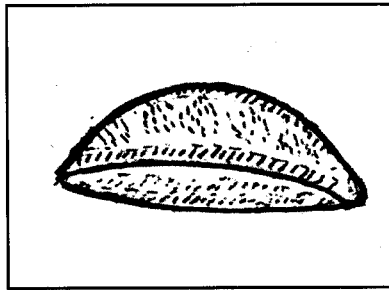
کلاه زمستانی چوپانان: در غرب گیلان این پوشش به **گوش کُلا** یا **شال کُلا** و میان ساکنان شرق گیلان به **کلاه گوش** معروف است. جنس این کلاه از شال و غالباً به رنگ مشکی و یا رنگ‌های متمایل به آن است.

در شرق گیلان این پوشش به **پوستین کلاه** معروف است و از پوست بره دوخته می‌شود. رنگ این کلاه معمولاً تیره است و چوپانان آن را می‌دوزند.

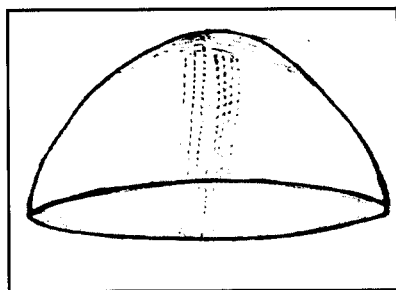
کلاه حصیری: ماهیگیری یکی از مشاغل مردمی است که در نزدیکی دریا سکونت دارند. ماهیگیران در فصل تابستان معمولاً از **کلاه حصیری** استفاده می‌کنند. مردان هنگام کار در مزرعه نیز گاه کلاه حصیری به سر می‌گذارند. این کلاه که از حصیر بافته می‌شود به همین نام منسوب شده است. گیاه آن سوف نام دارد که در تالاب‌ها و مرداب‌ها می‌روید.



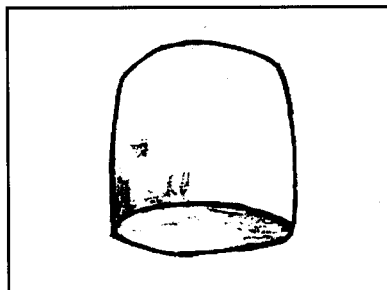
کلاه حصیری



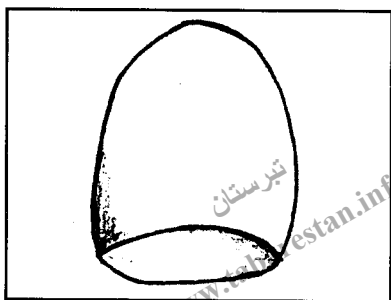
عرفچین



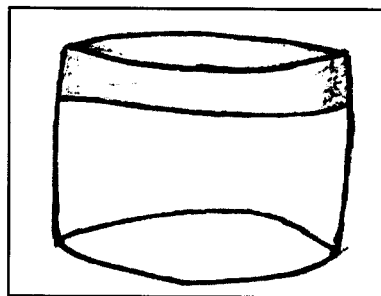
کلاه چهار ترک (ترکدار) با سجاف (شال کلاه)



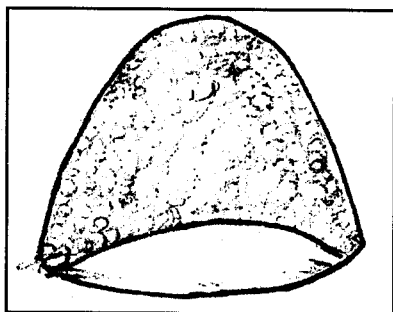
کلاه نمدی کوتاه



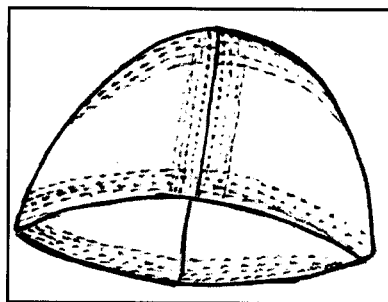
کلاه نمدی بلند



کلاه چهارگوش تالشی
(چالگیزی کلاه)



پوستین کلاه



کلاه ترکدار مردان با چهارردیف
چرخدوزی (شال کلاه)



گوش کلاه



پوستین کلاه (شرق گیلان)

پیراهن

پیراهن مردانه از پارچه‌ی نخی، اغلب به رنگ‌های سفید یا آبی و با یقه‌ی ۳ سانتی‌متر جلو باز دوخته می‌شد. پیراهن دارای آستین راسته‌ای با میچ بود. مدل دیگر پیراهن مردانه که چوپانان در شرق گیلان به تن می‌کردند، به چپ یقه موسوم بود. این پیراهن جلو بسته دوخته می‌شد و روی شانه‌ی سمت چپ، چاک‌ی داشت که با بندک یا دگمه‌ای از جنس خرد پارچه بسته می‌شد.

در اکثر نقاط پیراهن سه‌دگمه، یقه‌گرد و یقه سه‌سانت متداول بود. به تدریج این نوع پیراهن‌ها جای خود را به مدل یقه سه‌سانت جلو باز و بعداً پیراهن‌های کاملاً جلو باز داد.

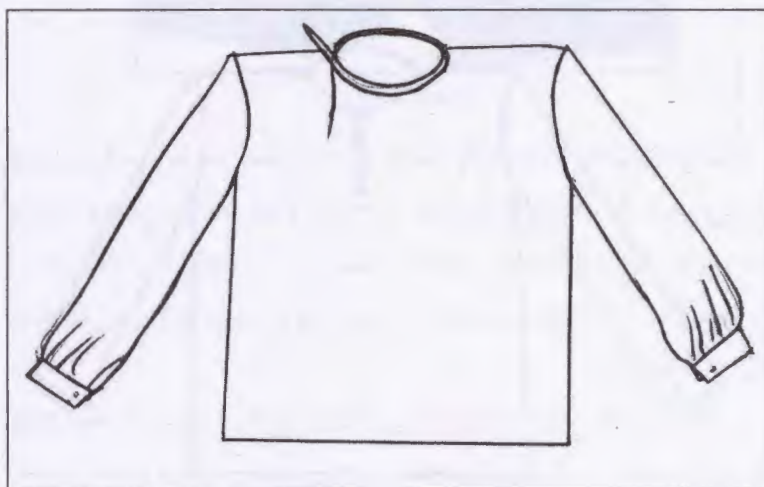
پیراهن دامادی هم به رنگ سفید بود. در قاسم‌آباد، داماد روز عروسی پیراهن قرمز رنگ به تن می‌کرد و شال قرمز رنگ می‌بست.

کیش پیرهن یا پیراهن زیر هم بیشتر در زمستان و پاییز پوشیده می‌شد.

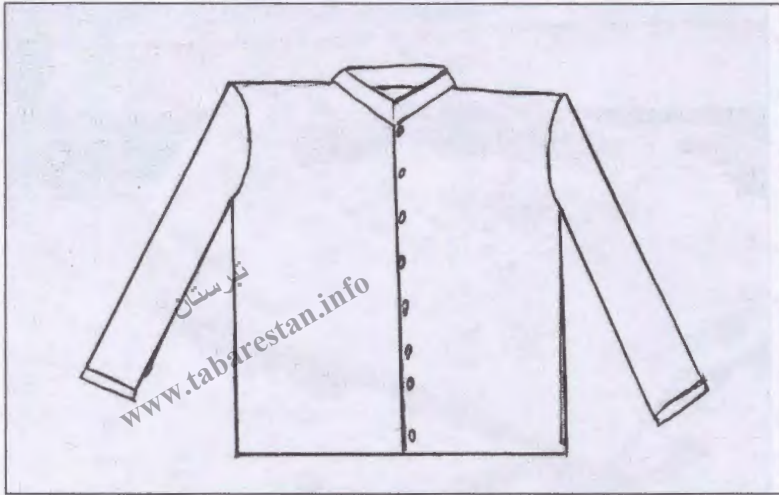
برای بافتنی‌ها هم از اصطلاح کیش پیرهن‌رو استفاده می‌شود. این بافتنی‌ها را زنان از پشم می‌بافتند و از مدل‌های مختلف کامو بافی استفاده می‌کنند. بیشتر مدل لوزی آجر و در حاشیه‌ی یقه و میچ و زیر پولیور را با رنگ دیگری می‌بافتند.



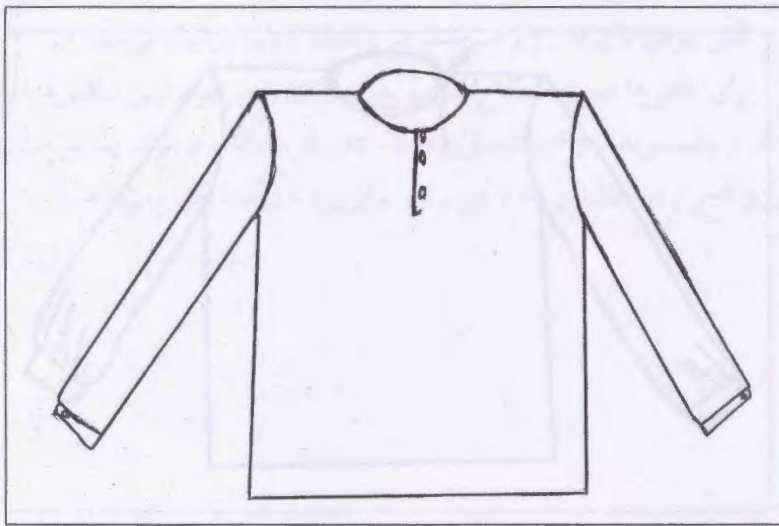
کش پیرهن بافته شده از پشم با طرح لوزی



پیراهن چپ یقه



پیراهن یقه ۳ سانت جلو باز یقه ملایی



پیراهن بدون یقه دکمه دار یقه حسنی

جلیقه

جلیقه را جلقته و جلقده هم می‌گویند. در فصل‌های پاییز و زمستان از شال و در فصل‌های بهار و تابستان از پارچه‌های نازک‌تر دوخته می‌شود. جلیقه دارای آستر است که از جنس نخ معمولی به رنگ‌های مختلف و گاه پارچه‌ی دارای طرح مثلاً راه‌راه است. تناسب خاصی از نظر رنگ آستر با رویه مدنظر نیست.



جلیقه‌ی پارچه‌ای

جلیقه‌ی مردان تالش مانند دیگر مناطق استان از نظر اساس بُرش یکسان است. بی‌آستین، یقه هفت با قد کوتاه که در جلو با دگمه بسته می‌شود و دارای دو تا سه جیب از رو و دو جیب از داخل است. پشت آن (محل کمر) چین‌دار یا ساده است که با سگک یا دو بند ساده از جنس آستری جلیقه بسته یا این‌که فقط با کِش دوخته می‌شود.

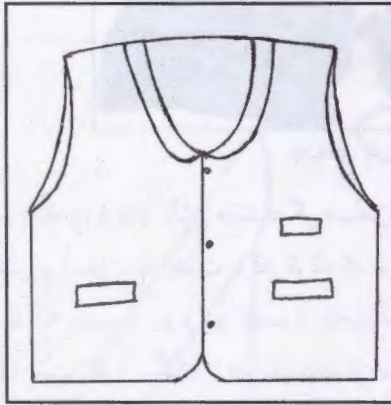
گوشه‌های جلیقه در بخش پایین معمولاً دارای بُرش و پشت آن هم دارای چاک کوتاه است. در سال‌های اخیر جلیقه را جلو زیپ‌دار با یقه‌ی پیراهن مردانه که آن را یقه فصلی می‌نامند، می‌دوزند. پشت آن هم بدون چاک و ساده از شال دوخته می‌شود.



جلیقه‌ی ماسوله



جلیقه‌ی ساده



جلیقه‌ی مردانه، روستای سجیدان
(رودسر - شرق گیلان)



جلیقه‌ی مردانه جلو زیپ‌دار یقه فکلی
پشت این مدل جلیقه، چاک ندارد

شلوار

در غرب: شلوار مردان تالش که آن را **شلار** می‌گویند دارای دمپای تنگ و اغلب به رنگ سیاه است. رنگ‌های شیری و فلفلی هم از دیگر رنگ‌هایی است که استفاده می‌شود. جنس آن از نوع پشم است. برخی مردان مسن در فصل‌های پاییز و زمستان در منزل، یا برای رفتن به بازار در داخل روستا این نوع شلوار را می‌پوشند. اما هنگام رفتن به شهر از کت و شلوار معمولی استفاده می‌کنند.

دمپای این شلوار را داخل ساق جوراب‌های پشمی که گاه تا زانو می‌رسد، قرار می‌دهند و نخ جوراب را به دور ساق پا می‌پیچند. پشت شلوار قبلاً یک جیب و جلوی آن ۲ جیب داشت که لبه‌ی آن بیرون بود. اکنون شلوارها شبیه مدل شلوارهای شهر دوخته می‌شود. در گذشته دمپای شلوار را تنگ می‌دوختند تا راحت‌تر داخل جوراب قرار گیرد و برای آن‌که هنگام پوشیدن و یا کندن شلوار با دشواری مواجه نشوند، دمپای آن را به اندازه‌ی پنج انگشت باز می‌گذاشتند و آن را با دکمه یا زیپ می‌بستند. هم‌چنین چون در زمان‌های گذشته راه مناسب وجود نداشت، هنگام سواری یا زمانی که پیاده از جنگل و کوهستان عبور می‌کردند، بدین طریق از امکان خزیدن خزندگان به داخل شلوار جلوگیری می‌شد.

بیش از سه دهه است که دوخت **شلوار بغل دکمه‌دار** کاملاً مسنوخ شده است.

اگر شلوار را از پشم سفید رنگ می‌دوختند، آن‌گاه در دو طرف درز از پهلو با فاصله‌ی ۱۵-۲۰ سانتی‌متر از بالای کمر با نخ مشکی سه ردیف چرخدوزی می‌کردند و وسط چرخدوزی هم به صورت زیگ‌زاگ یا مارپیچ چرخدوزی می‌شد بعد سه گل سه‌پَر از بالای چرخدوزی با فاصله‌ی اندک می‌دوختند. این شلوار را مردان جوان به پا می‌کردند.

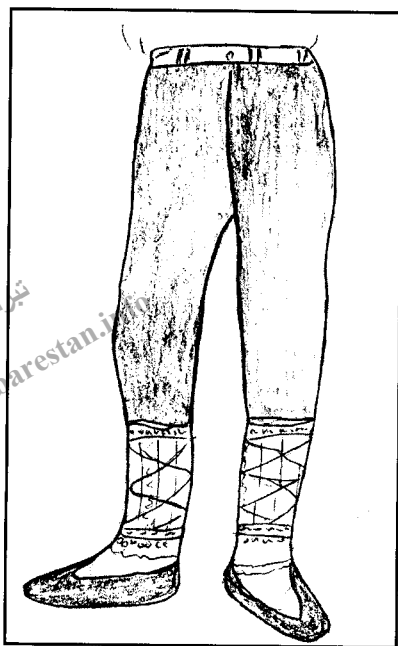
در شرق: مردان در شرق گیلان نیز **پشمه شلوار** که رنگ آن تیره و دم‌پای آن برای پیرمردان لوله‌ای ساده و برای جوانان دکمه‌ای بود، می‌پوشیدند که به تدریج منسوخ شد. نوع دیگر از آن **چاروردی شلوار** نام داشت که از نوعی پارچه‌ی دستباف دوخته می‌شد. در قاسم‌آباد رودسر شلوار مردانه‌ای معروف به **قدک** به پا می‌کردند. زنان پارچه‌ی قدک را از نخ می‌بافتند، سپس آن را به رنگرز می‌دادند تا به رنگ مشکی یا سورمه‌ای رنگ کند. رنگ شلوار داماد همیشه مشکی بود.

تنگه تومان شلواری تنگ بود که مردان روستایی در غرب و شرق گیلان هنگام کار در مزرعه یا رفتن به جنگل می‌پوشیدند.

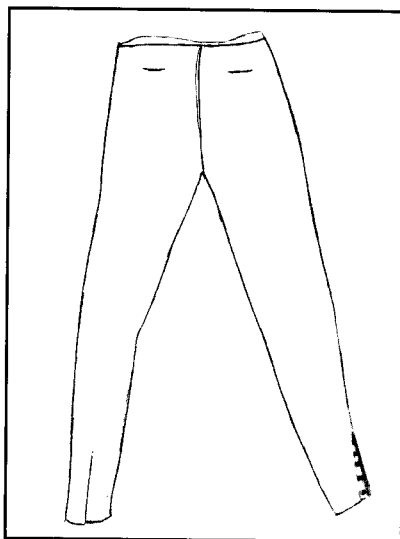
دیج هم شلواری تنگ و چسبان بود. همه‌ی این شلوارها دارای لیفه و معروف به **بندی تومان** یا **بندی تومون** بودند. بعدها که مدل شلوارها سه دگمه شد، آن را با کمربند می‌بستند. این شلوار به **پیش پولوک** یا **پیش پولیک** یا **شلوار جلو دگمه‌دار** یا **کمرقیش** یا **تومان قیش** معروف شد.

در هر حال مردان در غرب و در شرق گیلان به‌ویژه در زمستان، **زیرشلوار پشمی** خود، **تنگه زیرجامه** (پیژاما یا پای‌جامه) می‌پوشند. **کمرهیکل** هم تسمه‌ای ضربدری بود که جلو و پشت شلوار را به هم وصل می‌کرد.

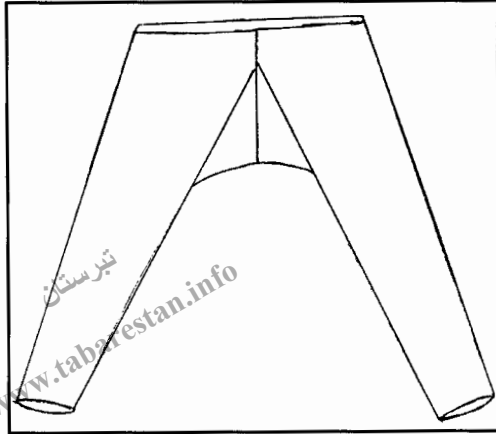
شلوار کشتی گیله‌مردی: یکی از ورزش‌های بومی گیلان زمین‌کشتی گیله‌مردی نام دارد. در این ورزش، کشتی‌گیران شلواری به نام **لاس‌پاره** می‌پوشند که بلندی آن تا سر زانو می‌رسد و به رنگ مشکی است. این شلوار را با نقش و نگار دست‌دوز و یا ساده می‌دوزند.



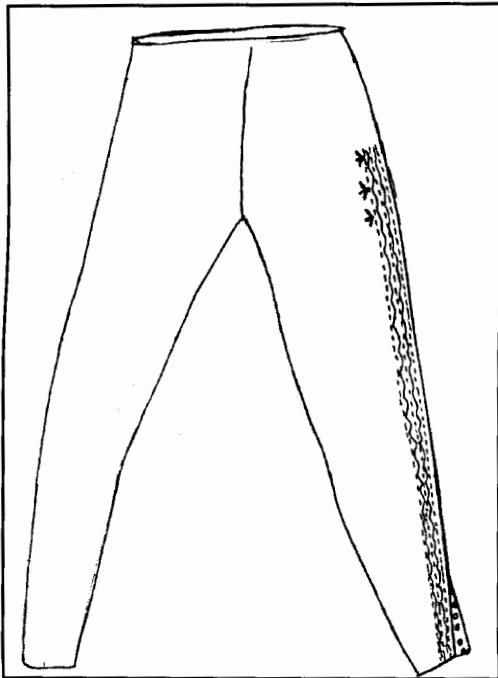
طرز قرار دادن شلوار داخل جوراب پشمی



شلوار پشمی مردان، پهلو دکمه دار



شلوار پشمی یا پارچه‌ای مردان شرق



در دو طرف درز شلوار مردانه‌ای که از جنس شال و رنگ آن سفید یا شیری بود، بانج مشکی سه ردیف چرخدوزی می‌کردند و سه گل سه‌پر با فاصله‌ی اندک می‌دوختند.

لباس ماهیگیران

صیادان هنگام صید از پوشاکی به نام **فوکا** استفاده می‌کنند. این پوشش کفش، شلوار و پیراهن سر خود لاستیکی است که تا زیر بغل بالا آمده و روی سرشانه‌ها رکاب می‌خورد و صیاد می‌تواند با پوشیدن آن تا سینه وارد آب شود. ^۱ پیش از آن اهالی بدون لباس یا با لباس‌های بسیار سبک به ماهیگیری می‌پرداختند. قبل از انقلاب از رنگ‌های قرمز و مشکی و در حال حاضر فقط از رنگ مشکی استفاده می‌شود. فوکای بدون بالاپوش را **کیره‌گش** یا **چکمه‌ی شکاری** می‌گویند. جنس این لباس از لاستیک توئی خودروهای سنگین است و معمولاً برای هر فوکا ۲/۵ لاستیک ماشین مورد استفاده قرار می‌گیرد.

فوجان نوع دیگری از پوشاک شامل پیراهن و شلوار است که امروزه بارانی و بادگیر نامیده می‌شود و مورد استفاده‌ی ماهیگیران است. جنس آن از پارچه‌ی شمعی به رنگ‌های زیتونی، سرمه‌ای، مشکی، نارنجی، پلنگی و کرم است. یقه‌ی آن جلو باز است و با دکمه و زیپ تا جلو سینه کشیده می‌شود و گاه نیز یقه‌گرد است. این لباس کلاهی هم دارد که قابل نصب یا برداشتن از پیراهن است. مچ دست، مچ پا و کمر، برای جلوگیری از نفوذ آب و باد از کش استفاده می‌شود. لباس را با نخ پولیستر می‌دوزند. حدود ۱۰۰ سال است که از بارانی در این نواحی رایج است.

۱. اصل این پوشاک روسی است و توسط آقای شخصی لهستانی‌الاصول به نام «بید» به ایران آورده شده است.



فوکا (لباس ماهیگیران)، عکس از: مانی گلنازی

شال کمر

مردان بر روی شلوار و کمر خود شال می‌بستند که به آن کمر دَبَد هم می‌گفتند. شال کمر مردان تالش کشتی نامیده می‌شود. پهنای آن ۳۰ تا ۳۳ سانتی‌متر و درازای آن ۲ تا ۳ متر و معمولاً به رنگ قهوه‌ای تیره یا سفید بود. گاهی هم آن را مانند جوراب می‌بافتند. در قاسم‌آباد برای داماد از پارچه‌ی یکرنگ و یک تخته‌ی چادر شب شال انتخاب می‌شد. عرض آن ۳۳ سانتی‌متر و طول ۲ متر و رنگ آن قرمز یا سبز و قرمز بود. این شال را داماد روز عروسی به کمر می‌بست. دو طرف آن ریشه‌ریشه بود و به آن گیجیک می‌گفتند.

شال گردن

به آن شَرَف یا گردن‌شَرَف می‌گویند. جنس آن پارچه‌ی شال یا پشم و کامواست و در اندازه‌ی معمول یک شال گردن بافته می‌شود.^۱

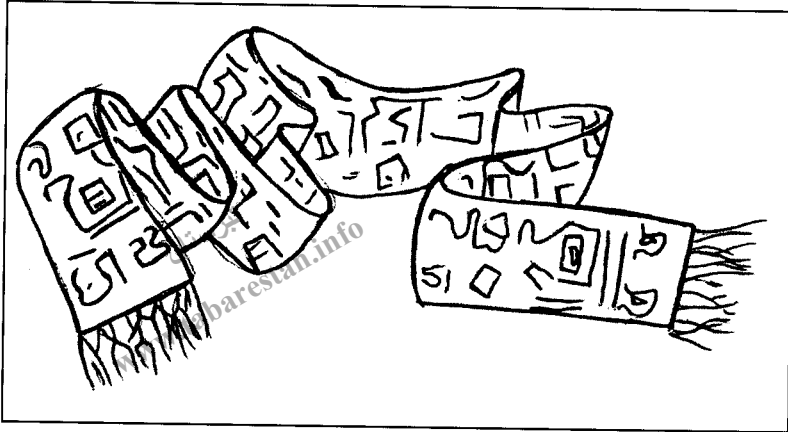
کت

مردان تالش از کتی به نام چُوخا یا شِکِه که از شال دوخته می‌شود، استفاده می‌کنند. شکل این کت معمولی و دارای یقه برگردان است.

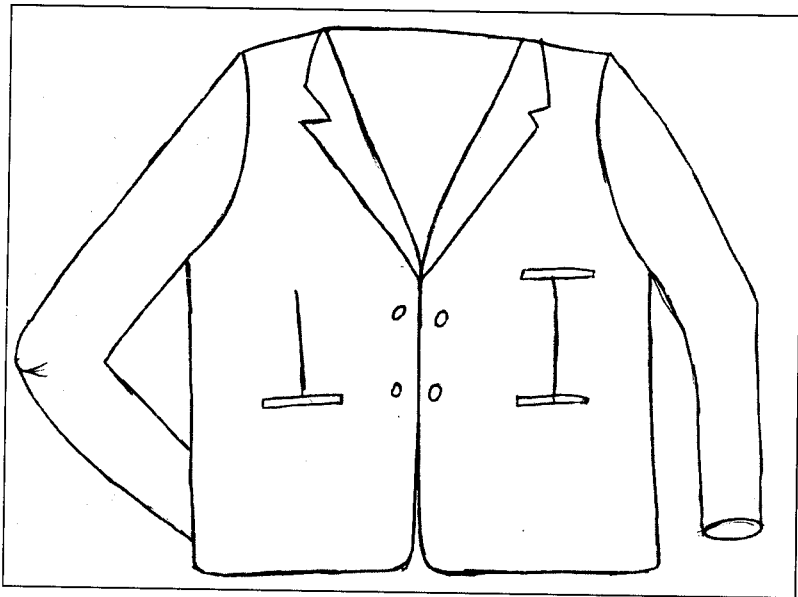
در شرق گیلان و نواحی جلگه‌ای هم مردان از پشمه‌چوخا یا چوقا که همان شال بود کت می‌دوختند. در حال حاضر هم در نواحی کوهستانی از کت پشمی از شال دستباف استفاده می‌شود.

از جمله تن‌پوش‌هایی که مردان قبلاً در گیلان می‌پوشیدند، می‌توان از قبا، ردا و عبا نام برد. عبا پوششی است که هم اکنون نیز روحانیان به تن می‌کنند.

۱. در گذشته، هنگام درو، بعضی پارچه‌ی سبز (نشان علویان) به دور کمر می‌بستند و به شالیزار می‌رفتند و «مال جد» می‌طلبیدند.



شال کمر مردان قاسم آباد



کت



مرد تالش در لباس کامل و شال و کلاه (روستای سیاهمزگی)



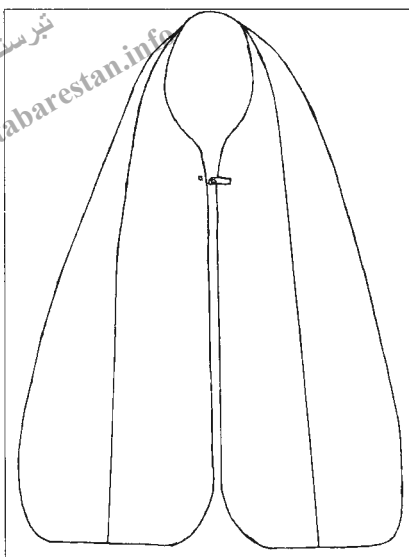
مرد تالش با لباس‌های امروزی‌تر



پشمه چوخوا / پشمه چوقا

لباس کوهستانی

در غرب: باشلق پوششی است که مردان ساکن در نقاط کوهستانی تالش به ویژه دامداران در فصل سرد می پوشند. باشلق دارای پنج تکه است که به هم وصل می شود. بلندی آن ۱/۶۰، عرض آن ۱/۸۰ و عرض هر قطعه از باشلق حدود ۳۶ سانتی متر است.



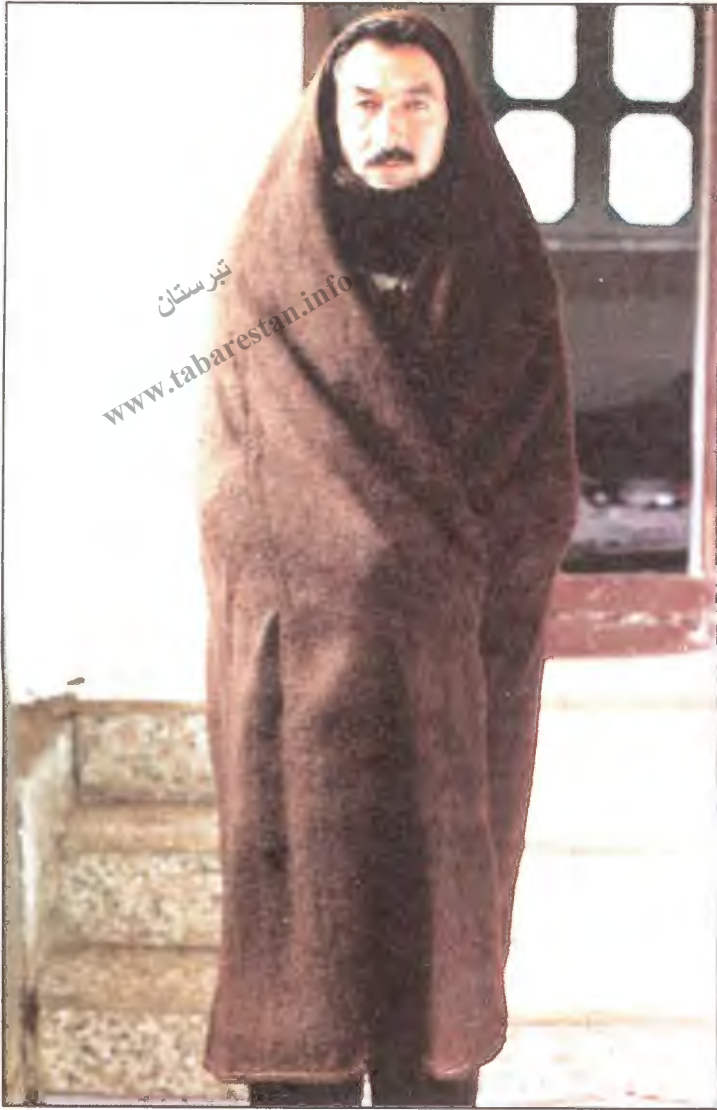
باشلق (پوشش مردان دامدار در کوهستان)

در شرق: شولا یا شبلا نوعی پالتوی نمدی است که به ویژه چوپانان از آن استفاده می کنند و بر سر نیز پوشین کلاه (پوستین کلاه) یا گوش کلاه می گذارند. گوش کلاه در دیلمان و اطراف آن و پوشین کلاه در منطقه‌ی اشکورات و روستاهای نزدیک به مازندران رواج دارد.

گولاگیر پوشش دیگری است که چوپانان هنگام روز می پوشند و کوتاه تر از شولاست. جنس آن از نمد است و در روستاهایی که نمد مالی و نمدکاری در آن رونق دارد تهیه می شود..



برای پوشش باشلق ابتدا گوش کلاه را به سر می گذارند و شال آن را به دور گردن می پیچند، سپس باشلق را می پوشند و به دور خود می پیچند.



تبرستان
www.tabarestan.info

مرد باشلیق پوش



مرد چوپان در شولا و پوستین کلاه
روستای جنگسرا (رودسر - شرق گیلان)



مرد چوپان در کولاگیر و پوستین کلاه با رزین گالوش
روستای جنگسر (رودسر - شرق گیلان)

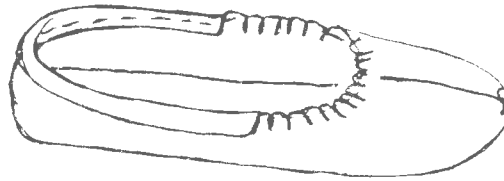


مرد ساکن کوهستان در پوشش کولاگیر
کش پیرهن، پشمه شلوار، رزین گالوش و پوستین کلاه
(روستای سجدان، سیاهکل رود)

پای افزار

چوموش: در فارسی به آن «چوموش» گفته می‌شود و آن نوعی پای فابر چرمین بر ساده است که بیشتر ساکنان مناطق کوهستانی گیلان از آن استفاده می‌کردند. این پینک کاربرد خود را از دست داده است. از جنسه قتیازهای این پای فابری سبکی، یکپارچگی و بی‌دوز بودن آن بود.

چوموش دوزی در مناطق کوهستانی گیلان به نسبت سایر پینک‌ها، این همبستگی را می‌توان در نام برخی روستاها که تلفات کتیاز و کتیازهای آن بزرگ بوده دریافت. روستاهایی چون چوموش دوزان در ماسال و کتایب در چابرونی دوزی محله در لاهیجان و چوموش محله در خالقه‌باز ماسال.



چوموش

انواع چوموش: تا چند دهی پیش چوموش ماسوله معروف بود که از ماسوله‌ی‌ها در روستاهای قومین و صیدعمسرا و حتی خلخال و آذربایجان نیز چوموش ماسوله استفاده می‌کردند. دو نوع چوموش وجود داشت: یکی مخصوص شکار **شکارچوموش** و آن بند چرمی به پا بسته می‌شد. نوع دیگر آن فاقد بند چرمی بود. در تالش دو نوع چوموش دوخته می‌شد. نوع مرغوب آن **فتنی** و نوع غیر مرغوب آن **زپه‌بست** نامی شده دوخته می‌شد و ماززده نام داشت. بعضی از چوموش‌ها را در چرم خرد یا دانه‌چرم می‌دوختند. این نوع چوموش را خود روستاییان تهیه می‌کردند. ما چوموش‌های مرغوب‌تر را همیشه از چرم‌های ساده‌ی دباغی‌شده‌ی بدون رنگ می‌دوختند. کسر می‌خورمستان را رنگ‌کنک‌کنک و رنگ‌های گاهی چمن پوست‌نار استفاده می‌کردند.

رزین چوموش (چاموش): به مرور دوختن و استفاده از چوموش از رونق افتاد و نوع دیگر آن به نام **رزین چوموش** که از لاستیک تهیه می‌شد، جای آن را گرفت. این نوع از چوموش را از لاستیک رویی طایر فرسوده‌ی ماشین تهیه می‌کردند. در کارگاهی مخصوص قسمت‌های آج‌دار لاستیک را برمی‌داشتند، سپس ورقه‌هایی نازک به ضخامت نیم سانتی‌متر از آن جدا می‌کردند و از این لایه‌های محکم و نازک به کمک نخ‌های قیطانی موم‌کشی شده، چوموشی لاستیکی می‌دوختند.

چوموش لاستیکی به سبب جنس آن متناسب با وضعیت اقلیمی استان بود و در برف و باران به راحتی مورد استفاده قرار می‌گرفت و رقیبی نداشت برای چوموش اصل محسوب می‌شد.

ساغری: کفش چرمی بدون پشت بی‌پاشنه بود که روحانیان از آن استفاده می‌کردند. اکنون هم استفاده‌ی نوعی از آن در میان روحانیان متداول است.

ارسی: کفش چرمی پشت‌دار.

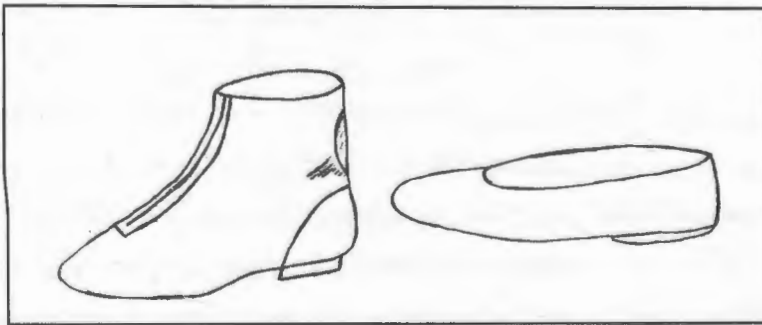
چاروق: کفش پشت‌دار، با بند یا ساده، دوخته شده از پوست الاغ، اسب یا گاو میش. **گیوه:** پای‌پوش بافته شده از نخ کتان یا کنف، قابل استفاده در تابستان. هرچند چه در فصل گرم و حتی در زمستان مردم بیشتر پای برهنه راه می‌رفتند تا مبادا به سبب رطوبت و باران، چوموش دهان باز کند و از شکل بیفتد.

پوتین گالش: این نوع گالش دارای رویه کوتاه بود. پوتین چرمی جلو بنددار را که از جنس چرم خوب و لطیف ساخته می‌شد، درون آن می‌کردند تا هم پوتین دوام بیشتری داشته باشد و هم از رطوبت و گِل در امان باشد. افراد توانگر از **پوتین گالوش** استفاده می‌کردند و در مهمانی‌ها گالوش را از پا در می‌آوردند و چون ته پوتین تمیز بود با آن وارد مجلس می‌شدند.

در حال حاضر مدل‌های مختلف کفش پلاستیکی مردانه وارد بازار شده است که مورد استفاده‌ی مردان روستایی قرار می‌گیرد.



گالوش دست‌دوز



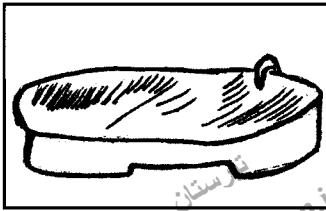
پوتین مخصوص داخل گالوش

پوتین گالوش

چکمه: مردان روستایی هنگام کار در مزارع و یا مراجعه به جنگل به‌ویژه در فصل‌های پاییز و زمستان، زمانی که زمین گل‌آلود و چسبناک است، چکمه‌هایی پلاستیکی می‌پوشند. نوعی از چکمه‌ی لاستیکی که تا نصف بالاتنه به‌صورت یک‌سره پوشیده می‌شود، مخصوص ماهیگیران است. چکمه‌های کوتاه هم که بیشتر کودکان آن را به پا می‌کردند بوت خوانده می‌شد.

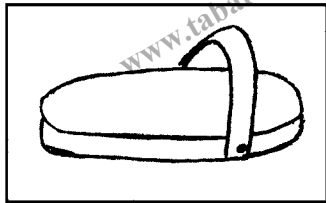
چوکوتور / چیک تور: چیک یا چوک به معنای پنجه و تور به معنای بافته است.

این پای افزار پوششی بود که هنگام حرکت روی برف، زیر چوموش می بستند.



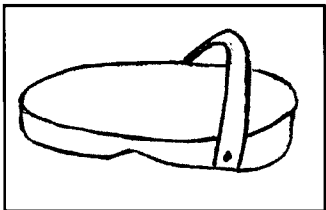
کله یک انگشتی

کته: نوعی دم پاییی است از چوب ساخته می شد و بر دو نوع بود. نوع نخست یک تسمه‌ی کلفت داشت که انگشت بزرگ داخل آن قرار می گرفت. این کته برای طی راه‌های کوتاه و بیشتر در حمام‌های عمومی استفاده می شد.



کته ته صاف

نوع دوم تخته‌ی تراشیده شبیه نوع نخست بود که با تسمه‌ای به عرض ۲/۵-۲ و طول تقریبی ۱۵ سانتی متر که دو سر آن به دو پهلوی سر کله (سر کته) میخ می شد. این تسمه، کته بند یا کته قیش (katale qayš) خوانده می شد. با ورود دم پاییی‌های پلاستیکی، کته از بین رفت.^۱



کته

پاتوئه / پاتاوه / پتاوه: پتاوه را که پاییی یا

مچ پیچ است، از مچ پا تا به زیر زانو به دور ساق می پیچیدند. بافته‌ای استوانه شکل از پشم که در بالا با بند پشمی بسته می شد. پتاوه‌ی نخ‌ی هم رایج بود که درازای آن حدود ۲ متر و پهنای آن ۱۲-۱۰ سانتی متر بود. البته به جای پتاوه اغلب از جوراب بلند پشمی با بندهای پشمی و یا بندهای ابریشمی کلفت استفاده می شد.

۱. کفاشان به رویه‌ی کفش پستایی می گویند و انواع آن عبارت بود از: بند از رو سه منگنه ساده، پنجه پیلکانی، دو ابرو، ولک و شاخه‌ای و دورگان.

جوراب

در اصطلاح محلی به آن گوره‌وه، جوروف یا پشمه جوروف می‌گویند. پوشیدن جوراب پشمی در بین مردان و بانوان ساکن در نقاط کوهستانی استان گیلان رواج دارد. این پوشش با نقش‌ها و رنگ‌های شاد به دست بانوان بافته می‌شود. در اکثر مناطق نام طرح‌ها متأثر از طبیعت اطراف و نوع معیشت است. هر قدر روستا دورتر از شهر باشد، نامگذاری طرح‌ها بیشتر تحت تأثیر محیط و معیشت قرار دارد. برخی از این نام‌ها عبارتند از: بزه‌پا: پای بز، شیکم‌روا: شکم‌روده، خالیه برگه: برگ تنها، دارانجن: جایی که پوشیده از شاخ و برگ ریخته شده‌ی درختان است.

مقدار نخ پشمی یا پو (po) که برای بافت جوراب مصرف می‌شود، بسته به این که پشم پائیزه یا بهاره باشد، متفاوت است، اما به‌هرحال با یک کیلو پشم که تبدیل به نخ پشمی می‌شود سه جفت جوراب به بلندی ۴۳-۴۰ سانتی‌متر می‌توان بافت. نام برخی از نقش‌های جوراب در پاره‌ای از نواحی تالش در ذیل ذکر می‌شود: ۱. شکم‌روا، ۲. قالیه نقش، ۳. چینگه، ۴. کردیه نقش، ۵. بال به گردن، ۶. کرم ماریچ، ۷. حلوایی- لوز، ۸. فاطمیه پینجه یا شالمانقش، ۹. خالیه برگه، ۱۰. دارانجن، ۱۱. شاندرمینه پینجه، ۱۲. عقرب، ۱۳. اوریس، ۱۴. چماچول، ۱۵. گوسفند چم (چشم گوسفند)، ۱۶. گل کشی- کشباف، ۱۷. بته جقه - کج بوته، ۱۸. ماریچ - پیچ میل.



جوراب پشمی با نقش قالیه نقش



جوراب پشمی با نقش چینگه



پشت جوراب پشمی با نقش شکم روده



جوراب پشمی با نقش کردی



جوراب پشمی با نقش ماریچ یا انگلیسی



دستکش

زنان و مردان گیلان به‌ویژه در مناطق کوهستانی برای مقابله با سرما در هنگام کار، دستکش به دست می‌کنند. ساکنان غرب گیلان آن را چنگانه و چنگیله، و ساکنان شرق گیلان آن را دس جوروف و دس گورو می‌نامند که معنای تحت‌اللفظی آن «جوراب دست» است. بانوان هنرمند برای بافتن دستکش از پو استفاده می‌کنند و آن را با «پنج میل» مخصوص بافت دستکش که غرب گیلان به آن تیه (tya) و در شرق گیلان میل می‌گویند، می‌بافند. در غرب و در شرق جای انگشت بزرگ را جدا می‌کنند و جای چهار انگشت دیگر را نیز با هم می‌بافند و معتقدند که با این شیوه، گرفتن اشیاء و کار کردن راحت‌تر است.



دس جوروف (دستکش)



پوشاک بانوان

روسری

روسری که به انواع مختلف آن سر بند، لچک و دستمال می‌گویند، پوشش‌های صبی بانوان گیاهی است که بسته به اندازه و شیوه‌ی بستن آن در نواحی مختلف متفاوت است.

تالش‌نشین: در گذشته بیشتر بانوان از دو سر بند استفاده می‌کردند؛ سر بندی کوچک در زیر و سر بند بزرگ‌تر بر روی آن. به‌عنوان مثال بانوان خوشابر اسالم از یک روسری و بانوان کرگانرودی از دو مدل استفاده می‌کردند. این روسری‌ها در هر منطقه از تالش دارای نام‌های متفاوتی است. مثلاً به روسری زیرین در سیاهمزی سر آهست، در ویسرود که فاصله‌ی زیادی با سیاهمزی ندارد **تونه دسمال**، در منطقه‌ی ماسال **نبشه دسمال** و در کرگانرود **سر دستمال** می‌گویند. اندازه‌ی بند دستمال بانوان در ماسال بسیار بزرگ‌تر از دیگر قسمت‌ها در تالش است.

بانوان تالش از سر بند دیگری با عنوان **کلاغی دستمال** یا **کلقی دستمال** که جنس آن ابریشمی است استفاده می‌کنند و این همان دستمال‌هایی است با طرح کلاغه‌ی مستی که طرح به روش چاپ مستقیم بر روی شان چاپ شده است. این دستمال را به‌صورت آماده از بازار می‌خرند. طرح دیگر آن که معروف به **دستمال یزدی** است، در مناطق مختلف گیلان، اعم از غرب و شرق خریدار دارد.

سَر آبست‌ها دو نوع‌اند؛ ساده یا گِیجِگ‌دار و یا وشِه‌زیر که خودشان زیر دستمال را ریشک می‌دهند. گاهی هم از دستمال‌های ترکمنی استفاده می‌کنند. در منطقه‌ی شفت و فومن بانوان هنگام رفتن به عروسی حتماً روسری‌های ابریشمی ریشک‌دار بر سر می‌گذارند و آن را نه در بالای سر که در بالای گوش گره می‌زنند.

بانوان تالش ماسالی، روسری زیرین را به شکلی کاملاً متفاوت از دیگر بانوان ساکن در گیلان می‌بندند و روی آن هم سردستمالی بزرگ‌ان جنس کودری در اندازه‌ی ۱۵۰ × ۱۵۰ سانتی‌متر بر سر می‌گذارند و پشت‌سر یک گره شل می‌زنند. زنان تالش منطقه‌ی گرگانرود در فصل سرد، به‌ویژه در کوهستان، ابتدا یک کلاه کاموایی کوچک بر سر می‌گذارند، سپس سردستمال سفید را به طرز ماهرانه‌ای می‌بندند. در عین حال گیسوان را طوری به‌هم می‌بافند که بتوانند از آن در تزئین سردستمال به بهترین شکل استفاده کنند. سپس کلقی دستمال را هم برای زیبایی و هم برای جلوگیری از سرما بر پیشانی می‌بندند. در هر حال زنان تالش سعی می‌کنند دهان خود را با بخشی از دستمال بپوشانند. زنان تالش خوشابری و اسالمی هم فقط از یک سردستمال استفاده می‌کنند و آن را طوری بر سر می‌نهند که دهان را بپوشاند. دختران جوان تالش عموماً لچک مشکی بر سر نمی‌گذارند.

جلگه‌نشینان: گیل‌ها از لچک و روسری برای پوشش سر خود استفاده می‌کنند که به مرور زمان دستخوش تحولاتی شده است.

لچک: ابعاد آن ۱۵۰ در ۷۵ سانتی‌متر است و جنس آن عموماً از چیت و در پاره‌ای موارد از حریرال است. در گذشته تنها رنگ سفید آن را بر سر می‌بستند اما امروزه از رنگ‌های نسبتاً تیره استفاده می‌کنند. لچک هم برای بانوان هم برای مردان (هنگام کار جهت جلوگیری از تابش مستقیم آفتاب و جذب عرق) مورد

استفاده قرار می‌گرفت. نوع لچک در فصول مختلف تفاوت نمی‌کرد. در حالت عادی و روزمره جنس آن از چیت بود، ولی در مهمانی‌ها و مراسم از جنس حریر استفاده می‌کردند. دختران حریر را با نیل رنگ می‌زدند و سپس بر روی سر می‌گذاشتند و آن را تا روی پیشانی عقب می‌کشیدند و در وسط سر قرار می‌دادند، طوری که مقداری از موی سر نمایان باشد. در مقابل بانوان برای جلوگیری از آشکار شدن موهای خود آن را تا روی پیشانی جلو می‌کشیدند. در هنگام کار، به‌ویژه کار کشاورزی، لچک تا روی پیشانی پایین کشیده می‌شد. برای بستن آن لچک را روی سر قرار داده و دو گوشه‌ی آن را از پشت گردن به صورت ضربدر عبور داده و دوباره در بالای سر گره می‌زدند.

روسری: به روسری، **دَسَمال** یا **پيله دَسَمال** و یا **سَر فُود** می‌گویند. جنس آن از چیت یا حریر است و بر روی **لچک** بسته می‌شود. روسری از یک پارچه‌ی یک متری با طول و عرض یکسان دوخته می‌شود. برای بستن آن بر روی سر، دو سر روسری را به زیر گوش می‌آورند و زیر چانه ضربدر می‌زنند و دو گوشه‌ی آن را در پشت گره می‌زنند. دختران دستمال را بر روی سر قرار نمی‌دادند بلکه بر روی گردن می‌انداختند، بدون آن‌که به گره آن‌ها لطمه‌ای وارد شود. بدین ترتیب از نحوه‌ی قرار گرفتن روسری بر سر، تفاوت بین دختران و بانوان مشخص می‌شد. این نوع روسری در فصول مختلف و توسط قشرهای مختلف مورد استفاده قرار می‌گرفت.

رنگ این نوع روسری معمولاً سفید بود مگر در مواقعی که شخص نذری داشت و یا در ماه محرم، که از رنگ مشکی یا سبز آن استفاده می‌شد.

شرق گیلان: استفاده از **لچک** نزد همه‌ی بانوان ساکن در شرق گیلان، اعم از زنان ساکن در جلگه، کوهپایه و کوهستان عمومیت دارد.

لچک سیاه را همانند شکل صفحه بعد بر سر می‌بندند که به **مَندیل** معروف

است. گوشه‌های **لچک** را در جلوی پیشانی پس از گره زدن ساده، یک دور به هم می‌پیچند و سپس هر یک از گوشه‌ها را **لای لچک**، پهلوی سر فرو می‌کنند. در این صورت اگر بانوان دارای گیسوان بلند باشند، آن‌ها را هم بالای سر آورده گره می‌زنند. سپس **سردبند** یا **سردستمال** را بر روی آن می‌بندند.

دختران و بانوان جوان بیشتر تور دستمال را که خود می‌بافند، به سر می‌کنند. معمولاً رنگ تور دستمال‌ها سفید یا آبی است. بانوان ساکن اطاقور و بلوردکان نوعی سردستمال موسوم به **کاربند دسمال**، یعنی دستمالی که گل‌دوزی‌های بسیار ظریف روی آن صورت گرفته، بر سر می‌نهند. اطراف این روسری دارای ریشک با نام **دور گلمه** است.



طرز بستن لچک



زن تالش سیاهمزنی لچک را به سر گذاشته و یک گره زده است.

لچک از پشت سر



طرز گره دوم لچک



روسری سفید را که همان سراپست است، بر روی لچک می‌بندند



زن تالش با سر دستمال ساده (ویسرود)



سر دستمال با یک گره



زن تالش درودخان با تونه دستمال وشهدار (ریشک‌دار) از روبه‌رو



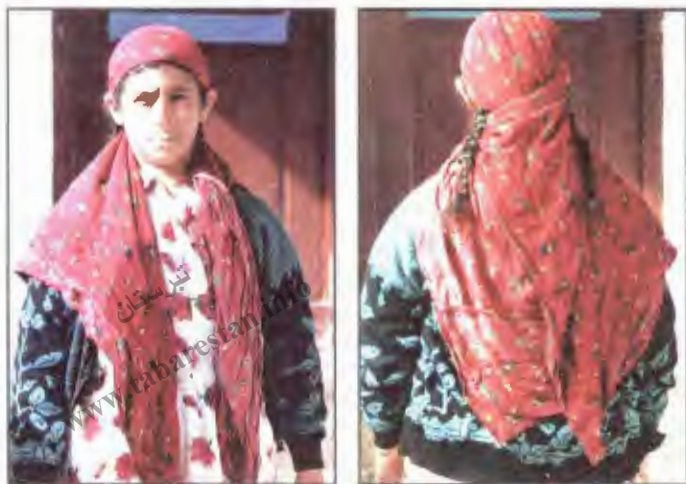
زن تالش درودخان با تونه دستمال وشهدار (ریشک‌دار) از پشت



بانوان تالش ویسرود (شفت) هنگام رفتن به عروسی



هنگام رفتن به عروسی دستمال رنگی را طوری می‌بندند تا گوش‌ها، قسمت کوچکی از گیسو و گوشواره نمایان باشد.
در این صورت روسری را نزدیک گوش گره می‌زنند نه بالای سر



نحوه بستن روسری زیرین بانوان تالش منطقه ماسال
(چسلی - آهکلان - تالارگاه)



نحوه گره زدن روسری زیرین



اتمام بستن روسری زیرین از پشت و رویهرو



نحوه بستن دستمال روی روسری زیرین با تک گره (چسلی - آهکلان)



زن تالش منطقه کرگانرود طرز بستن سر دستمال را از ابتدا نشان می‌دهد. (لورون)



زن تالش کرگانرودی مدل دیگر بستن سر دستمال را نشان می‌دهد (کیش‌دیی)



(در این مدل دهان نمایان نیست)



زن تالش در حال نشان دادن طرز بستن سر دستمال طوری که یک تکه از گیسو نمایان شود.



زن تالش در حال نشان دادن طرز بستن سر دستمال طوری که یک تکه از گیسو نمایان شود.



زن خوشابری در حال نمایش طرز بستن سردستمال (شانکاور)



روسری ابریشمی بر روی یک سر دستمال با ریشک‌های ساده



زن دیلمانی در حال نشان دادن مندیله که بعد از آن سردستمال گیجک‌دار می‌گذارند



زن میانسال قاسم آبادی نحوه بستن مندیل را نشان می دهد.



روسری چهارگوش



روسری دورگلمه یا کارید دستمال بلوردکان (لنگرود)



روسری چهارگوش گلدوزی شده و عرقچین پولدوزی شده



روسری چهارگوش گلدوزی شده و نمایش داخل عرقچین



زن بلوردکانی با عرقچین با تزئین سکه

پیراهن

پیراهن، بالاپوش بانوان ساکن گیلان است. این پوشش در گویش تالشی شی و در شرق و جلگه پیره‌ن و جِمِه خوانده می‌شود.

در غرب: پیراهن در این نواحی یکسره آستین بلند است. از گودی گردن حدود ۳۵ سانتی‌متر از جلو باز است تا راحت‌تر بتوانند به نوزاد شیر بدهند و در دو طرف آن چاک دارد. اندازه‌ی چاک پیراهن در قسمت‌های مختلف تالش متفاوت است و بلندی آن نیز که روی تنبان می‌آید در نواحی مختلف تفاوت دارد. پیراهن در منطقه‌ی کرگانرود و تالش کاملاً بلند و حدود ۱۰ سانتی‌متر کوتاه‌تر از شلوار یا دامن بلندشان است. چاک دو طرف پیراهن حدود ۵۰-۵۵ سانتی‌متر است. در حاشیه‌ی پیراهن دو ردیف کشدوزی دارد. بلندی پیراهن بانوان ماسال حدود ۱۰۵ سانتی‌متر و چاک آن حدود ۴۰-۳۵ سانتی‌متر است. بلندی پیراهن بانوان تالش‌زیبان فومن و شفت حدود ۸۰-۷۵ سانتی‌متر و چاک طرفین آن ۲۵ سانتی‌متر است و با فاصله‌ی ۱۰ سانتی‌متر از لبه‌ی پیراهن، توردوزی یا نوار مشکی دوخته می‌شود.

تقریباً بلندی پیراهن بانوان تالش خوشابری شاندرمن و اسالم یکسان است؛ از پیراهن تالشی کوتاه‌تر و از پیراهن بانوان تالش شفت و فومن و ماسال بلندتر است. در هر حال، پیراهن ساده و با رنگ‌های شاد دوخته می‌شود. برای مهمانی‌ها از پارچه‌های زری، ژرسه، ساتن، و برای منزل از پارچه‌های نخی استفاده می‌کنند. دختران از رنگ‌های شادتر و بانوان رنگ‌های تیره‌تر می‌پوشند.

در جلگه: پیراهن زنان ساکن این نواحی مانند پیراهن بانوان تالش است، اما بسیار کوتاه‌تر از آن (حدود ۷۰ سانتی‌متر)، در هر حال مقدار پارچه‌ی مورد نیاز برای دوخت پیراهن سه متر است.

در شرق: تنوع پیراهن بانوان در شرق گیلان به مراتب بیش از بانوان ساکن غرب است، هر چند سادگی پیراهن بانوان غرب بیشتر است. پیراهن بانوان قاسم‌آباد، اشکورات، سیاهلکرو و کلاچای مانند یکدیگر است. بلندی آن ۶۵-۶۰ سانتی‌متر است. جلوی پیراهن دختران جوان قاسم‌آباد بسته است و از یک طرف شانه دگمه دارد. بانوان نیز تا هنگامی که بچه ندارند، از همین پیراهن استفاده می‌کنند و زمانی که بچه‌دار می‌شوند مدل پیراهن جلو باز و دگمه‌دار می‌شود و بدین طریق شیردادن به بچه آسان‌تر است. پیراهن بانوان در اشکورات، سیاهلکرو، واجارگاه و کلاچای جلو بسته است، اما از دو طرف شانه باز می‌شود. بانوان مُسن از پیراهن‌های تیره‌تر استفاده می‌کند.

پیراهن بانوان املش که **چابکی** نام دارد نیز همین گونه است، با این تفاوت که به جای نواردوزی، کشدوزی دارد. آن‌ها پیراهن دیگری هم دارند که بر روی آن پولدوزی می‌شود و مدل پولدوزی آن کاملاً متفاوت است. حدود ۱۵-۱۲ سانتی‌متر از لبه‌ی پیراهن را بعد از یراق‌کاری، در چندین ردیف سکه می‌دوزند. پیراهن منزل بانوان املش از زیر سینه دارای چین است و بلندی آن هم به زانو می‌رسد.

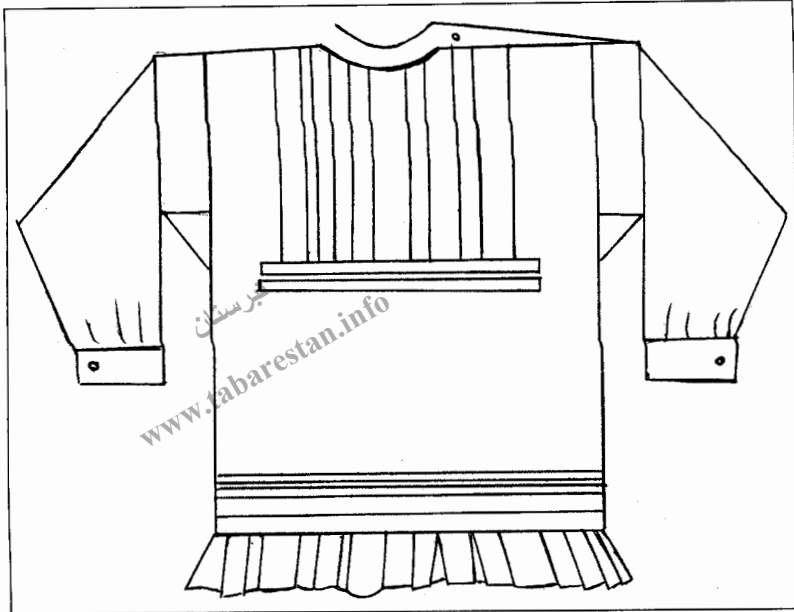
پیراهن پولدوزی شده‌ی بانوان واجارگاه هم دو ردیف سکه‌دوزی دارد که در بالای چین پیراهن قرار می‌گیرد و از نوار و کش برای تزئین آن استفاده می‌کنند. مدل پیراهن بانوان اطاقور و بلوردکان لنگرود کاملاً متفاوت است.

پیراهن میهمانی و منزل زنان دیلمانی دارای برش ساده است و در پهلو ۲۰-۱۸ سانتی‌متر چاک دارد. غیر از یراق‌دوزی، چرخ‌دوزی و استفاده از نخ‌های رنگی در جلوی پیراهن تا ۳۵ سانتی‌متر دیده می‌شود.

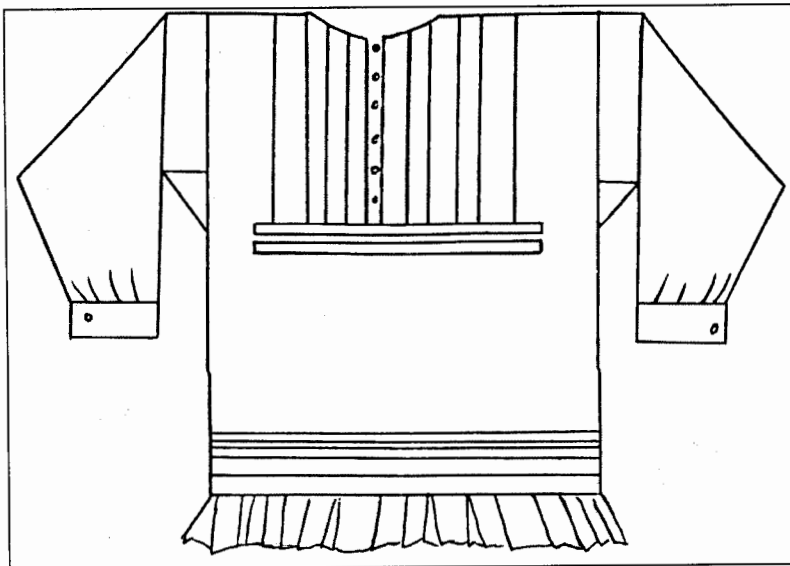
در روستای پاشاکی هم چرخ‌دوزی کاملاً رایج است. بلندی این پیراهن‌ها ۸۰-۷۵ سانتی‌متر است. پیراهن مرسوم در پاشاکی واقع در منطقه‌ی خزارود، اگر چه هم‌چون پیراهن دیلمانی چرخ‌دوزی بسیار دارد، اما دارای دو تفاوت عمده با

دیگر قسمت هاست. نخست آن که پارچه‌ی آن با **پاچال** و با ابریشم خام در محل بافته می‌شود؛ و دوم آن که طرفین پیراهن به رنگ سرمه‌ای به روش پیچمان با پیلای ابریشم رنگ می‌شود. این پیراهن را دختران در روز عروسی و مهمانی‌ها می‌پوشند. این پوشش علاوه بر طرح‌های پیچمان از کشدوزی و چرخدوزی هم استفاده می‌کند. بلندی این پیراهن تا ۸۳ سانتی‌متر هم می‌رسد. مدل دیگر از پیراهن وجود دارد که به جای چرخدوزی و کشدوزی، پولدوزی شده است و اطراف یقه تا طول ۴۰ سانتی‌متر چند ردیف چرخدوزی دارد. رنگ لباس عروس در پاشاکی پیراهن قرمز و دامن سفید یا پیراهن سفید و دامن قرمز است.

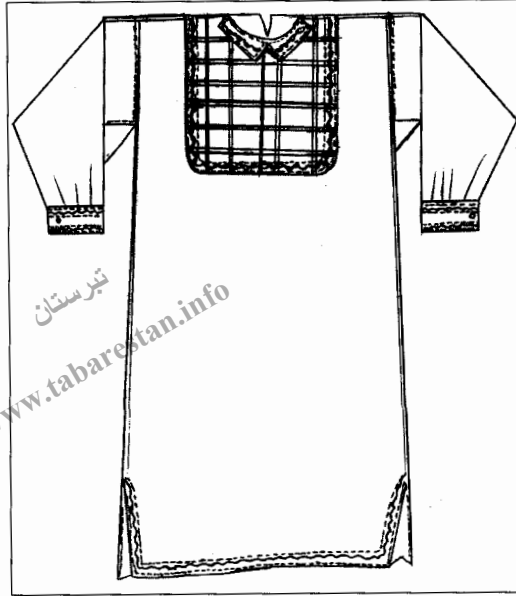
لباس عزاداری: نکته‌ی قابل توجه آن است که بانوان گیلان در گذشته هیچ‌گاه از رنگ مشکی هنگام مراسم عزاداری استفاده نمی‌کردند بلکه لباسی کهنه یا تیره‌رنگ و یا همان لباس منزل را می‌پوشیدند. در شفت برای نشان دادن عزای تکه‌ای پارچه‌ی مشکی دور بازوی چپ یا راست می‌بستند یا آن را بر روی گوشه‌ای از پیراهن سنجاق می‌کردند.



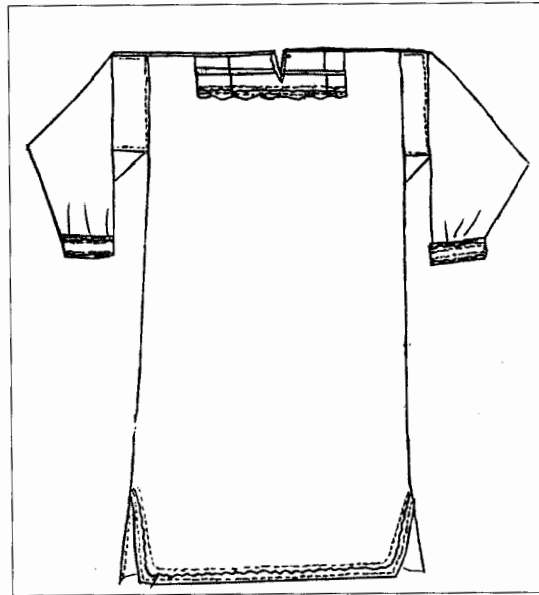
طرح پیراهن دختران و بانوان جوان (شرق گیلان)



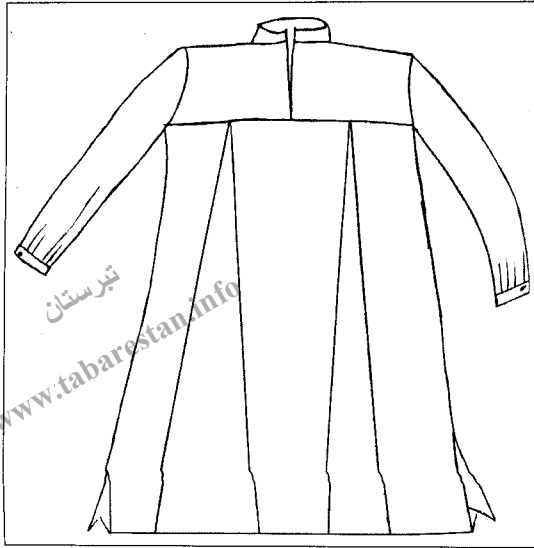
طرح پیراهن بانوان (شرق گیلان)



طرحی از پیراهن دختران (ماسوله)



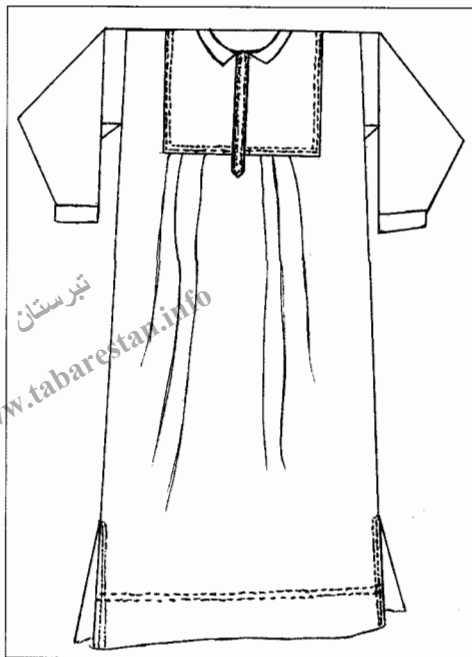
پشت پیراهن بانوان ماسوله چرخدوزی به رنگ متن پارچه



پیراهن بانوان (ماسوله)



طرحی از پیراهن تالشی



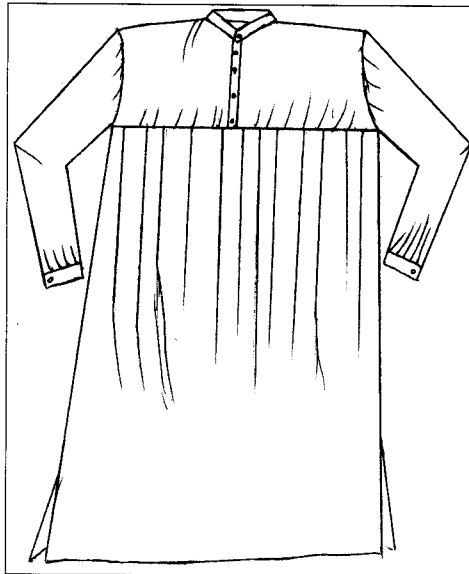
مدل پیراهن بانوان ماسال (روستای چسلی، آهکلان، وردوم)



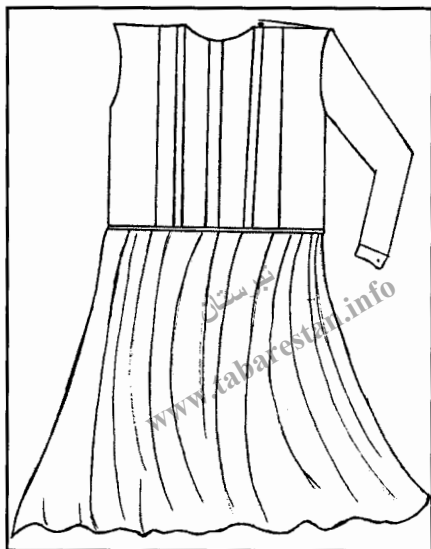
طرح پیراهن بانوان تالش ساکن ویسرود حدود شصت سال پیش



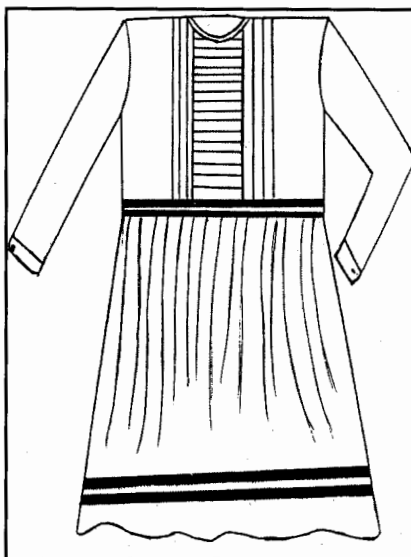
طرح پیراهن تالشی



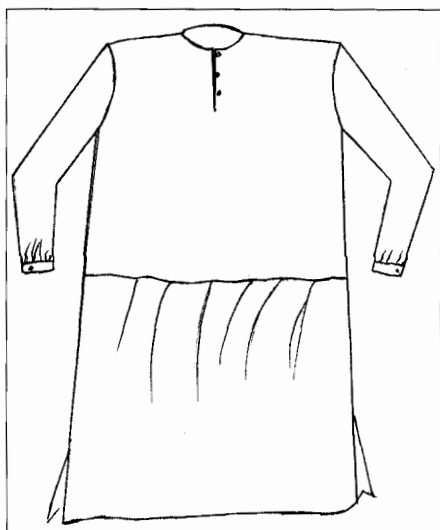
طرح پیراهن تالشی



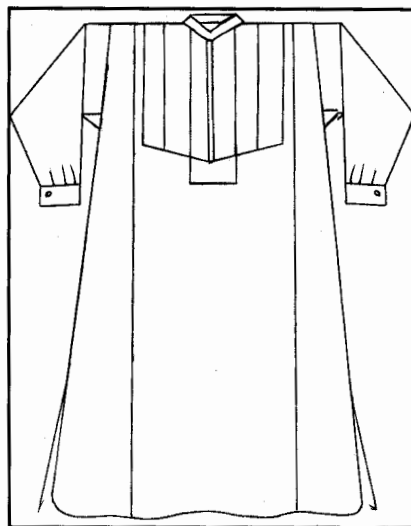
پیراهن منزل بانوان در املش



طرح پیراهن مهمانی و عروسی اتاقور -
بلوردکان لنگرود



طرح قدیمی از پیراهن بانوان تالش



پیراهن بانوان تُرک ساکن تالش



توردوزی پیراهن عروس (ویسرود، درودخان شفت)



لباس کامل عروس (ویسرود، درودخان شفت)



پیراهن مهمانی هنگام عروس آوری به منزل (روستای دعوای لات) از روبه رو و پشت



پیراهن دختران و بانوان جوان ویسرود (شففت) از رویه‌رو



پیراهن منزل و مهمانی‌های دوستانه دختران و بانوان دیلمانی با چرخ‌دوزی



پیراهن پولدوزی شده دختران و بانوان جوان واجارگاه



پیراهن دختران و بانوان جوان واجارگاه



پیراهن بانوان جوان و دختران در اشکورات (روستای قاضی چاک)



چابکی، پیراهن دختران و بانوان جوان املش (روستای دعوی لات)



پیراهن مهمانی دختران و بانوان جوان اتاقور بلوردکان لنگرود



پیراهن یراق دوزی شده مهمانی بانوان دیلمانی



پیراهن مهمانی و دامن آن در پاشاکی



پیراهن پولدوزی شده مهمانی در پاشاکی

جلیقه

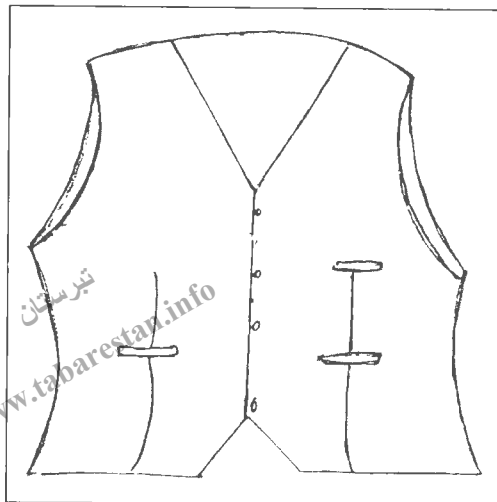
تقریباً بانوان گیلانی تمام نواحی گیلان از جلیقه استفاده می‌کنند. بانوان تالش آن را **جلخه** یا **نیفته**، بانوان ساکن شرق **جرّقه** یا **جرزّقه** و بانوان ساکن جلگه **جلتّه**، **جلتّه**، **جلخته** یا **جلخده** می‌نامند.

جلیقه به‌ویژه در فصل سرما در نواحی کوهپایه و کوهستان پوشش بسیار مطلوبی به شمار می‌رود. زمینه‌ای برای تزئین زیورآنها و سکه‌ها بر روی آن وجود دارد اما در جلگه معمولاً مدل ساده و بدون تزئین آن رایج بوده است.

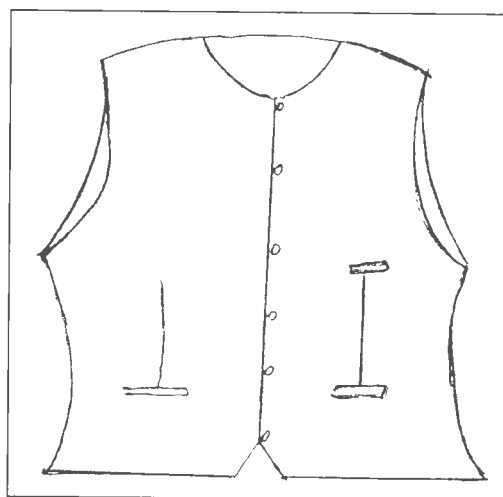
مدل متداول آن در همهی نواحی جلیقه‌ای است جلو باز. سه دکمه، یقه هفت با سه جیب در طرفین که پشت آن دارای سگک است و قابلیت گشاد و تنگ کردن را به آن می‌دهد. جنس آن مانند همهی پوشش‌ها بستگی به وضعیت مالی فرد دارد و متناسب با آن از مخمل و ماهوت در فصل سرما و پارچه‌ی فاستونی در فصل‌های دیگر استفاده می‌شود. مقدار مورد نیاز برای دوخت جلیقه ۱ متر تا ۱۲۰ سانتی‌متر است و معمول است که جلوی جلیقه از هر جنسی انتخاب شده باشد، پشت آن از پارچه‌ی آستری دوخته می‌شود. در مناطق کوهستانی، بسته به توان مالی فرد، کاملاً پُر یا فقط در دو تا سه ردیف عمودی سکه‌دوزی می‌شود و پشت آن را با نخ‌های رنگی چرخ‌دوزی می‌کنند. در شرق به این نوع جلیقه‌ها **پول‌بُدوته جرّقه** (جلیقه‌ی پول‌دوزی شده) می‌گویند.

اکنون در بسیاری از روستاها بانوان پول‌ها یا سکه‌های قدیمی را که بر جلیقه‌ها دوخته شده بود، کنده و فروخته‌اند.

در سال‌های اخیر به دلیل تحولات اجتماعی از این پوشاک به‌ندرت استفاده می‌کنند و جلیقه‌های کاموایی جای آن را گرفته است.



طرحی از جلیقه بانوان گیلان



جلیقه بانوان گیلان با یقه گرد



زن تالش در لباس منزل و پوشش جلیقه



جلیقه‌ی پولدوزی شده بانوان املش (روستای دعوای لات) از روبه‌رو و پشت



جلیقه‌ی پولدوزی شده‌ی یقه انگلیسی بانوان اتاقور - بلوردکان لنگرود از روبه‌رو و پشت



جلیقه منزل بانوان بلوردکان - لنگرود



جلیقه مهمانی و عروسی بانوان تالش ویسرود - رودخان (شفت)



جلیقه مهمانی و عروسی زن دیلمانی از رویه‌رو و پشت

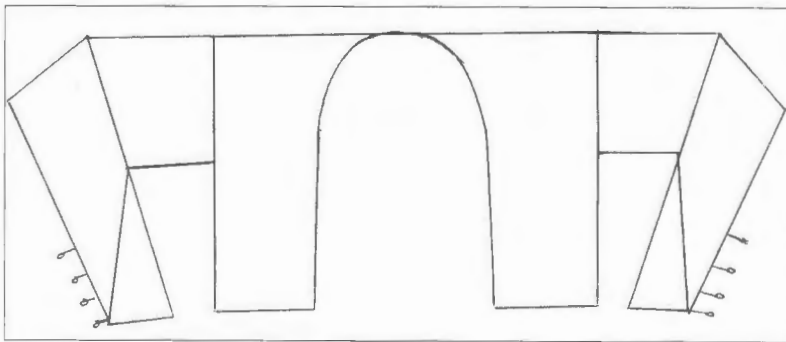
کت

بانوان همه‌ی نواحی گیلان از کت استفاده می‌کردند. کت معمولاً از مخمل‌های الوان یا ساده دوخته می‌شد و دارای آستین بلند و یقه‌ی انگلیسی بود و به آن یقه‌ی زیناری می‌گفتند. پارچه‌ی مورد نیاز برای دوخت آن ۳ متر بود. به تدریج کت جای خود را به ژاکت‌های دست‌باف و سپس ژاکت‌های ماشین‌بافت داد.

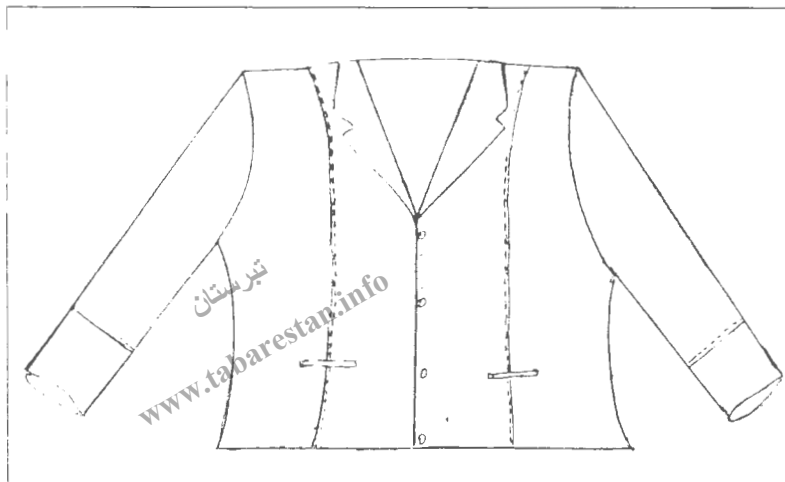
تبرستان

الجا قبا

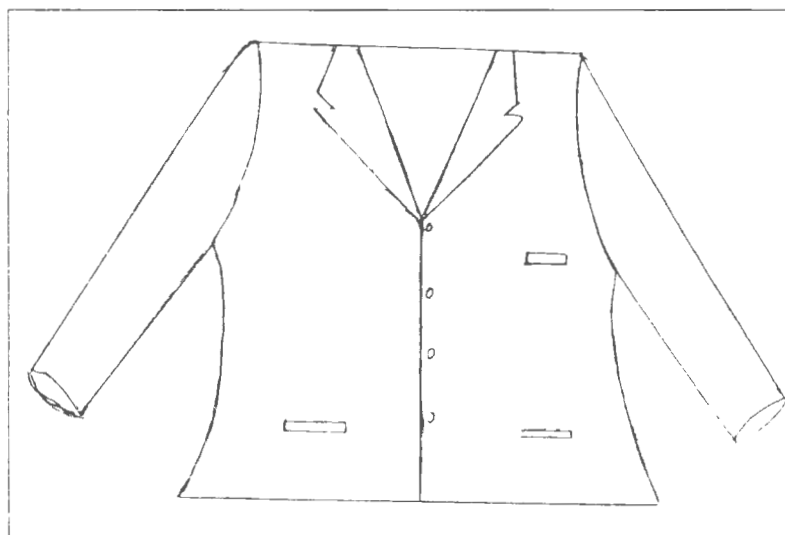
الجا قبا پوششی با قد کوتاه، بدون یقه و جلو باز بود که تا حدود زانو و بالای کمرگاه می‌رسید. در دوخت آن از پارچه‌های مخمل الوان و یا پارچه‌ی چادر شب استفاده می‌شد و گاهی اطراف آستین‌ها سکه دوخته می‌شد. این پوشش در کوهستان‌های شرقی و قاسم‌آباد رایج بود. هرگاه این قبا را می‌پوشیدند جلیقه نمی‌پوشیدند زیرا بلندی جلیقه بیش از آن بود و در نتیجه از زیر آن خود را نشان می‌داد.



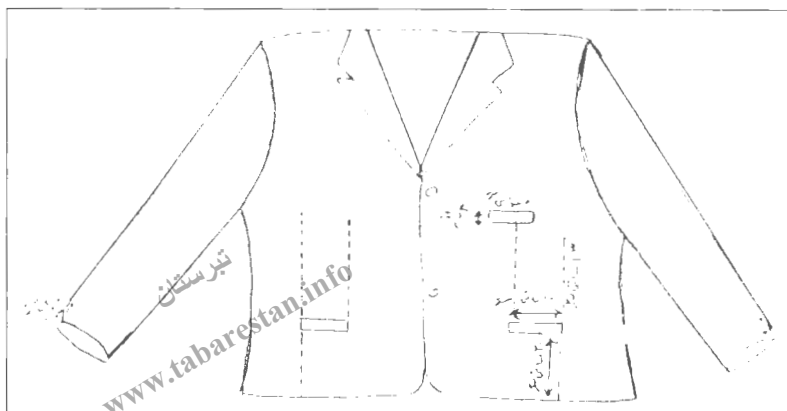
الجا قبا



کت طرحدار (سیاهمزگی)



کت ساده



طرح کت بانوان تالش خوشایری از روبه‌رو

دامن

دامن از دیگر پوشاک رایج زنان گیلان است که در نواحی مختلف دارای شکل‌های متفاوت است و به نام‌های درازتومون یا درازتومان، شلار، شلیته، کوتاتومان و گرده‌تومان خوانده می‌شود.

در غرب: زنان تالش به آن شلار می‌گویند. شلار دامن پرچینی است که کمر آن با چین‌های میلی‌متری با کش یا بند دوخته می‌شود و هنگام پوشیدن روی باسن قرار می‌گیرد. بلندی آن تا حدود ۵ انگشت بالای مچ پا می‌رسد و از پارچه‌های شاد گلدار انتخاب می‌شود. به تدریج از طول این دامن کاسته شده و در بعضی مناطق اکنون بلندی آن تا ساق پا می‌رسد. طول دامن دختران نوجوان و کودکان کوتاه‌تر از بقیه است. این دامن را اکثر بانوان در منزل و با دست می‌دوختند.

در میان زنان تالش تفاوت‌هایی در نوع دامن‌ها دیده می‌شود. دامن بانوان تالش منطقه‌ی فومن کوتاه‌تر از بانوان شهرستان تالش است. البته تا چند دهه‌ی پیش بانوان تالش این ناحیه هم دامن کاملاً بلند می‌پوشیدند که به مرور از قد آن کاسته شد. در این نواحی فقط یک شلار به تن می‌کنند. شلار از لیفته به پایین

اغلب دارای چرخدوزی و چین‌های بسیار ظریف است. دامن بانوان شهرستان تالش نیز تفاوت اندکی دارد. در بعضی مناطق مانند شاندرمن گاهی یک ردیف کش‌دوزی بر دامن دیده می‌شود. بانوان منطقه‌ی کرگانرود قبلاً تا سه عدد دامن را بر روی هم می‌پوشیدند که بعدها به دو دامن رسید. پوشیدن چند دامن بر روی هم، به هنگام راه رفتن جلوه‌ی زیباتری به زنان می‌داد. برای دوخت آن از پارچه‌ی گلدار یا ساده استفاده می‌شد. طرح‌های شاد مخصوص دختران و بانوان جوان و طرح‌های ساده و رنگ‌های سفید مخصوص سالمندان و میانسالان است. برای عروسی یا مهمانی از پارچه‌های مخمل، ساتن و برای کار روزانه از پارچه‌های نخی و ارزان‌تر استفاده می‌کردند. مقدار پارچه‌ای که برای دوختن شلار استفاده می‌شود، ۱۲-۱۰ متر است. در واقع دو تا سه دامن ۱۲-۱۰ متری بر روی هم پوشیده می‌شد.

در شرق: معروفترین دامن شرق گیلان، **دامن قاسم‌آبادی** است. برای دوخت این دامن ۱۲-۱۰ متر پارچه لازم است. آنچه **دامن قاسم‌آبادی** را از دیگر دامن‌های شرق گیلان متفاوت می‌سازد «سه‌پاره»، «سومن‌پره» یا «سومن‌پاره» است که به فاصله‌ی حدود ۱۰ سانتی‌متر از لبه‌ی دامن دوخته می‌شود. سومن‌پره سه تکه پارچه است که به هم دوخته می‌شود. اگر مقدار پارچه ۱۲ متر باشد سعی می‌کنند «پاره» ندهند که آن‌هم به‌ندرت رخ می‌دهد. در انتخاب رنگ سومن‌پره تابع قاعده‌ای هستند، یعنی در پاره اول و آخر از یک رنگ استفاده می‌کنند و در پاره وسط از رنگ دیگر. مثلاً اگر دو پاره اول و آخر آبی باشد، پاره وسط قرمز است.

تعداد پاره‌ها در دامن دختران، بانوان تازه ازدواج کرده، بانوان میانسال و سالمند متفاوت است. بانوان مسن فقط سه‌پاره‌ی زیرین را می‌دوزند. بانوان میانسال یک یا دو پاره بعد از سومن‌پره می‌دوزند و دختران و بانوان بعد از ازدواج تا مدتی که بچه نداشته باشند، تعداد پاره‌های دراز **تومانشان** تا ۱۰ پاره هم

می‌رسد و در آخرین پاره به صورت هفت و هشت است.

در شرق گیلان هم چون غرب، تفاوت‌هایی در دامن دیده می‌شود، اگرچه همه با نام **قاسم‌آبادی تومان** معروف‌اند.

دامن بلوردکان اطاقور لنگرود سومن‌پره ندارد و در لبه‌اش یک ردیف پارچه‌ی نخ‌ی معمولاً مشکی به طول $3/5$ سانتی‌متر به صورت دوپیل دوخته می‌شود. نوارها به فاصله‌ی ۲ سانتی‌متر از یکدیگر دوخته می‌شود و هر نوار ۲ سانتی‌متر عرض دارد. قبل و بعد طرح اصلی، تعداد نوارها مساوی و رنگ‌ها هم قرینه است. معمولاً ۴ نوار روی تنبان دوخته می‌شود. دامن بانوان و دختران جوان در منزل چند پاره دارد و بانوان مسن بدون پاره می‌پوشند. لباس منزل در بلوردکان طرح وسط ندارد.

دامن زنان املش با زنان قاسم‌آباد هم تفاوت‌هایی دارد. دامن زنان در املش مانند زنان اطاقور است اما تعداد پاره‌های آن بیشتر است. دامن منزل آن‌ها ساده و بدون پاره است.

دامن زنان واجارگاه اگرچه مانند دامن زنان قاسم‌آباد است، اما سومن‌پره ندارد. عرض پاره به تدریج کمتر می‌شود و تمامی پاره‌ها مانند وصله به پارچه‌ی اصلی دوخته شده است.

دامن که در دیلمان به **تنبان اشکوراتی** معروف است. تفاوتش با دامن قاسم‌آبادی در این است که پاره‌ها بر روی تنبان دوخته می‌شود و جنس آن از تور است.

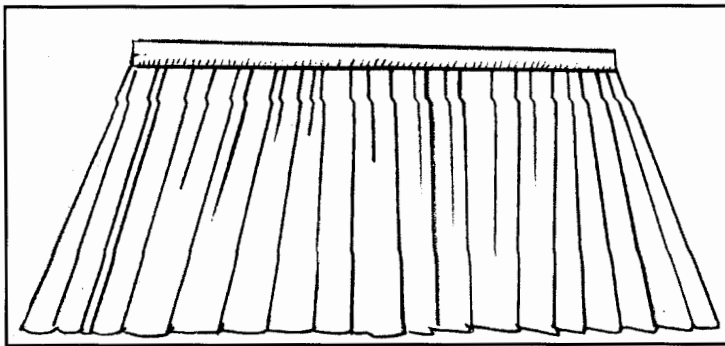
سر دامن (سرتومان) دیلمان: این دامن در تومان‌پره تا زیر دامن دارای یراق‌دوزی است اما دامن منزل یراق‌دوزی ندارد و نوار توری بر آن دوخته می‌شود. در دیلمان، دامن دیگری با عنوان **بون تومان** یا **زیر تومان** می‌پوشند که کوتاه‌تر از **سرتومان** است و جنس آن نخ‌ی است با همان مقدار پارچه، یعنی ۱۰ متر و چین می‌پوشند. در بقیه‌ی نواحی فقط یک تنبان به تن می‌کنند.

تفاوت شلار با دراز تومان در غرب و شرق: شلارها در غرب بسیار ساده‌اند و در آن‌ها حداکثر از یک ردیف کشدوزی ساده استفاده شده است در صورتی که در شرق از نوار و تکه‌دوزی بسیار زیاد استفاده می‌شود. اکثر شلارها و تومان‌ها دارای لیفه و بندک است.

در جلگه: زنان این نواحی از دو نوع دامن به نام‌های **شلپته (کوتاه تومان)** و **گرد تومان** استفاده می‌کردند.

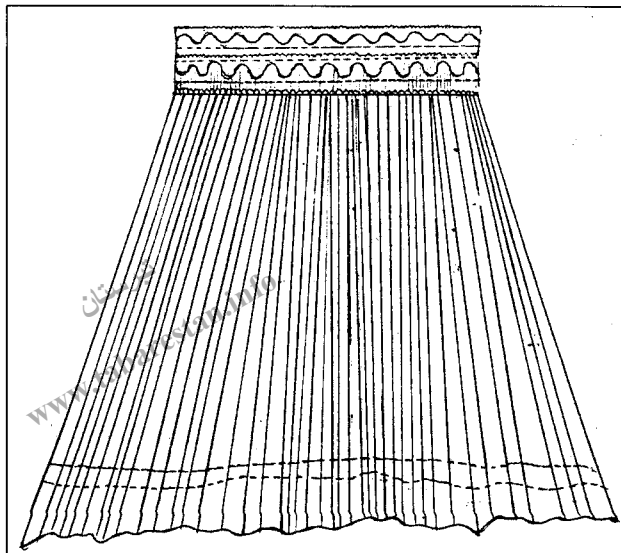
شلپته (کوتاه تومان): شلپته، دامنی کوتاه و پرچین بود که از عموماً چلووار سفید و در خانواده‌های مرفه از مخمل‌های رنگی و یا ساتن دوخته می‌شد. بانوان طبقات پایین بیشتر از چیت گلدار برای دوخت آن استفاده می‌کردند. لبه‌ی بعضی از آن‌ها با نخ مشکی دست‌دوزی می‌شد. برای دوخت آن حدود ۵ متر پارچه استفاده می‌شد و قد آن تا ۳۰ سانتی‌متر بود. این دامن را بانوان هنگام کار زراعی هم به تن می‌کردند.

گرد تومان: دامنی است چین‌دار، بلندتر از شلپته (کوتاه تومان) که تا سر زانو می‌رسید. پوشیدن این لباس در بعضی از روستاهای کوهپایه‌ای و کوهستانی هم متداول بود؛ مثلاً روستای جنگ‌سرای رودسر.

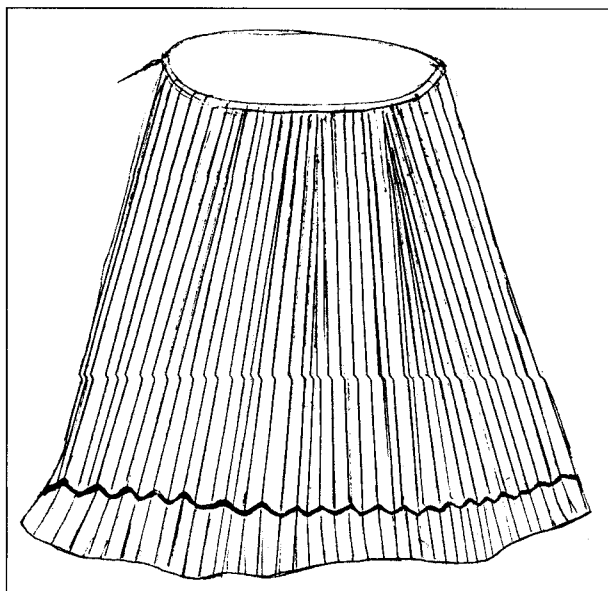


طرح شلپته

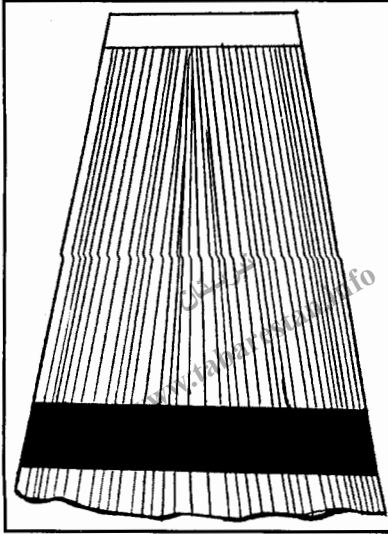
یوشاک بانوان / ۱۰۳



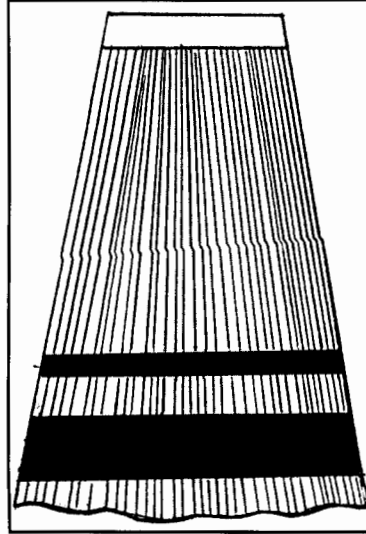
طرح دامن (شلار) بانوان تالش (سیاهمزگی، شفت)



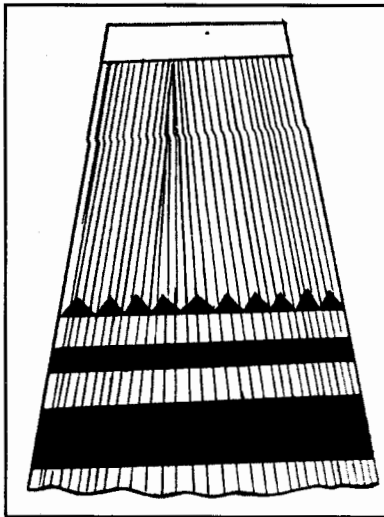
مدل دامن (شلار) بانوان ماسال (چسلی، آهکلان، وردوم)



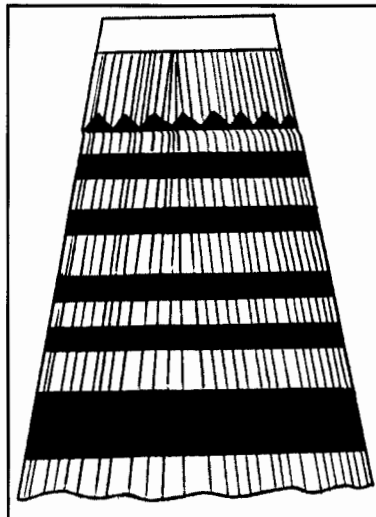
طرح تنبان بانوان مسن در قاسم آباد گیلان



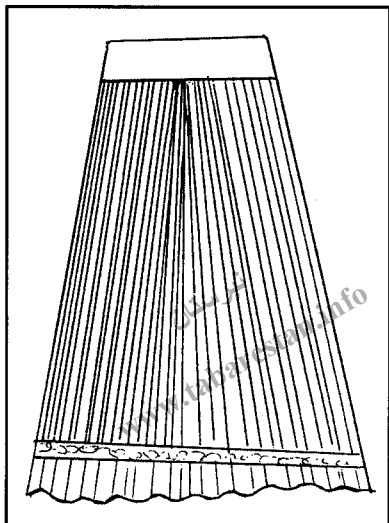
طرح تنبان بانوان میانسال در قاسم آباد گیلان



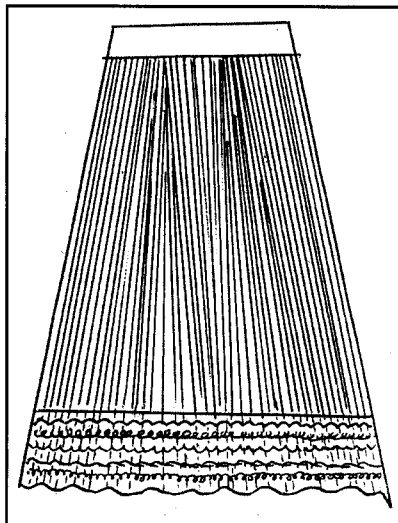
طرح تنبان بانوان جوان در کلاچای و قاسم آباد



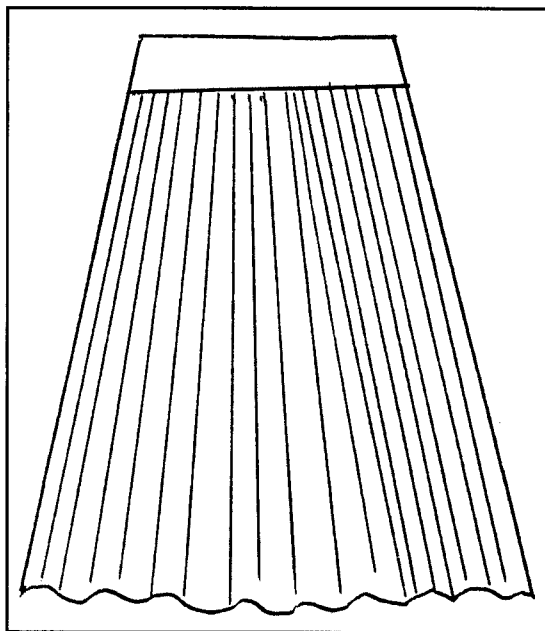
طرح تنبان دختران جوان



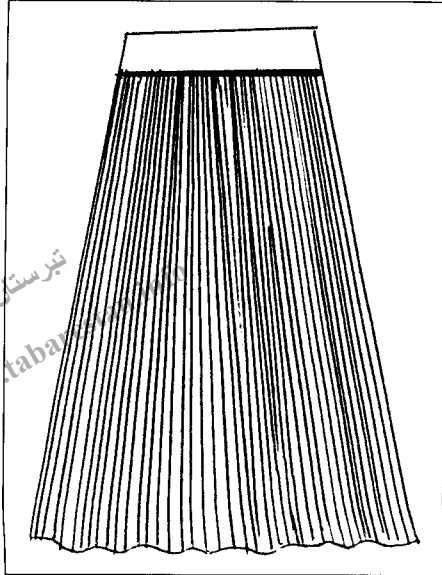
طرح تومان خانه دیلمانی



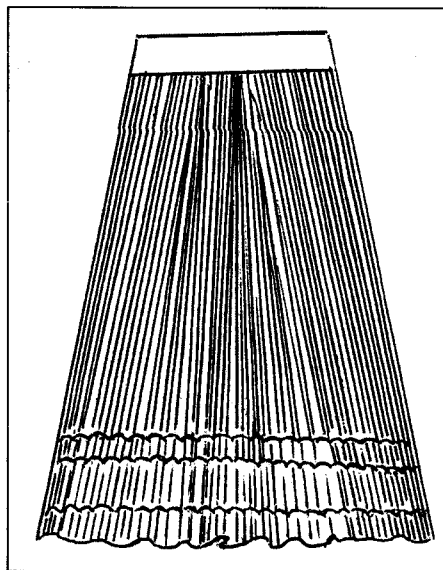
طرح سر تومان مهمانی دیلمانی



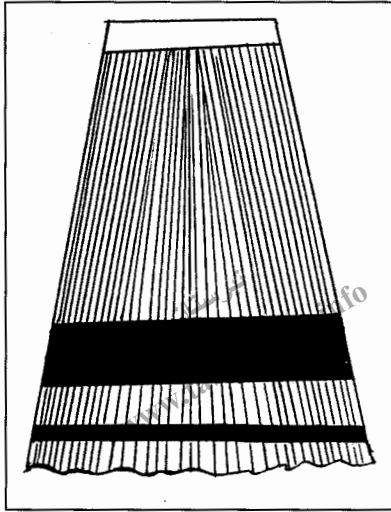
طرح بونِ تومان دیلمانی



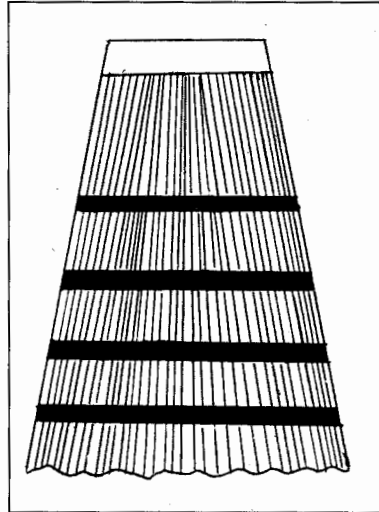
طرح تومان خانه در املش



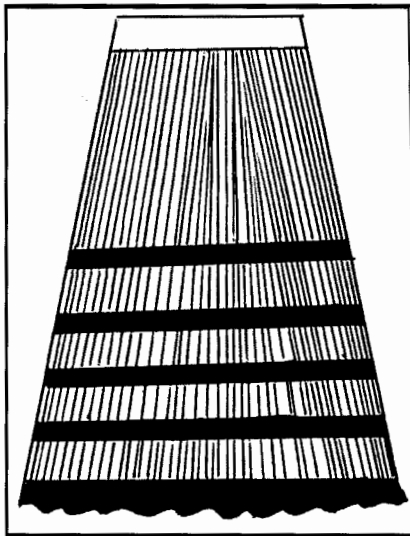
طرح دامن عروس و مهمانی در پاشاکی



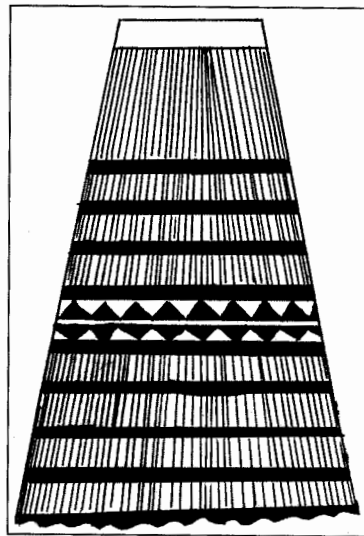
طرحی تنبان در اشکورات



طرحی تنبان در بابولی دیلمان تنبان اشکوراتی



طرح تنبان منزل (کار) بانوان و دختران جوان در اطاقور بلوردکان لنگرود و دعوی‌لات املش



طرح تنبان میهمانی بانوان و دختران جوان در اطاقور، در بلوردکان لنگرود و دعوی‌لات املش



دامن (شلار) بانوان جوان سیاهمزگی - شفت



طرح لیفه دامن (شلار) بانوان ویسرود درودختان - شفت

پوشاک بانوان / ۱۰۹



دامن (شلار) بانوان میانسال قاسم‌آباد و نمایش سومن‌پره



دراز دامن (شلار) با تومان بانوان املش



دامن منزل (تومان) در پاشاکی



سر تومان بانوان دیلمانی در مهمانی



دراز تومان واجارگاه



دراز تومان در اتاقور و بلوردکان لنگرود

شلوار (تومان، تمان)

در جلگه: بانوان ساکن در جلگه، در زیر شلیته، شلواری مشکی و بلند می‌پوشیدند که به آن سرشلوار، تومان یا تمان می‌گفتند. سرشلوار، شلواری بود که در رو می‌پوشیدند و در برابر آن زیرشلوار یا تونکه بود که در زیر پوشیده می‌شد.

جنس سرشلوار و زیر شلوار هر دو از نخ و دارای تمان‌بند یا بند شلوار و تومان قوزه یا لپه شلوار بود و از این نظر تفاوتی با شلوار مردان نداشت. به تدریج بند شلوار جایش را به کش داد.

شلوارها بتدریج از زانو به پایین تنگ‌تر و در ناحیه میچ با یک عدد دگمه بسته می‌شد. شلوار بانوان مسن گشادتر بود و در ناحیه میچ کش داشت. شلوار دیگری که بسیار گشاد بود و بانوان هنگام کار در مزرعه به پا می‌کردند، باپره یا پابرو نام داشت. زمان رفتن به بیجار، نوار بازیکی از جنس پارچه‌ی چیت را به دور میچ پا می‌پیچیدند تا پای خود را از آسیب زانو محافظت کنند. این شلوار همان پیژامه یا پاجامه‌هایی است که اکنون هم استفاده می‌شود و مقدار پارچه‌ی مورد نیاز برای دوخت آن ۲/۵ متر است.

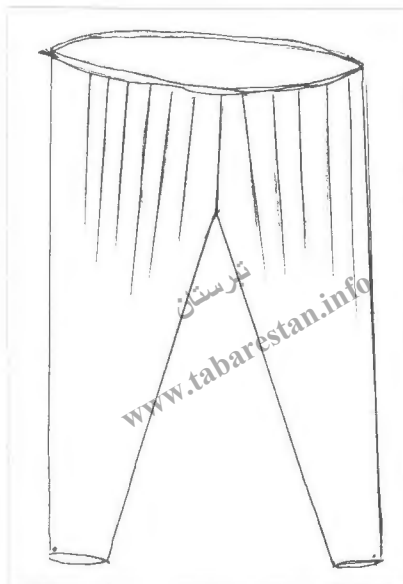
در کوهپایه: بانوان در غرب گیلان در بخش‌های فومن و صومعه‌سرا شلوار مشکی می‌پوشیدند. در تالش کمتر شلوار مشکی پوشیده می‌شد و از پیژامه‌های معمولی زیر دامن استفاده می‌شد. در این نواحی شلواری موسوم به چکمه‌شلوار رایج بود که زنان هنگام ییلاق و قشلاق به تن می‌کردند تا هنگام سوارکاری آسوده باشند. گشادی این شلوار به حدی بود که گاهی تا سه دامن را که روی هم می‌پوشیدند، می‌توانستند داخل آن قرار دهند.

در شرق: در این نواحی پوشیدن شلوار به صورت پیژامه معمول بود و بیشتر در میان بانوان سالمند رواج داشت. در سال‌های اخیر هم بعضی از بانوان، پیژامه‌ی معمولی می‌پوشند و آن را داخل جوراب می‌گذارند.

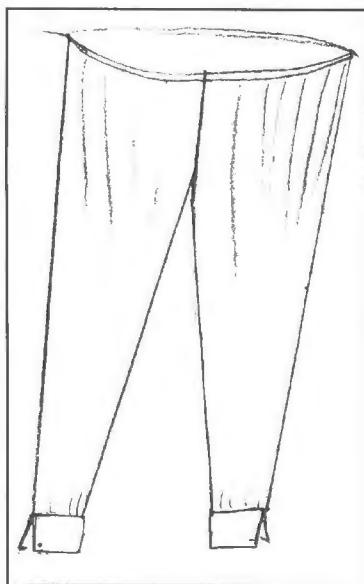
پوشاک بانوان / ۱۱۳



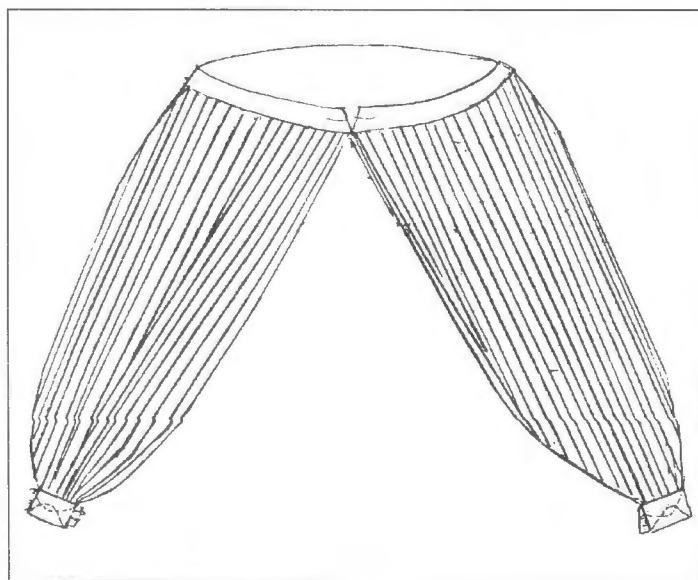
چکمه شلوار



سرشلوار



پیزامه (پای جامه) بانوان املش



چکمه شلوار

چادر کمر

ز پوشاک جالب بانوان گیلانی، چادری است که به کمر می‌بندند. در بعضی از نقاط مانند شاندرمن (و بعضی از مناطق آن) چادر را به صورت سه‌گوش می‌بندند، در بقیه‌ی مناطق چهارگوش است. چادر کمری که برای کار است از پارچه‌ای مانند چیت تهیه می‌شود.

در شرق گیلان چادر کمر را با دستگاه می‌بندند در این نواحی زنان در هنگام کار کردن از چادر کمری ارزان‌تر استفاده می‌کردند.

در بعضی از مناطق تالش، چادر از جنس اطلسی گلدار دوخته می‌شود. در مسائل چادر چهارخانه را آماده می‌خرند.

بانوان ساکن جلگه هم چادر کمری می‌بندند که به آن کمردبند یا کمردود می‌گویند و ز جنس چیت است و به صورت چهارگوش دوخته می‌شود که در صلاح به آن چارگل گفته می‌شود.

نحوه‌ی بستن چادر کمر بدین شکل است که بانوان آن را در محل کمر، روی پشت می‌گذارند و دو گوشه‌ی آن را به جلو آورده مثل علامت ضربدر (X) از هم رد می‌کنند و دوباره به پشت می‌برند و روی کمرگاه، گره درشت می‌زنند.



زن اهل ویسرود هنگام بستن کمربند



زن اهل ویسرود هنگام بستن کمربند



زن اهل ویسرود هنگام بستن کمربند



زن اهل ویسرود هنگام بستن کمربند



نحوه بستن چادر در اورما - ماسال



چادر سه گوش ۱/۸۰ × ۲/۶۰ (اورما - تالش)



زن مسن شرق گیلان همراه با کمردود

چادر شب^۱ (چادر کمر و ...)

ز پوشش‌های رایج دختران و بانوان در شرق گیلان، چادرشب است که در گویش محلی به آن چارشو یا چاشو گفته می‌شود. بافتن چادرشب در برخی از روستاهای رودسر مانند سجیدان، سیاهکلرود، کزافرود و بی‌بالان معمول است. در مرکز عمده‌ی آن قاسم باد است. غلب دختران قاسم‌آباد و روستاهایی که بافت چادرشب در آن‌ها معمول است، نوعی چادرشب^۲ یا مخلوطی از کجین (نوعی بریشم درجه سه^۳) بافته می‌شود. بری جهیزیه‌شان آن می‌کنند که به آن دستی می‌گویند. این نوع محصول به‌ندرت برای فروش عرضه می‌شود. پارچه‌ی چادرشب باریک است، ۳۰-۳۲ سانتی‌متر عرض و ۲ متر طول دارد و نقش‌ها در پود نمودار می‌شود. هر چادرشب از ۶ قطعه‌ی ۲ متری به هم دوخته شده تهیه می‌شود.

در سال‌های اخیر که بریشم گران شده است از نخ کاموا که ارزان‌تر است برای ایجاد نقش‌های رنگی استفاده می‌کنند که این امر موجب لطمه زدن به صالت چادر شب‌ها شده است.

فیلاً نوعی از چادرشب که به «اطلسی» معروف بود در قاسم‌آباد بافته می‌شد که هم بافت آن وقت بیشتری طلب می‌کرد و هم چون از جنس ابریشم بود، بسیار گران‌تر می‌شد. اکنون بافت اطلسی منسوخ شده است زیرا چادرشب‌بافان سعی می‌کنند تا از طرح‌های ساده‌تر استفاده کنند تا هر چه زودتر چادرشب را به تمام برسانند تا نیاز مالی خود را برطرف کنند. گران بودن ابریشم

۱. برای تدوین این قسمت علاوه بر تحقیقات میدانی از مقامات زیر نیز استفاده شده است: فردین پرست، کاروبین (۱۳۷۱). چادرشب‌بافی؛ هنری صیل از صنایع دستی گیلان. گیلان‌نامه، ج ۵، زمستان: طاعتی، فصل ۲۰۴، ۱۱۳.

۲. کجین بریشمی است که در انتهای لپاف باقی‌مانده در پیله بافته می‌شود و مرغوبیت کمتری دارد.

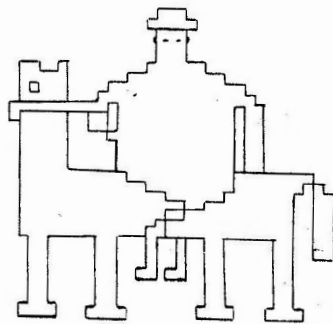
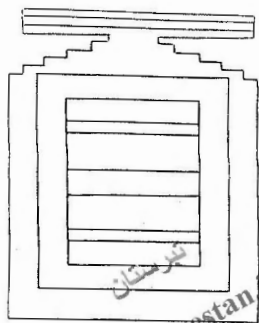
هم مزید بر علت است زیرا قیمت این نوع چادرشب خیلی گران خواهد شد و عده‌ی کمی توانایی خرید آن را خواهند داشت.

کاربرد چادر شب: چادرشب را بانوان هنگام کار کشاورزی که مجبورند ساعت‌ها به شکل خمیده کار کنند، به دور کمر می‌بندند تا کمرشان گرم شود. این عمل از درد کمر هم جلوگیری می‌کند. گاه هم بانوان کودک خود را توسط آن به پشت خود می‌بندند و هنگام کار از او نیز نگهداری می‌کنند. غیر از آن از چادرشب برای دوخت پرده، پوشش رختخواب و رومیزی استفاده می‌کنند.

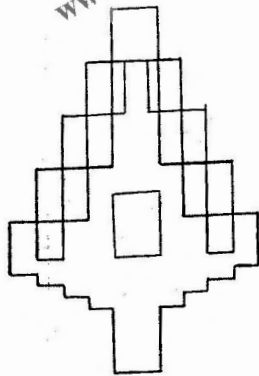
رنگ اصلی در زمینه‌ی چادرشب‌ها معمولاً قرمز است، اما متن‌های بنفش، سبز و سفید هم بافته می‌شود. هماهنگی رنگ‌ها در چادرشب به حد کمال است و از رنگ‌های مکمل استادانه استفاده می‌شود. رنگ‌های کم‌رنگ در چادرشب دیده نمی‌شود. چند دهه پیش عده‌ای از بافندگان از نوارهای زری در رنگ‌آمیزی بعضی از نقش‌ها استفاده می‌کردند، اما چون این نوع چادرشب به فروش نمی‌رفت، استفاده از آن را کنار گذاشتند.

به چادرشبی که رنگ متن آن غالب باشد، در اصطلاح «یک‌رنگ» گفته می‌شود. از چادرشب یک‌رنگ **الجا قبا** که نوعی کت کوتاه بود، می‌دوختند و در مهمانی و عروسی به تن می‌کردند. جلیقه و شال یک‌رنگ هم از این نوع پارچه دوخته می‌شد. به‌ویژه داماد در روز عروسی شال یک‌رنگ سبز یا قرمز به دور کمر می‌بست.

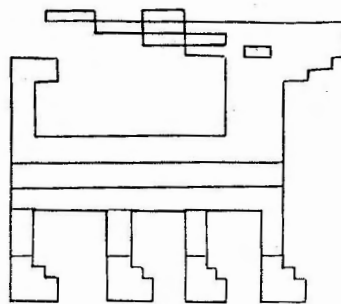
طرح‌های چادرشب: اسامی بیشتر طرح‌های چادرشب‌ها از طبیعت الهام گرفته شده است مانند نقش مرغ، ماه شاخ‌دار، شاخه‌ی گل، قالی گل و... . طرح‌هایی که متأثر از مظاهر جدید زندگی است، به‌طور سلیقه‌ای نامگذاری شده است مانند آنتن تلویزیون و یا تیر چراغ برق.



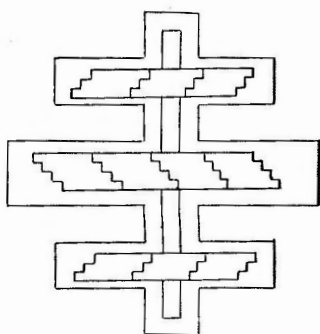
اسب و سوار



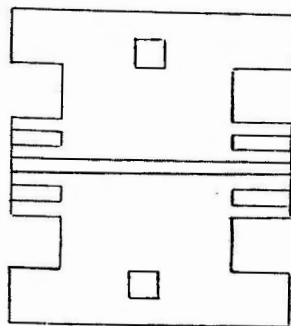
سلم دار



بز کوهی

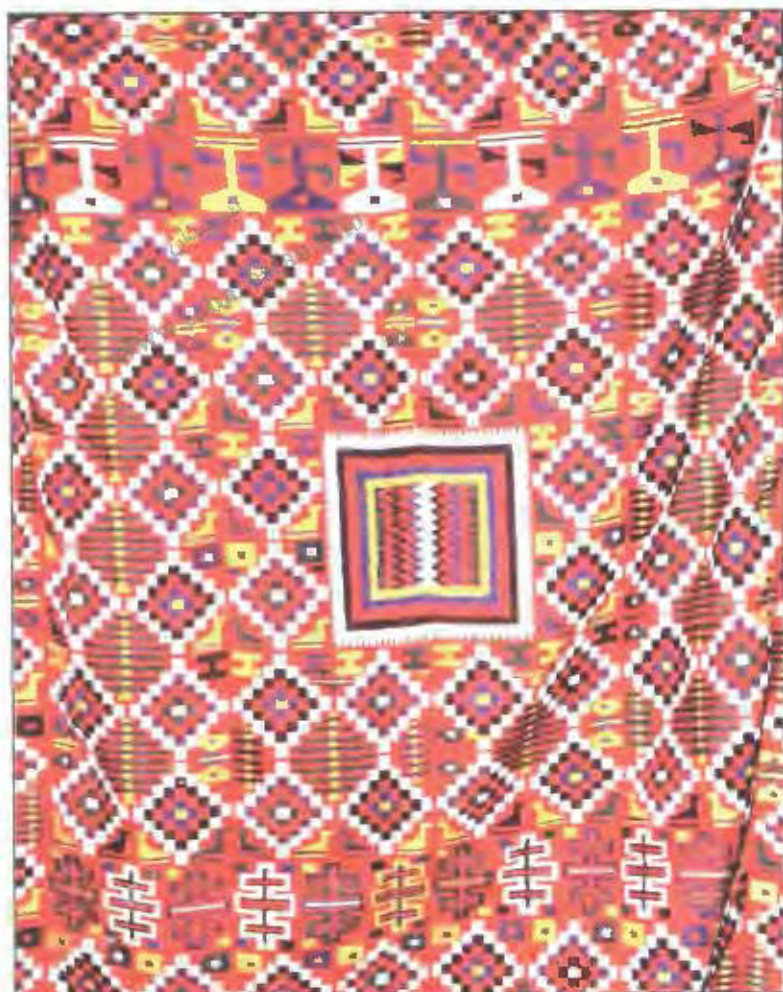


چلیچراغ



گل ماکو

* طرح‌های چادرشب، برداشت از مقاله‌ی خانم کارولین فرقان پرست است.



نقش‌های مختلف چادر شب



کفش

بانوان کیلان ابتدا چوموش می‌پوشیدند و سپس رزین گالوش به پا کردند. کفش مرفه کفش ساغری پاشنه‌دار می‌پوشیدند، تا این‌که ارسی پاشنه‌بلندی به نام بوزبولند یا قاب‌بولند مرسوم شد. در تالش به آن بزیلند می‌گفتند و نوع پاشنه کوتاه آن بوزکوتا نام داشت.

دم‌پایی بانوان هم قبل از رواج دم‌پایی‌های لاستیکی کتله بود. بوزک، به پای افزرا.

جوراب

جوراب بر خلاف دیگر پوشاک رایج در کیلان، در نواحی گوناگون رُ تشوع چندانی برخوردار نیست. در مناطق کوهستانی، بانوان مانند مردن جوراب پشمی به پا می‌کنند. پاتنی یا بافتنی هم مخصوص بانوان بود. در غرب کیلان بافتن جوراب‌های پشمی هم رایج بود که به رنگ‌های بسیار شاد بافته می‌شد. زنگه گوراه نوعی جوراب دست‌بافت و ساق‌بلند بود که بانوان تالش می‌بافتند. دختران جوان گاهی ۵۰-۴۰ جفت جوراب به‌ویژه پاتنی را می‌بافتند و به‌عنوان جهیزیه با خود به خانه‌ی بخت می‌بردند.

آرایش و پیرایش

آرایش دختران و بانوان در کوهپایه‌ها و مناطق کوهستانی کیلان متفاوت با دشت است و در شرق و غرب نیز با یکدیگر تفاوت دارد.

زن‌ها به‌طور معمول موهای خود را بلند نگه می‌دارند و آن را یا به صورت دو گیسو و یا چندین گیسو می‌بافند. اگر آن را بدون آب شانه کنند به آن خشک‌شانه یا خشک‌شونه می‌گویند.

در غرب کیلان آرایش موی بانوان با طرز بستن سر بست آن‌ها جدیده می‌یابد و اصولاً ساده‌تر از بانوان شرق هستند.

در شرق گیلان بانوانی که **عرقچین بافته** یا پارچه سوزن‌دوزی شده بر سر می‌گذارند، بر روی آن سکه می‌دوزند. در غیر این صورت جلوی **لچک** خود را با سکه می‌آریند. عرقچین را با کش سیاه نازک که از زیر گلو و یا پشت سر رد می‌شود و در طرف دیگر با سکه‌ای که از زیر قلاب دارد، سفت می‌کنند و یا به جای کش از زنجیر نقره‌ای ساده و یا زنجیر طلا و سکه استفاده می‌کنند. انتخاب کش، نقره و طلا، بسته به وضعیت مالی بانوان **تبرستان** اغلب گوشواره، که آن را **گوشه گوشواره** یا **گوشوار می‌بند**، به گوش دارند و برای نشان دادن آن دو گوشه‌ی روسری یا **سردسمال** را به پشت می‌برند و از زیر دنباله‌ی دستمال در پشت رد می‌کنند.

انواع مختلف گوشواره که عمومیت داشت، پیاله‌ای، معجری (ماجری)، ناردانه‌ای، ستاره‌ای و فوندوقی (فندقی) بود و گاه نیز با سکه‌ی اشرفی دوران قاجار یا سکه‌ی منات روسی تزئین می‌یافت.

دست‌ها را هم با **تنگ** یا **دس‌بند** که همان النگو و دستبند است، زینت می‌دادند. این زیور نزد بانوان تالش **بازن** یا **بزین** نام دارد. جواهرات و سکه‌ها را هم در دستمال که آن را **تشکه پیلِس** می‌گفتند، می‌پیچیدند. ساخت دستبند از اشرفی یا منات هم بسیار متداول بود.

برای آرایش صورت که بیشتر نزد بانوان شهری یا خانواده‌های مرفه مرسوم بود، معمولاً روی گونه‌ها یا زیر لب و یا بالای آن **خال** می‌گذاشتند و اگر زنی خال بر روی گونه‌ها داشت (که به خال هاشمی معروف بود) آن را پررنگ‌تر می‌کرد. به مژگان، **سرمه** و به ابروان، **وسمه‌ی سیاه** که مطبوخی از نیل بود می‌کشیدند.^۱

حدود ۶۰ سال پیش، روی موی عروسان چراغ‌های کوچکی نصب می‌کردند

۱. میرت‌پرست، حوری و اعظم‌السادات قدیری. (۱۳۷۱). پوشاک قدیم گیلک‌ها. گیلان‌نامه، ج

که کلید آن در دست عروس بود و در مواقع لزوم آن را روشن و خاموش می‌کرد.

حنا بستن هم جزو آرایش‌های بانوان سالخورده و میان‌سال بود. آن‌ها موهای خود را با رنگ و حنا رنگ می‌کردند و حنا انگشتان دست و پا را هم حنا می‌گذاشتند. بند انداختن و زیر ابرو برداشتن از پیرایش‌های معمول همه‌ی بانوان است. در گذشته بانوان پنداندند با مراجعه به خانها این کار را انجام می‌دادند. از زیورآلات جالب‌توجه که در پاشاکی از آن استفاده می‌کردند چنگک یا هاگون واکون بود که امروزه به ندرت یافت می‌شود. بانوان طبقه‌ی اشرافه آن را از سکه و زنجیر طلا و دیگران با سکه می‌ساختند. این زیور، هم کار سنجاق سینه را انجام می‌داد و هم شباهتی به سینه‌ریز داشت. امروزه اگر بانویی هنوز چنگک یا هاگون و واکون خود را حفظ کرده باشد، معمولاً آن را به دختر یا عروسش در روز عروسی هدیه می‌دهد تا یادگاری از گذشته را به نسل بعد منتقل کند. متأسفانه عددهای از بانوان به دلیل نیاز، زیورآلات قدیمی خود را می‌فروشند یا با زیورآلات جدید تعویض می‌کنند.



زن دیلمانی با چنگک نقره از پشت
زن دیلمانی که بر دو طرف مندیل
چنگک و جوی آن سکه طلا آویخته



زن دیلمانی همراه با لباس و تزئینات مهمانی



هاکون و واگون در حالت جدا از هم؛ در این مدل در وسط آن
لنز مستحاق طلا یا نقره که از سکه باشد نصب می‌کنند



هاکون و واگون در این حالت مستحاق سینه را برمی‌دارند
و هاکون و واگون را به هم قفل می‌کنند



رنگ تالش و نوعی آرایش گیس



زن تالش با زیورکلات (لورون، کرگاتورود)



باتوی تالشی یا گیسوان بافته‌اش که اندکی نمایان است

پوشاک نوزادان

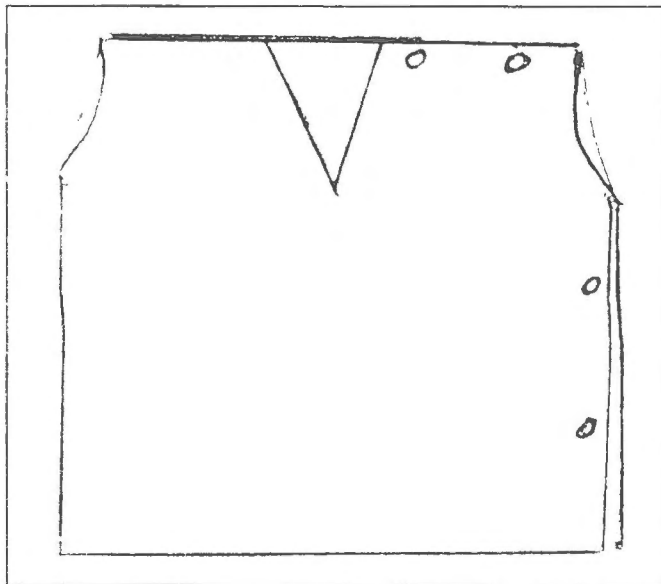
لباس نوزادان شامل ۵ تکه بود: ۱. پیراهن ۲. سینه‌پوش ۳. کت ۴. پیژامه ۵. کلاه یا پیشانی‌بند. جنس لباس نوزاد متناسب با وضع مالی خانواده ململ، حریر، لَیْصِف و یا چلوار سفید انتخاب می‌شد. برای تزئین روی لباس، به‌ویژه حاشیه‌ها را با نخ‌های رنگی چرخ‌دوزی می‌کردند. عمومیت چرخ‌دوزی با نخ‌های رنگی اغلب در دیسمان پاشماکی و سیاهکل مشاهده می‌شود.

نخستین لباس را یکی از فامیل‌های مادر زانو و پد مادرشوهر به تن نوزاد می‌کرد و اگر هیچ‌یک نبودند، آنگاه مامای خانگی این کار را انجام می‌داد. ترتیب پوشاندن لباس هم این‌گونه بود که ابتدا پیراهن را به تن نوزاد می‌کردند، سپس سینه‌پوش را که پیراهن بدون آستین و دارای یقه به شکل ۷ بود به نوزاد می‌پوشاندند. سینه‌پوش در قسمت چپ شانه و پهلو باز بود و آن را با دکمه یا بندک می‌بستند. قسمت سوم بالاپوش نوزاد کت بود. همه‌ی قسمت‌های کت اعم از آستین‌ها، پشت و جلوی آن دولا دوخته می‌شد تا گرم‌تر باشد. این کت را در ماسونه تمال می‌گفتند. پیشانی‌بند را هم برای جلوگیری از سرما بر پیشانی نوزاد می‌بستند.

گهواره (گافاره): امروزه از گهواره کمتر استفاده می‌شود، اما در گذشته، اگر خانواده‌ی مادری توان مالی داشت، در روز تولد یا شب هفت تولد نوزاد، گهواره رختخواب، پوشاک نوزاد و شیرینی به خانه‌ی داماد می‌فرستاد که به چشم‌پشتی یا گافاره اثاثه معروف بود و امروزه آن سیمونی نوزاد می‌گویند. اکنون گهواره جایی خود را با تختخواب عوض کرده و کمد لباس نوزاد و سایر وسایل هم بدان افزوده شده است.



پیراهن مردانه



پیراهن مردانه

گهواره‌بندان: نوزاد را بین روز سوم تا دهم تولد درون گهواره چوبی می‌خوابانند. وسط گهواره سوراخی تعبیه شده است که از داخل آن لگن آب‌خانه، آبخانه را که از جنس سفال یا روی است، عبور می‌دهند. این ظرف برای ادرار و مدفوع نوزاد در زیر گهواره قرار می‌گیرد. معمولاً برای گهواره‌بندان قابله را خبر می‌کنند و در بسیاری موارد هم بستگان نزدیک زانو، نوزاد را به گهواره می‌بندند. برای دفع ادرار نوزاد را زود ببالا بدون پوشش درون گهواره می‌خوابانند، سپس نونه‌ای را - معمولاً برای دختران از جنس زین و برای پسران از جنس چوب - برای دفع ادرار از یک سر به دستگاه تناسلی نوزاد و از سر دیگر درون لگن قرار می‌دهند و بدین ترتیب ادرار داخل لگن ریخته می‌شود. گینک‌ها به آن پشه و تاش‌ها پوشه می‌گویند.

روی گهواره را با روانداز گهواره یا گافاره‌پوش که از پارچه دوخته می‌شود و یک طرف آن در وسط باز است، می‌پوشانند. زمانی که بچه بیدار بود آن را بالا می‌زنند و هنگامی که می‌خوابد آن را می‌بندند و زیر گهواره‌پوش را چین می‌دهند تا زیباتر به نظر آید.

توانگران در روز گهواره‌بندان از باتوان فامیل و آشنا با جای و شیرینی پذیرایی می‌کنند و در بعضی از روستاها هم اقوام و آشنایان به کودک هدایایی می‌دهند. امروزه رسم گهواره‌بندان حتی در روستاهای دور افتاده هم کمتر دیده می‌شود.

قنطاق: نوزاد را تا چهارماهگی قنطاق می‌کنند. برای این کار از سه پارچه‌ی چهارگوش استفاده می‌کنند. پارچه‌ی اول که چارپارچه نام داشت از جنس حریر و به رنگ سفید دوخته می‌شود و دارای بندی به پهنای ۸ سانتی‌متر است که کم‌باریک‌تر می‌شود. حاشیه‌های قنطاق پیچ و قنطاق را با نخ‌های رنگی چرخدوژی می‌کنند. چارپارچه را به صورت سه‌گوش پهن می‌کنند و روی آن

یک پارچه‌ی سه‌گوش دیگر از جنس ململ یا حریر قرار می‌دهند. بر روی آن هم یک پلاستیک سه‌گوش و بر روی پلاستیک یک پارچه‌ی سه‌گوش ململ یا چهارگوش به‌صورت پوشک، که آن را کهنه می‌نامند، قرار می‌دهند. کهنه را لای پای بچه می‌گذارند، سپس پلاستیک را روی آن قرار داده و دو طرف آن را به دور کمر بچه می‌بندند. به همین ترتیب پارچه‌ی بعد از پلاستیک و در آخر قنداق اصلی را خوب می‌بندند. در این صورت حتماً باید زانوهای نوزاد صاف قرار بگیرد زیرا اعتقاد دارند قنداق کردن از کج شدن پاهای بچه جلوگیری می‌کند. اما بالانته‌ی نوزاد را با همان لباس‌هایی که قبلاً ذکر شد، می‌پوشانند.

چند نکته درباره‌ی پوشاک گیلک‌ها

- گیلک‌ها پارچه‌ی مورد نیاز برای تهیه‌ی پوشاک را از پارچه‌فروش‌های دوره‌گرد که در اصطلاح به آن بازارمَج گفته می‌شد، خریداری می‌کردند و توسط خیاط دوخته می‌شد.
- در فصل کار امروزه از ساق‌بندی استفاده می‌شود که از ابتدای قوزک پا تا نزدیک زانو توسط نخ بسته می‌شود.
- در گذشته هنگام برداشت محصول در هر پنج انگشته انگشته‌ها می‌انداختند و سپس محصول را درو می‌کردند. جنس انگشته‌ها از نخ بود و با هم به دور انگشته‌ها بسته می‌شد. امروزه جوراب به دست می‌کنند و دور مچ دست هم پارچه‌ای بسته می‌شود که به آن شوندره یا شندره (پارچه‌ی کهنه) می‌گویند. این کار برای آن است که مچ دست هنگام کار درد نگیرد.
- وسیله‌ی اندازه‌گیری برای دوخت لباس تکه چوبی بود که از وسط به دو نیم تقسیم می‌شد و به آن نیم‌زرع می‌گفتند و هر نیمه حدود ۲۵ سانتی‌متر طول داشت. به نیم‌زرع، قطعه‌ای آهن‌گرد و دراز حدود ۱۰ سانتی‌متر وصل بود که برای سوراخ کردن جای دکمه به کار می‌رفت.
- برای نگهداری سوزن و نخ از یک تکه پارچه‌ی پشمی استفاده می‌شد.
- نام یک نوع از پیرایش موی مردان مدل «خالو قربانی» بود که احتمال می‌رود منسوب به خالو قربان باشد که مدتی از یاران میرزا کوچک‌خان بود.

عکس‌هایی از پوشاک کامل بانوان گیلانی



لباس کامل بانوان تالش منطقه‌ی کوهستانی کرگانرود در غرب گیلان (روستای لورون)



لباس کامل بانوان ماسکل از روبه‌رو و پشت

عکس‌هایی از پوشاک کامل بانوان گیلان ۱۳۷



زن تالش با چکمه شلو



زن تالش با لباس کامل



بانوان تالش درودخان (شفت) هنگام رفتن به عروسی



لباس کامل عروس در بانوان تالش و سیرود - درودخان (شفت)



لباس کامل بانوان تالش خوشابیر از پشت و رو

عکس‌هایی پوشاک کامل بانو - گیلان ۱۳۹



زن تالش اورما

زن واجارگاه



لباس مهمانی یا عروس به خانه آوردن، روستای دعوایلات املش شرق گیلان



لباس منزل، روستای دعوایلات املش



لباس عروس یا مهمانی، پاشاکی، با چرخ دوزی زیاد روی پیراهن

عکس‌هایی از پوشاک کامل بانوان گیلان ۱۴۳



لباس منزل، بلوردکان، اطاقور، لنگرود



لباس منزل و به هنگام کار، بلوردکان اطاقور، لنگرود

عکس‌هایی پوشاک کامل بانوان گیلان ۱۴۵



لباس دیلمانی در منزل



لباس دختران، قاسم آباد سیاهکلرود و سجیدان



لباس قاسم آباد با چادر شب یکرنگ



تنبان (اشکوری تومان)، روستای باباولی دیلمان



لباس کامل، روستای شاهشهیدان

محل نگهداری لباس (رختدان)

در روستاها هنوز از صندوق برای نگهداری لباس استفاده می‌کنند. این صندوق قبلاً با چوب ساخته می‌شد. از زمان انقلاب کبیر روسیه که عده‌ای از روسیه به ایران مهاجرت کردند. وسایل خود را در صندوق‌های حلبی جای می‌دادند. این صندوق‌ها مورد توجه ایرانیان قرار گرفت. مهاجران روسی در کاروانسرای شالچی (واردکننده‌ی این صندوق از روسیه به آن تاجری بنام شالچی بود) مسکن گزیدند و شروع به ساختن آن کردند. آن‌ها این صندوق را بولای می‌نامیدند و از آن پس این رختدان به بولای صندوق هشترجانی یا بولای صندوق معروف شد. در گذشته صندوق بولای را از حلب‌های چاپی که احتیاج به نقاشی نداشتند می‌ساختند. این حلب‌ها از روسیه وارد ایران می‌شد ولی پس از مدتی خود صندوق‌سازان روی حلب‌ها نقاشی می‌کردند که جالب‌تر و دیدنی‌تر از حلب‌های چاپی بود. اندازه‌های این صندوق‌ها به شرح زیر بود:

چهار بقچه	۱۰۰×۵۰×۵۰
سه بقچه	۹۰×۵۰×۵۰
دو بقچه بزرگ	۸۰×۵۰×۵۰
دو بقچه کوچک	۷۰×۵۰×۵۰
کوچک	۵۰×۳۰×۳۰
نوع کوچک‌تر	۳۰×۲۰×۲۰

اکنون از این نوع صندوق فقط در دو اندازه یکی ببری وسایل کودکان و دیگری ببری استفاده‌ی بزرگسالان ساخته می‌شود. جنس چوب که در ساختن صندوق مصرف می‌شود، قبلاً از چوب نراد روسی بود ولی در حال حاضر به

۱. در تدوین مطالب این بخش از مقداری زیر بهره گرفته شده است: لطیفی، محمد، ۱۳۶۹. صندوق بولای. گیلان، ماه، جماد دوم، رشت: ادغی، صص ۲۸-۱۵.

نمک کمبود چوب نراد از جعبه‌های چوبی و به جای حلب از قوطی‌های خالی روغن نباتی استفاده می‌شود.

در حال حاضر عده‌ی بسیار قلیلی در شهر رشت صندوق می‌سازند.

بعضی از نقش‌های صندوق‌های بولاکی عبارتند از: لاله، چهارگوش، انگوری،

دسته گل، تک گل، سه گل، کاشی، سیاه کاری، چیقی، گوشه و چهارخانه.

از بیش از ۲۰ سال پیش چمدان‌هایی از چوب ساخته می‌شود که روی آن را

پاکت‌های مواد غذایی که خالی شده (مانند پاکت میوه و غیره) تزئین

می‌کنند.

برخی از صندوق‌ها به اورسو صندوق هم معروف بود که به‌عنوان جهیزیه به

عروس داده می‌شد. خانواده‌هایی که توان مالی برای خرید صندوق نداشتند،

بسیار در در بقچه می‌پیچیدند و گاه آن را در گوشه‌ای از اتاق که به جای کمد

برده آویخته بود، در پشت پرده قرار می‌دادند و در غیر این صورت بالای پام

می‌گذاشتند. جنس بقچه هم بستگی به وضعیت مالی صاحبان آن داشت و از

محل اصلی تا پارچه‌ی چیت معمولی انتخاب می‌شد.



بولاکی صندوق، محل نگهداری لباس‌ها



چمدان محل نگهداری لباس‌ها (تزیین شده با پاکت خالی آب‌میوه)



بقچه‌ی نگهداری چادرشب



بقچه‌ی تازه شده



بولاکي صندوق، محل نگهداری لباس‌ها با سه نقش مختلف

پوشاک سایر اقوام ساکن در کیلان

در کیلان قوام دیگری هم زندگی می‌کنند که آنها بر سرینجبرهای تاریخی به این سرزمین کوچانده شده‌اند. از مهم‌ترین اقوام مهاجر به کیلان می‌توان از کردهای دیمانشاه، قوچان، لوشان و عرف نام برد. کردهای کرمانشاه حدود ۲۰۰ سال پیش، کردهای قوچان در زمان نادرشاه، کردهای لوشان حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ سال پیش و کردهای عرف از سال ۱۳۵۰ به کیلان آورده شدند. و لرها حدود ۳۰۰ سال است که به کیلان تبعید شدند و همه از یل چگینی هستند.

این قوم اگرچه به مرور زمان تا حدود زیادی با فرهنگ کیلانیان عجین شدند، اما تا مدت‌ها به ویژگی‌های فرهنگی خود پایبند بودند و به‌ویژه از پوشاک خاص خود بهره می‌بردند. اما امروزه بخش عمده‌ی از سنن و فرهنگ این اقوام در تحولات ملی و بومی از بین رفته است و تنها زبان آن‌هاست که تا حدودی صلت خود را حفظ کرده است. بخش مهمی از این اقوام با پیوندی که با ساکنان کیلان داشته‌اند، به مرور از لباس‌هایی بهره گرفته‌اند که با توجه به منطقه‌ی مورد سکونت آن‌ها شکل گرفته است. در این میان بیشتر زنان این قوام بودند که تا حدود زیادی به حفظ سنت پوشاک خود وفادار ماندند و در میان مردان کرد و لرها ساکن کیلان، فقط مردن کرد عراق از پوشاک سنتی خود، انهم در مراسم رسمی متعلق به خودشان استفاده می‌کنند.

این قوم بیشتر در نواحی تالش، بندرانزلی، حومه‌های شهر رشت، منطقه شرفیه، زیباکار، حسن‌بکنده، چمخاله‌ی لنگرود، گنجه، خاصکول، کلاویه و لوشان سکونت یافتند.

پوشاک مردان کُرد

مردان کُرد به عنوان سرپوش از کلاه (از جنس نخ، پشم، کاموا و نمد) و عمامه (بیشتر به رنگ‌های تیره) استفاده می‌کنند. ابتدا کلاه را بر سر می‌گذارند و سپس عمامه را به دور آن می‌پیچند.

تن‌پوش آن‌ها پیراهن‌هایی از جنس چیت و عموماً سفیدرنگ است و همانند پیراهن‌های امروزی دوخته می‌شود. نوع دیگری پیراهن که بر روی پیراهن اول پوشیده می‌شود از رنگ‌های خاکی، سبز چمنی و توسی تهیه می‌شود. بر روی این پیراهن که معمولاً از جنس کرپ است، سردوش می‌دوزند و آستین آن لوله‌ای است.

شلوار این مردان از جنس کتان یا پشم است و همانند شلوارهای کردی امروزی است و تنها تفاوت آن در کمربند آن است. سپس در روی لباس از شال کمر (به طول ۱۲ و عرض ۱ متر) استفاده می‌کنند که جنس آن از مَکروم یا چلیسه است که ابتدا آن را تا زده و سپس به دور کمر می‌بندند.

جوراب آن‌ها عموماً از جنس پشم است. آن‌ها کفش‌هایی به پا می‌کنند که از سه قسمت (کف‌پائی، روپائی و بند) تشکیل شده است و جنس کف‌پائی از لاستیک و روپائی و بند از پشم است.

پوشاک زنان کُرد

کردهای کرمانشاه

سرپند: بانوان کُرد به عنوان سرپند از روسری (در اندازه‌های متفاوت) از جنس ابریشم یا حریرال و بیشتر در رنگ‌های سفید، قرمز و قهوه‌ای استفاده می‌کنند. در نواحی جلگه‌ای عموماً از رنگ مشکی در روسری استفاده نمی‌شود. این روسری به صورت مثلثی شکل تا زده می‌شود و زیر چانه ضربدر خورده و سپس در بالای سر گره زده می‌شود. تعداد گره در روسری بانوان با دختران متفاوت

است. بانوان از دو گره و دختران از یک گره استفاده می‌کنند. در موقع کار از روسری‌های کهنه استفاده می‌شود.

لچک که قبل از روسری بر روی سر بسته می‌شود، از دیگر سربندها رایج زنان کُرد است اما دختران از آن استفاده نمی‌کنند و فقط روسری بر سر می‌گذارند. لچک ابتدا به شکل مثلث تا می‌شود و بر روی سر قرار می‌گیرد و سپس به پشت سر برده شده و ضربدری به جلو پیشانی آورده می‌شود و در قسمت رستنگاه مو گره می‌خورد و دو سر گره زیر لچک پنهان می‌شود. استفاده از لچک برای جلوگیری از عریان شدن موی بانوان است.

بانوان کُرد قوچان: از نوعی **عمامه** که به آن **دَسَمال** می‌گویند استفاده می‌کنند که پیش از روسری آن را بر سر می‌گذارند. جنس عمامه از ابریشم است و رنگ‌های مختلفی چون قرمز، مشکی و سفید و... دارد. این عمامه به صورت مثلثی شکل تا خورده می‌شود و دو سر آن در پشت و زیر گردن به صورت ضربدر بسته و سپس به بالای پیشانی آورده و در آنجا گره می‌خورد و دو سر دستمال زیر گره پنهان می‌شود.

بانوان کُرد این منطقه، پس از گیس کردن موهای خود، آنها را به گوشه‌های عمامه می‌بندند و به دور سر می‌پیچند. در حالت عادی و روزمره رنگ عمامه می‌تواند تغییر یابد ولی در مراسم عروسی از عمامه‌ی سفید و در مراسم سوگواری و عزاداری از عمامه‌ی سیاه استفاده می‌شود. آن‌ها همچنین از روسری که به آن **سردَسَمال** می‌گویند و جنس آن از ابریشم و سفیدرنگ است، استفاده می‌کنند. این روسری که دارای حاشیه‌ی ریشه‌دار است بر روی عمامه قرار می‌گیرد. لازم به ذکر است که در فصل سرما از این روسری به‌عنوان شال کمر استفاده می‌کنند.

بانوان کُرد ساکن لوشان هم نوعی عمامه از جنس ابریشم و به رنگ مشکی بر سر می‌کنند که به صورت سه‌گوش تا زده می‌شود و بر روی سر قرار می‌گیرد و سپس دو گوشه‌ی آن از پشت سر به حالت ضربدری در می‌آید و مجدداً به بالای سر آورده می‌شود و روی پیشانی گره می‌خورد. آن‌ها **لچک** هم بر سر می‌کنند که جنس آن از ابریشم است و رنگ آن در همه حالات سفید است. در مراسم سوگواری و عزاداری به جای لچک، **چاره** می‌گذارند.

تن پوش: از مهم‌ترین تن‌پوش‌های بانوان طوایف مختلف کُرد می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد.

پیراهن بانوان کُرد کرمانشاهی از نوعی پیراهن استفاده می‌کنند که در وضعیت عادی به رنگ سبز، قرمز و آبی و ... است. یقه‌ی این پیراهن گرد و دارای آستین بلند است و تا روی دامن قرار می‌گیرد. جنس پیراهن بانوان از چیت و جنس پیراهن دختران از کُدری است. در فصل سرما همین پیراهن مورد استفاده قرار می‌گیرد و بر روی آن کت یا نیم تنه می‌پوشند. در سایر فصول بر روی پیراهن جلیقه می‌پوشند. در مراسم سوگواری دستمالی سیاه بر روی پیراهن نصب می‌شود و در هنگام جشن و سرور از روسری بزرگ سفید ابریشمی همراه با پیراهن استفاده می‌کنند.

بانوان کُرد قوچان پیراهنی می‌پوشند که تا زیر باسن را می‌پوشاند و جلو پیراهن با دوخت دال بر تزئین می‌شود و به آن قراس می‌گویند. جنس پیراهن بیشتر از ابریشم است ولی در برخی موارد از پارچه‌های دیگری هم استفاده می‌شود و رنگ آن در همه‌ی حالات شاد است. کُردها دکمه‌های پیراهن را در پشت پیراهن قرار می‌دهند. تعداد دکمه یک یا دو دکمه بیشتر نیست و جنس دکمه‌ها در گذشته از سکه و در حال حاضر از دکمه‌های معمولی است. در مراسم

جشن و سرور این پیراهن با رنگ‌های شادتر و جنس ابریشم است. در مراسم سوگوراری لباس کُردهای قوچان به رنگ تیره در می‌آید، ولی هرگز از رنگ سیاه استفاده نمی‌شود. در بانوان و دختران این پیراهن تفاوتی ندارد. دکمه‌ی سردست، یقه و زیر حاشیه‌ی پیراهن را در گذشته سکه‌دوزی می‌کردند و چاک پیراهن نیز توسط سکه تزئین می‌شد.

بانوان کُرد ساکن لوشان پیراهنی یقه گرد بر تن می‌کنند که بر دو نوع است. در یک نوع آن، ۳ سکه در سمت چپ و ۳ سکه بر سمت راست بر روی گردی جلوی یقه دوخته می‌شود و در وسط یقه دکمه‌ی معمولی جای می‌گیرد. در نوع دوم یقه، دور تا دور گردی یقه دال‌بردوزی می‌شود و حاشیه‌ی جای دکمه‌ای دارای زری‌دوزی است و وسط یقه با دست یا چرخ خیاطی دال‌بردوزی می‌شود.

بانوان کرد عراقی - از طایفه‌ی سورانی^۱ - از نوعی پیراهن استفاده می‌کنند که به آن کِراس می‌گویند و جنس پارچه معمولاً ساتن دارای پولک است. رنگ‌های مورد استفاده در این پیراهن یکسره شاد و روشن است. یقه‌ی پیراهن به صورت چهارگوش و آستین آن بلند است و در موقع استفاده از کمر بند بخشی از آستین تا خورده و بالای پیراهن وصل می‌شود. کِراس در همه‌ی فصول و مراسم مورد استفاده قرار می‌گیرد. این پیراهن در قشرهای مختلف اجتماعی از لحاظ تزئین و دوخت یکی است و تنها در جنس متفاوت است. در مراسم جشن و سرور درخشندگی و جلوه‌ی پیراهن توسط پولک‌دوزی سوزن‌دوزی و منجوق‌دوزی بیشتر می‌شود.

زنان کرد طایفه‌ی بادینی^۲ عراق نوعی کِراس بر تن می‌کنند که دو تکه است

۱. کُردهای سورانی به کُردهایی گفته می‌شود که در کرکوک، سلیمانیه و اربیل زندگی می‌کردند.
۲. کُردهای بادینی به کُردهایی گفته می‌شود که در شمال عراق، ترکیه و آذربایجان زندگی می‌کردند. لباس بانوان کردستان ایران نیز همین جلیقه و کِراس بادینی است.

و از ناحیه‌ی کمر تکه‌ها به یکدیگر وصل می‌شود و توسط کش چین می‌خورد. یقه‌ی پیراهن گرد و بدون دکمه است و روی یقه پولک‌دوزی شده و آستین آن هم شامل دو تکه است. کراس توسط بانوان خانه‌دار پولک‌دوزی می‌شود و بلندی آن تا مچ پا و دور کمر آن دارای کش است. جنس پیراهن از ابریشم و حریر پولک‌کاری شده است. این پیراهن گره ندارد. در فصول مختلف تغییری نمی‌یابد و در قشرهای مختلف اجتماعی تنها جنس پیراهن متفاوت است. در مراسم سوگواری پیراهن با همان طرح به رنگ مشکی در می‌آیند و در مراسم جشن و عروسی تنها رنگ آن شادتر و جنس بهتر و زرق و برق بیشتری دارد. کراس بادینی و سورانی با گذشت زمان فقط در مراسم جشن سرور مورد استفاده قرار می‌گیرد.

سرمل هم نوعی پیراهن جلو باز است. سرمل از ۳ متر پارچه‌ی ابریشمی زری‌دوزی شده دوخته و بر روی کراس پوشیده می‌شود. قسمت بالاتنه‌ی سرمل کاملاً باز و دارای آستین کراس بادینی است که زیر آن دامن بلندی دوخته می‌شود و به تبعیت از جلو سرمل، جلوی دامن نیز باز است. آستین سرمل از آستین کراس بیرون آورده می‌شود و به بالای شانه وصل می‌شود. سرمل را بیشتر نوعروسان می‌پوشند و در مراسم مختلف جشن و سرور نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. قسمت بالای سرمل از دکمه‌ای معمولی استفاده می‌شود و آستر آن از جنس نخ‌ی است. از سرمل در مراسم سوگواری و عزاداری استفاده نمی‌شود.

جلیقه هم از تن‌پوش‌های رایج زنان گُرد است و بر روی پیراهن پوشیده می‌شود و از جنس نخ است. رنگ جلیقه تیره و بیشتر سیاه و به‌صورت یقه ۷ است. یقه از پارچه‌ای متفاوت از جنس زمینه‌ی جلیقه دوخته می‌شود که معمولاً جنس آن پامازی و کُرکی به رنگ قرمز است. جلیقه معمولاً دارای سه جیب است که دو تای آن در دو طرف جلیقه و یک جیب در سمت چپ و تقریباً بر روی قلب افراد دوخته می‌شود. جلو و پشت جلیقه در گذشته سکه‌دوزی می‌شد.

در برخی مناطق پشت جلیقه را به جای سکه‌دوزی، چرخ‌دوزی می‌کنند. از جلیقه در مراسم مختلف استفاده می‌شد و در قشرهای مختلف اجتماعی یکسان بود.

بانوان کُرد قوچان جنس جلیقه را از مخمل و پارچه نخی می‌گیرند. از مخمل برای جلو جلیقه و از پارچه‌ی نخی برای پشت آن استفاده می‌شود. یقه این جلیقه به شکل ۷ است و دارای دو جیب در دو سمت جلیقه و یک جیب در داخل جلیقه است. جلیقه روی کمر قرار می‌گیرد و بدون دکمه است. رنگ جلیقه‌ی کردهای قوچان به رنگ‌های تیره مانند بنفش، فهوه‌ای و... است.

بانوان کُرد لوشان جنس جلیقه را مخمل انتخاب می‌کنند و آن را بر روی پیراهن می‌پوشند. **بانوان کُرد عراقی** جلیقه را بیشتر به رنگ پیراهن می‌دوزند. این جلیقه به همراه کراس آستین بلند پوشیده می‌شود و در صورتی که آستین کراس کوتاه باشد از جلیقه‌ی آستین بلند استفاده می‌شود.

کُت یا پالتو: در بین کردهای کرمانشاه کت یا پالتو خاصی که از گذشته به یادگار مانده باشد یافت نشد. امروزه در فصل سرما از کت‌های امروزی و ژاکت‌های کاموایی دستباف بانوان استفاده می‌شود. اما **کُردهای قوچان** از کُتی از جنس مخمل که آستر آن نخی است استفاده می‌کنند و بیشتر از رنگ‌های شاد چون قرمز، سبز و آبی بهره می‌برند. یقه‌ی آن کت همانند جلیقه به صورت ۷ و آستین آن لوله‌ای و بدون مچ است. این کت جیب و دکمه ندارد.

دامن: دامنی که مورد استفاده‌ی بانوان **کُرد کرمانشاهی** قرار می‌گیرد فاقد کش یا کمربند است و بلندی آن از ۳۰ تا ۶۰ سانتی‌متر متفاوت است و تا روی زانو قرار می‌گیرد. این دامن دارای دو تکه است. یک تکه که کمربند دامن را تشکیل می‌دهد و تکه‌ی دوم دارای چین‌های بسیار ریز است و به تکه‌ی اول متصل می‌شود. جنس این دامن بسیار متفاوت است و معمولاً از پارچه‌های ابریشمی، چیت، کُدری و

حریال استفاده می‌کنند. این پارچه‌ها دارای رنگ‌های شادی چون سفید، سبز، قرمز و... است. گاهی در جلو دامن و روی ناف یک سکه دوخته می‌شود. چرخ‌کاری روی دامن بشکل ظریفی انجام می‌شود که خود تزئین دامن محسوب می‌شود و در همه‌ی فصول با شلوار پوشیده می‌شود و در قشرهای اجتماعی تنها جنس پارچه متفاوت است و در تمامی مراسم مورد استفاده قرار می‌گیرد.

بانوان کُرد قوچانی نوعی دامن از جنس ابریشم بر تن می‌کنند که بلندی آن تا مچ پا است. این دامن به علت بکار رفتن پارچه‌ی زیاد پرچین است. رنگ دامن را رنگ‌های شاد تشکیل می‌دهد و اغلب دارای رنگ سفید است. این دامن در همه فصول و در همه اقشار و در تمام مناسبت‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد.

شلوار: بانوان کُرد کرمانشاهی شلواری به پا می‌کنند که شبیه به شلوار کُردی است. این شلوار مکمل دامن کوتاه و از بالا تا پایین یکسره گشاد است و در ناحیه‌ی مچ پا با کش به مچ می‌چسبد. جنس آن چیت است و در مراسم عروسی و جشن و سرور از نوع ابریشمین آن به رنگ سفید و قرمز استفاده می‌کنند.

بانوان کُرد عراقی نوع دیگری شلوار به نام شلوار سندبادی به پا می‌کنند که بالای آن از جنس چیت است و پاچه‌های آن از جنس ساتن و دارای زرق و برق است. این شلوار در حال حاضر فقط در میهمانی و جشن‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد.

کمربند و شال: زنان کُرد ساکن گیلان بر روی لباس‌های خود از کمربند و شال هم بهره می‌برند. به عنوان نمونه **بانوان کُرد کرمانشاهی** سه نوع مختلف از آن را به کار می‌برند. مثلاً در روستای گازگیشه (از جنس چیت است و در فصل‌های گوناگون مورد استفاده قرار می‌گیرد و دارای رنگ‌های شاد است. آن را در پشت‌سر قرار داده و دو گوشه‌ی آن را به جلوی شکم می‌آورند و به‌شکل ضربدر به پشت کمر گره می‌زنند)، روستای نقره‌ده (جنس آن از پارچه‌ی پشمی

است و رنگ آن شاد است و توسط بافندگان رنگ می‌شود و بیشتر در فصل سرما مورد استفاده قرار می‌گیرد و شباهت بسیار زیادی به چادرشب دارد) و نوع سوم موسوم به **کمر بند یا کمر شال** (جنس آن از ابریشم است و فقط در مراسم جشن و سرور و برای رقصیدن مورد استفاده قرار می‌گیرد و به همین جهت از رنگ‌های شاد، بیشتر قرمز، استفاده می‌شود).

بانوان کُرد عراقی از نوعی شال استفاده می‌کنند که برای تهیهی آن ابتدا کش پهنی را به اندازهی دور کمر آماده و سپس پارچه‌ای از جنس چیت را دور تا دور این کش می‌دوزند و سپس الگوی دلخواه را روی آن در می‌آورند و روی کمر بند تماماً پولک‌دوزی می‌شود. دو سر طول کمر بند توسط سگک به یکدیگر وصل می‌شود و فقط در مراسم جشن و سرور بر روی سرمل یا کراس بسته می‌شود. نوعی دیگر از شال نزد این بانوان رایج است که جنس آن از پشم و به رنگ‌های متفاوت است. استفاده از این کمر بند سلیقه‌ای است و بیشتر در فصل سرما استفاده می‌شود.

برخی ویژگی‌های تهیهی پوشاک

بانوان کُرد قوچان خود دوخت لباس را بر عهده می‌گیرند که در گذشته توسط دست انجام می‌گرفت ولی امروزه از ماشین استفاده می‌شود. در تزئین لباس سکه و مهره به کار می‌برند ولی گاهی هم از طلا و پارچه‌های زری‌دوزی در قشرهای بالای اجتماعی در تزئین لباس استفاده می‌شد. در گذشته لباس را در یک پارچه می‌بستند و در صندوق می‌گذاشتند. آن‌ها برای زیورآلات مهره‌های درشت را نخ می‌انداختند و به گردن می‌بستند و همچنین از زیورآلات معمول مثل گوشواره‌ی طلا استفاده می‌کردند.

بانوان کُرد ساکن در لوشان پوشاک و ابزار و لوازم مربوط به آن‌ها را از شهر قزوین تهیه می‌کنند. شیوهی دوخت نیز همان است که نسل به نسل انتقال یافته و

اغلب توسط بانوان خانه‌دار انجام می‌شود. در گذشته در تزئین لباس از سکه و مهره استفاده می‌کردند ولی امروزه این رسم به کلی از بین رفته است.

بانوان کُرد عراقی هم دوخت و برش لباس‌ها را خود انجام می‌دهند که نسل به نسل از گذشته انتقال یافته است. در گذشته دوخت این لباس‌ها توسط دست بوده ولی امروز از ماشین‌های دوخت نیز بهره برده می‌شود. امروزه پوشاک سنتی **کردهای عراق** فقط در مراسم پوشیده می‌شود و در زندگی روزمره این پوشاک مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. نکته‌ی جالب در این پوشاک عدم استفاده از هیچ‌گونه گره‌ای در لباس است. آن‌ها در تزئین لباس از زری‌دوزی، منجوق‌دوزی و پولک‌دوزی استفاده می‌کنند و بسته به نوع مراسم میزان تزئین در لباس متفاوت است.

لُرهای ساکن گیلان

پوشاک مردان

در این پژوهش برای پوشاک مردان لُر ویژگی خاصی یافت نشد و بیشتر آن‌ها از لباس‌های رایج امروزی استفاده می‌کنند، اما پوشاک بانوان لُر دارای ویژگی‌های متعددی است که در پی می‌آید.

پوشاک زنان

لُرهای ساکن گیلان برای پوشش سر از عمامه و روسری استفاده می‌کنند. این پوشش فقط در مورد بانوانی که بیش از ۳۵ سال دارند مورد استفاده قرار می‌گیرد و نسل کنونی از آن استفاده نمی‌کنند.

عمامه: بانوان لُر برای پوشش سر خود ابتدا از عمامه استفاده می‌کنند و سپس روسری بر سر می‌گذارند. جنس عمامه از ابریشم است که به آن شیشه‌ای

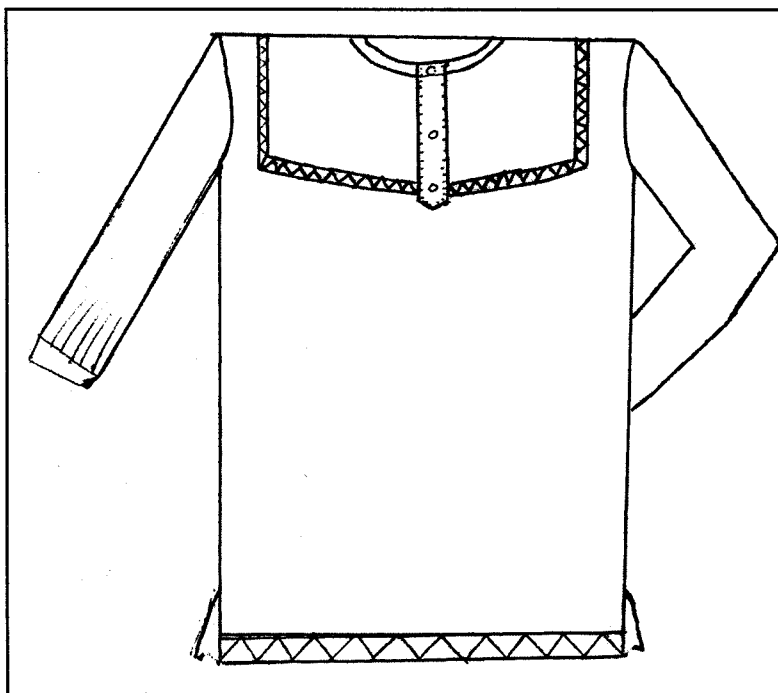
پوشاک سایر اقوام ساکن در گیلان / ۱۶۳

می‌گفتند. رنگ عمامه در همه حالات مشکی است و بین فقیر و غنی از لحاظ جنس تفاوت دارد.

روسری: برای تهیه‌ی روسری حدود ۴ متر پارچه نیاز است. جنس **عمامه** و **روسری** معمولاً یکی و به رنگ سفید است اما در برخی مراسم از رنگ‌هایی چون زرشکی، مشکی، قرمز و... استفاده می‌کنند. رنگ روسری در مراسم عزاداری یا سوگواری با توجه به نسبت دوری یا نزدیکی ارتباط بانوان به فرد فوت شده متفاوت است. اگر زنی روسری مشکی بر سر کند به این معنی است که فرد فوت شده از نزدیک‌ترین اقوام است، ولی اگر روسری با رنگ زرشکی آمیخته شود به معنی آن است که فرد فوت شده از فامیل‌های دور است. در مراسم عروسی رنگ روسری سفید است. در گذشته‌های نسبتاً دور لرها بر سر عروس روسری به رنگ قرمز یا **عنابی** می‌انداختند. این روسری در مراسم خواستگاری و عقد تغییر نمی‌کرد. پس از بر سر کردن عمامه و روسری، بانوان لُر قسمتی از موهای خود را از دو سمت گوش بیرون می‌آوردند. این رسم از گذشته‌های دور تا کنون در این منطقه دیده می‌شود.

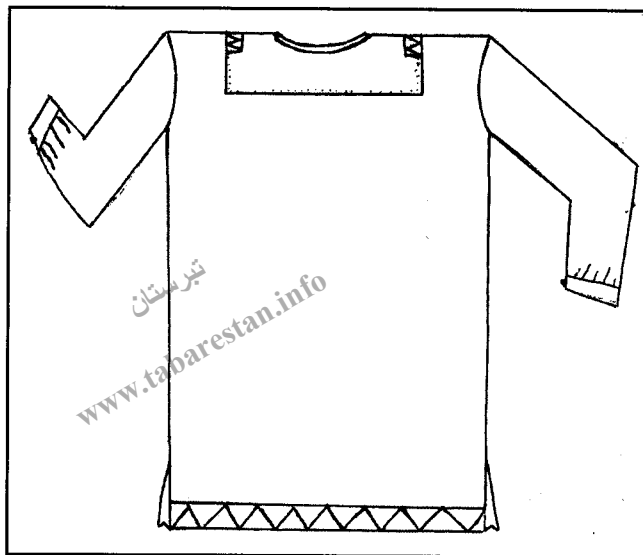
پیراهن: دوخت پیراهن بانوان لُر بسیار ساده است و از پارچه‌ی مخمل برای آن استفاده می‌کنند و رنگ آن را رنگ‌های شاد تشکیل می‌دهد. یقه‌ی پیراهن لُری گرد است ولی طرح و تزئینات آن در افراد مختلف متفاوت است. در جلو سینه تکه‌ای پارچه به صورت جداگانه دوخته و به سینه وصل می‌شود. نازک‌کاری و دوخت زیکزاک بر روی این تکه انجام می‌شود. آستین این پیراهن هم گرد و دارای تزئینات مخصوص به خود است. در تکه‌ی جلو سینه معمولاً سه یا چهار دکمه مورد استفاده قرار می‌گیرد و سرآستین هم دارای یک دکمه است. در گذشته

جنس دکمه‌ها از سکه بود ولی امروزه از دکمه‌های معمولی و متداول استفاده می‌شود. پیراهن گری برای بانوان و دختران فرقی ندارد و در هنگام کار هم از همین پیراهن استفاده می‌شود. در فصل سرما بر روی پیراهن، جلیقه یا کاموا می‌پوشند. این لباس در قشرهای مختلف از نظر جنس متفاوت است و در قشرهای مرفه جنس پارچه ابریشم است. امروزه فقط بانوان ۳۰ ساله و بالاتر این لباس را می‌پوشند. در منزل از آن همراه با پای‌جامه استفاده می‌شود و استفاده از آن در جوانان زیر ۳۰ سال به کلی منسوخ شده است.

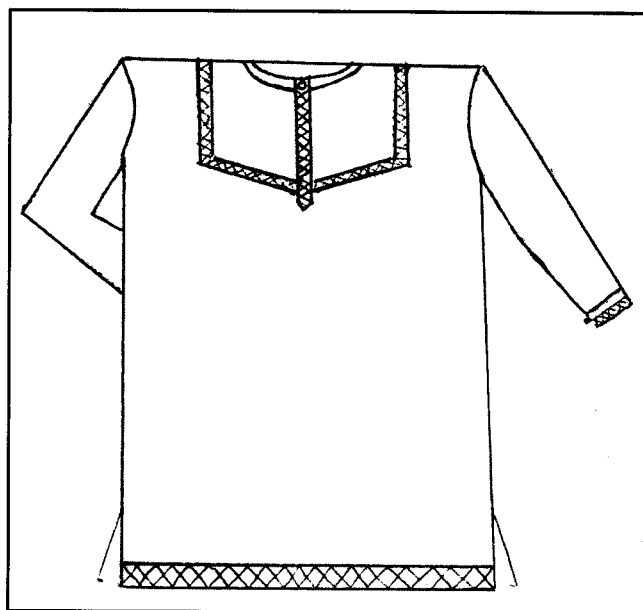


پیراهن بانوان گر ساکن لوشان (جمال آباد) از روبه‌رو

پوشاک سایر اقوام ساکن در گیلان / ۱۶۵



پشت پیراهن بانوان گر



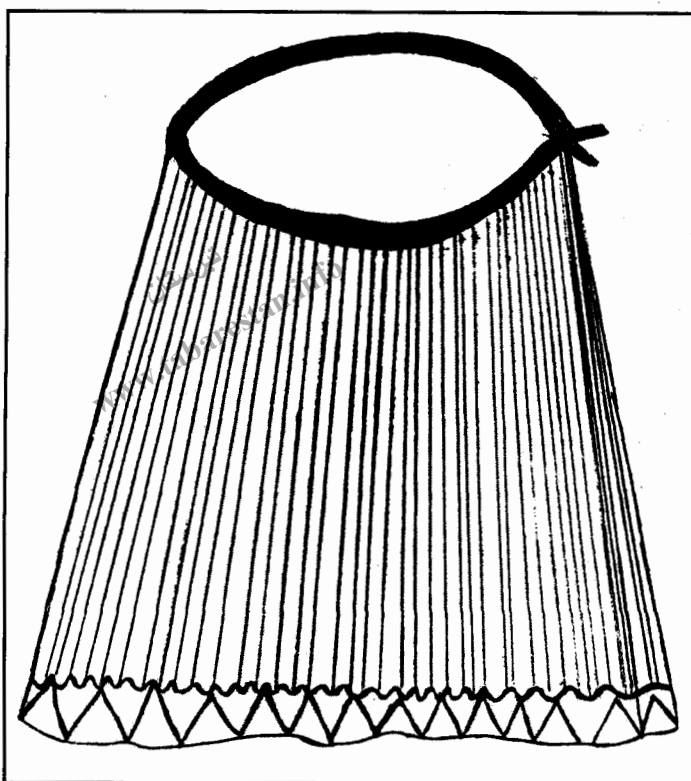
طرح دیگری از پیراهن بانوان گر

جلیقه: بانوان گر بر روی پیراهن جلیقه می‌پوشند که شباهت بسیاری به جلیقه‌های امروزی دارد. جنس جلیقه از مخمل و عموماً به رنگ‌های سبز و قرمز پررنگ است. از جلیقه به همراه کت یا کاموا در فصل سرما بر روی پیراهن استفاده می‌شود. تزئین جلیقه به وسیله‌ی تکه پارچه‌ای است که بر روی آن سکه‌های قدیمی می‌دوزند و آن را به صورت عمودی بر روی جلیقه نصب می‌کنند.

شال و کمربند: جنس کمربند برای منزل چیت و برای مراسم مختلف مخمل است. کمربند برای تمامی فصول مورد استفاده قرار می‌گیرد و در فصل کار جنس آن چیت است. این قسمت از لباس در مراسم مختلف چه مراسم جشن و سرور چه مراسم سوگواری مورد استفاده است و رنگ آن همواره شاد است. کمربند یا **قوته** گرانقیمت‌ترین و مهم‌ترین قسمت لباس بانوان گر است و در اقشار مختلف فقط جنس آن متفاوت است. برای دوخت آن دور تا دور آن را چرخ‌کاری می‌کنند و تزئین خاصی ندارد و طرح پارچه تزئین آن محسوب می‌شود.

شلوار: جنس آن از چیت است و تا روی زانو بلندی دارد و دوخت آن همانند زیر شلواری یا پای جامه‌های امروزی است. در صورتی که از دامن در منزل استفاده نشود از شلوار بلند با پاچه‌ی گشاد استفاده می‌کنند.

دامن: به آن **پاپوش** گفته می‌شود و جنس آن از مخمل یا ابریشم است و به رنگ‌های تیره‌ای هم‌چون قهوه‌ای، زرشکی، مشکی و... است. بلندی دامن تا میچ پای بانوان است و در همه‌ی فصول مورد استفاده قرار می‌گیرد و در موقع کار هم از همین دامن که مندرس شده باشد استفاده می‌شود. در قشرهای اجتماعی فقط جنس دامن از یکدیگر متفاوت است. در موقع نماز خواندن دامن از تن بیرون آورده می‌شود و چادر سفید بر سر می‌کنند.



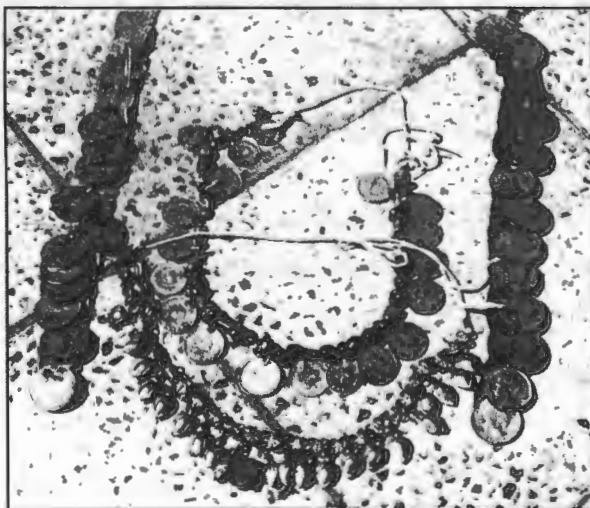
دامن بانوان کر ساکن جمال آباد

جوراب: در گذشته با پشمی که خود تهیه می کردند آن را می بافتند و به پا می کردند ولی در حال حاضر از جوراب های رایج استفاده می شود.

کفش: در گذشته ارسی و گیوه ملکی می پوشیدند و اکنون کفش های معمولی به پا می کنند.

برخی ویژگی‌های تهیه‌ی پوشاک

به‌طور کلی تمامی پارچه‌های مورد نیاز پوشاک بانوان گیلان از شهر قزوین خریداری می‌شود. علت این امر وجود لره‌های بیشتری است که در این منطقه زندگی و در وسعت بیشتری از پوشاک سنتی استفاده می‌کنند. بانوان گیلان خود اقدام به دوخت لباس می‌کنند و خیاط ویژه‌ای در این منطقه وجود ندارد. در گذشته دوخت لباس توسط دست انجام می‌شد ولی امروزه از چرخ خیاطی استفاده می‌کنند. شیوه‌ی دوخت این پوشاک نسل به نسل انتقال یافته و دوخت و طرز برش آن ساده است و اغلب لباس‌ها بشکل مربع یا مستطیل برش می‌خورد. بانوان گیلان از گذشته تا به امروز برای تزئین لباس خود از سکه و مهره استفاده می‌کنند. در حال حاضر سکه‌های موجود از دوره‌ی صفویه و قاجاریه به جای مانده است که در تزئینات به کار برده می‌شود که البته این سکه‌ها طی سالیان متمادی نسل به نسل انتقال یافته است. تزئین دیگری که در لباس لری موجود است حاشیه‌ی دور دامن با نوار طلایی رنگ در قسمت پایین آن است.



پیشانی‌بند، گردن‌بند و سینه‌بند بانوان گیلان ساکن جمال‌آباد

فرهنگ لغات پوشاک

lass pare لاس پاره	پیوست ۱. مردان
fukâ فوکا	šal kolâh شال کلاه
gučan قوجان	šal kolâ شال کلا
šal kamor شال کمر	namat kolâ نمت کلاه
kamar dabâd کمر دَبَد	gaš kolâ گوش کلا
gijik گیجیک	kolah goš کلاه گوش
šarf شرف	pirâhan پیراهن
garden šarf گردن شَرَف	kašpirhan کش پیرهن
kot کت	jeliqē جلیقه
čoxâ چوخا	jelaxta جلخته
šeka شِکِه	jardagē جر دِقِه
pašm-ə čoxâ پشمه چوخا - چوقا	jaragde جَرَقْدِه
/ čoqâ	šalvâr شلوار
bâšloq باشلق	šelâr شِلار
šowlâ شولا	pašm-ə šalvâr پشمه شلوار
kuləgir کولاگیر	čar-vardi چاروردی
pai afzâr پای افزار	gadak قدک
čumuš چوموش	tange tumân تنگه تومان
feteny فتنی	dij دیج
mâzarda مازرده	bande tuman بندى تومان - تومون
kal.ə čarm کاله چرم	/ tumon
razin čumuš رزین چوموش	piš puluk / پولیک - پولوک
čukutur / چوکوتور، چیک تور	pulik
čik.ə tur	kamar heykal کمر هیکل
katalə کتله	kamar qayš کمر قیش

پیراهن:	katalə qayš کتله قیش
game - jamə جمه	pastâi پستایی
šey شی	patave / patow پتاوه، پاتوئه، پاتاوه
čaboki چابکی	/ pâtowə
حلیقه:	pašm.ə juruf پشمه جوروف
jelexte حلخته	goravē گوره وه
niftane نیفتنه	beza pâ بزیا (های بز)
jaragdə جرقده	šekem roa شکیم روا
jarzage جرزقه	xâlia berga خالیه برگه
pol bodote پول بدوته جرقده	daranjan دارانجن
jaraqdə	پو po
yagə zeenari یقه زناری	dastkš دستکش
دامن و شلوار:	čangyla / چنگیله، چنگاله، دستکس
šlâr شلار	čangan.ə
somanpara سومن پره	das juruf دس جوروف
tomanpare تومان پره	تیہ tya
šalete شلیته	
garde toman گرد تومان	پیوست ۲. بانوان
saršalvar سرشلوار	روسری و سربند:
tomon / taman تومون - تمان	sarâbast سرابست
toman band تومان بند	tone dasmâl تونه دسمال
tanake تونکه	nabeše dismal نَبِشِه دسمال
pabaro پابره	vaše zir وشه زیر
bapare باپره	gijik گیجیک
čakme savâr چکمه شلوار	lačak لچک
شال کمر و چادر شب:	pile desmal پیله دسمال
kamar dabad کمر دَبَد یا کمر دود	sar fovod سرفوود
/ davad	karbedə dasmal کاربِد دسمال

varvand. bənd وروندبند
 varavand-ču وروندچو
 gavare-qupe گاواره قوپه
 gavare mil گاواره میل
 čâr pârče چاریارچه
 متفرقه:
 šondere شوندره
 bulaki-sundoq بولاکی صندوق
 ursu sondoq اورسو صندوق
 gardeband گردبند
 češak چشک

پیوست ۴. پوشاک سایر اقوام
 ساکن گیلان
 سرپوش مردان و زنان:
 baček بچیک
 tahty تَحْتی
 daršok دَرشوک
 jamadani جمدانی
 dasmal دسمال
 xasâry خَساری
 laček لچک
 kaš کَش
 tara تَرَه
 loki لُوکی
 پیراهن:
 gamis قمیس

čâršow چارشو
 čâšow چاشو
 šâl شال
 پای افزار:
 buz buland بوزبلند
 gâb buland قاب بلند
 boz beland بوز بلند
 zenga gorave زنگه گوراه
 آرایش و پیرایش:
 xuške šone / خشک شانه - شونه
 šone
 peyalai پیاله‌ای
 majari (ماجری)
 boxen / bazyan بوزن - بازیان
 tuške pilis تُشکِه - پیلِس
 hakon - vakon هاگون - واکون
 پیوست ۳. نوزادان
 nammal نَمال
 gafara گافاره
 čašmpošti چشم‌پشتی
 gafare asas گافاره اثاث
 piša پیشه
 puša پوشه
 gafara-puš گافاره‌پوش
 gavara-ču گاواره‌چو
 varvand وروند

شال کمر: šotok
شتوک
چارشو čâršow
چاشو čošow
کمرشال kamar šal
شال šâl
قوبک qolbak
فوتہ fota
شلوار:
دوخین dooxin
تونیکا tonika
دربہ darpa
پاپوش:
گور govor
بلاف balaf
گالک galek
گری gorek
شوروخه šoroxa
پلوی palow

شَبک šabak
میرخاک mirxak
کوتاپیرهن kotâ piran
قراس qarâs
کراس kerâs
لندی landy
سرمیل sarmel
جُومہ joma
جلیقه:
جردقه jerdeqe
جرقه jaraqe
کله kol'la
دامن:
شول šovol
شلوار šalvar
پاپوش papoš
قمیش qameš

Garments of the people in Guilan

Garments are among the privileges of mankind and there are different theories about them. Although garments, as cultural objects, are subject to changes, saving the traditional garments is important for saving cultural heritages. The garments of Guilan, like those of other inhabited places have their roots in the past. The ancient objects discovered in Guilan, which show that this region has been inhabited since more than four millennia, are the best traces that introduce the life atmosphere of the people in this land during old times. Garments themselves show the way people lived, thought and their choices and living places.

In this research, we have tried to introduce a collection of the traditional garments of the people in Guilan. Research, collecting and registering different traditional and local garments, will lead to preservation of the artistic and cultural heritage of the region and will lead to interest and introduction towards the cultural identity of this land.

This research has been carried out mainly as field investigation and it consists of five sections: research plan, men's garments, women's garments, babies' garments and garments of other ethnic groups.

از کتاب‌های فرهنگ ایلیا

● تاریخ و فرهنگ گیلان

- استانداران گیلان (از آغاز تا سال ۱۳۵۷) دکتر هومن یوسفدهی
اطلس کوه‌های گیلان نیما فرید مجتهدی / ابراهیم اسعدی اسکونی
ترانه‌های گیلکی گردآوری دکتر منوچهر ستوده / برگردان به فارسی: حامد پورشعبان
رجال گیلان در عصر ناصری دکتر هومن یوسفدهی
رجال مشروطه‌ی گیلان دکتر هومن یوسفدهی
سفرنامه ساحل خزر ویلیام ریچارد هولمز / ترجمه: شبنم حجتی سعیدی
فراز و فرود گیلان در سه سال مشروطه رضا صدیقی پاشاکی
فرهنگ تحلیلی آثار داستان‌نویسان گیلان (۱۲۸۸ - ۱۳۸۸) بهزاد موسایی
فرهنگ گیلکی دکتر منوچهر ستوده
گیلان به روایت کارت‌پستال‌های تاریخی مهرداد اسکویی
گیلان تماشا (مجموعه عکس‌هایی مردم‌شناسی) محمد بشرا
گیلان در سفرنامه‌ها و پژوهش‌نامه‌های ژاپنی به کوشش: دکتر هاشم‌رجب‌زاده
گیلان قدیم (مجموعه عکس‌هایی از گیلان عصر قاجار) فرامرز طالبی
مسافرت گیلان میرزا محمد نایب‌الصدر شیرازی / به کوشش: دکتر هومن یوسفدهی
نامه‌های گیلان؛ مجموعه‌ی الکساندر خودزکو به کوشش: فریدون نوزاد، علی امیری
نشریه‌ی فروغ (دوره کامل ۱۳۰۷-۱۳۰۶) مدیر و صاحب‌امتیاز: ابراهیم فخررائی
یادداشت‌های مسافرت گیلان عباس مسعودی / به کوشش: علی امیری

از مجموعه کتاب‌های دانشنامه‌ی فرهنگ و تمدن گیلان

۱. قلمه‌های گیلان (چاپ دوم) ولی جهانی
۲. گاه‌شماری گیلانی (چاپ دوم) مسعود پورهادی
۳. جغرافیای طبیعی گیلان (چاپ دوم) دکتر ناصر عظیمی دوبخشری
۴. جشن‌ها و آیین‌های مردم گیلان (۱) (چاپ دوم) محمد بشرا / طاهر طاهری
۵. تاریخ ارمنیان گیلان (چاپ دوم) فرامرز طالبی

- ۶ تمدن مارلیک (چاپ دوم) بهروز هم‌رنگ
- ۷ نهضت جنگل (از آغاز تا فرجام) (چاپ دوم) فریدون شایسته
- ۸ گیلان در سفرنامه‌های سیاحان ایرانی (چاپ دوم) هوشنگ عباسی
- ۹ معماری خانه‌های گیلان مژگان خاکپور
- ۱۰ زبان تالشی (توصیف گویش مرکزی) (چاپ دوم) دکتر محرم رضایتی
- ۱۱ گیلان در سفرنامه‌های سیاحان خارجی محمود نیکویه
- ۱۲ دیلمیان سیلازضا فندرسکی
- ۱۳ جاذبه‌های تاریخی گیلان ولی جهانی
- ۱۴ زیارتگاه‌های گیلان قاسم غلامی
- ۱۵ باورهای عامیانه‌ی مردم گیلان محمد بشرا / طاهر طاهری
- ۱۶ زبان گیلکی مسعود پورهادی
- ۱۷ تاریخ گیلان (پیش از اسلام) قربان فاخته
- ۱۸ تاریخ گیلان (پس از اسلام) قربان فاخته
- ۱۹ فرهنگ عامیانه‌ی زیارتگاه‌های گیلان م. پ. جکتاجی
- ۲۰ امام‌زاده‌های گیلان قاسم غلامی
- ۲۱ جغرافیای تاریخی گیلان شهرام امیرانتخابی
- ۲۲ انجمن‌های گیلان در عصر مشروطه هومن یوسف‌دهی
- ۲۳ جشن‌ها و آیین‌های مردم گیلان (۲) محمد بشرا / طاهر طاهری
- ۲۴ صنایع دستی گیلان فاطمه تهی‌دست
- ۲۵ نقاشی‌های دیواری بقعه‌های گیلان احمد محمودی‌نژاد
- ۲۶ سیر تحولات تاریخی اسلام در گیلان محمدتقی میرابوالقاسمی
- ۲۷ جغرافیای انسانی و اقتصادی گیلان دکتر ناصر عظیمی‌دوبخشری
- ۲۸ تثاتر گیلان (۱) فرامرز طالبی
- ۲۹ تثاتر گیلان (۲) فرامرز طالبی
- ۳۰ درآمدی بر تاریخ ادبیات گیلکی هوشنگ عباسی
- ۳۱ زبان تاتی (توصیف گویش تاتی رودبار) دکتر جهان‌دوست سبزه‌علی‌پور
- ۳۲ طب سنتی گیلان (گیله تجربه) محمد بشرا
- ۳۳ سوغات گیلان م. پ. جکتاجی
- ۳۴ آیین‌های گذر در گیلان (از تولد تا مرگ) محمد بشرا / طاهر طاهری

۳۵. راه‌های تاریخی گیلان بهروز هم‌رنگ
۳۶. فرهنگ خوراک در گیلان مسعود پورهادی
۳۷. خانه‌های تاریخی گیلان دکتر نیکروز شفیعی مبرهن
۳۸. سینما در گیلان کریم کوچکی‌زاد
۳۹. بازی‌های محلی گیلان اباذر غلامی
۴۰. زندگی زنان گیلان شادی پیروزی
۴۱. گیلان در انقلاب مشروطه هومن یوسفدهی
۴۲. تمدن املش ولی جهانی
۴۳. بررسی و طبقه‌بندی افسانه‌های مردم گیلان (۱) دکتر علی تسلیمی
۴۴. بررسی و طبقه‌بندی افسانه‌های مردم گیلان (۲) دکتر علی تسلیمی
۴۵. زندگی زنان گیلان شادی پیروزی / هادی میرزائزاد موحد
۴۶. تاریخ مطبوعات گیلان رضا نوزاد
۴۷. کوه‌های گیلان نیما فرید مجتهدی
۴۸. سیر تاریخی دین و مذهب در گیلان دکتر عباس پناهی
۴۹. کشت برنج در گیلان دکتر ناصر عظیمی
۵۰. عکاسان و عکاسخانه‌های گیلان کفایت آریایی‌فر
۵۱. شیوه‌های سنتی و فرهنگ کشاورزی در گیلان (برنج و چای) طاهر طاهری
۵۳. جاذبه‌های طبیعی گیلان (۱) محمد دهدار، نیما فرید مجتهدی
۵۴. جاذبه‌های طبیعی گیلان (۲) محمد دهدار، نیما فرید مجتهدی
۵۵. جاذبه‌های طبیعی گیلان (۳) محمد دهدار، نیما فرید مجتهدی
۵۶. بازارهای هفتگی (دوره‌ای) گیلان محمد بشرا
۵۷. بررسی و طبقه‌بندی ضرب‌المثل‌های گیلکی محمد پرچم
۵۸. سیر تاریخی عرفان و تصوف در گیلان دکتر عباس پناهی
۵۹. تعزیه در گیلان (۱) فرامز طالبی، عزت‌اله صمصام
۶۰. تعزیه در گیلان (۲) فرامز طالبی، عزت‌اله صمصام
۶۱. تحلیل و بررسی تاریخ‌نگاری محلی گیلان زهرا حُسن مصفا
۶۲. پوشاک مردم گیلان فرشته طالبش انسان‌دوست

تبرستان

www.tabarestan.info

تبرستان

www.tabarestan.info

Garments of the people in Guilan

Fereshte Talesh Ensandoust

First edition 2015

Nashr-e Farhang-e Ilia

www.farhangeilia.ir

E.mail: nashreilia@yahoo.com

Printed in Iran

پوشاک، امتیازات انسان است و البته نظریه‌ها در باب آن متنوع است. اگرچه پوشاک به‌عنوان یک پدیده‌ی فرهنگی تغییر می‌کند، اما آنچه که در جهت حفظ میراث فرهنگی قابل توجه است، حفظ پوشاک سنتی است.

پوشاک مردم گیلان زمین چون دیگر سکونتگاه‌های انسانی، در گذشته‌های این سرزمین ریشه دلت آتار مکتوفه در گیلان که سوابق زندگی در این منطقه را به چهار و اندی هزار سال به عقب کشانده است. بزرگترین تشابه‌های هستند که ما را با فضای زندگی اسلاف این سرزمین آشنا می‌کنند. در هر حال پوشاک به تنهایی معرف کثر، اندیشه، سلیقه و مکان زندگی انسان‌هاست.

در این پژوهش تلاش شده است تا مجموعه‌ای از پوشاک سنتی مردم گیلان معرفی شود. مطالعه، گردآوری و ثبت دقیق انواع پوشاک سنتی و بومی، ضمن آن که باعث حفظ میراث هنری و فرهنگی منطقه خواهد شد، در علاقه‌مندی و آشنایی مردم نسبت به هویت فرهنگی این سرزمین نیز موثر خواهد بود.

این پژوهش در پنج فصل: طرح تحقیق، پوشاک مردان، پوشاک بانوان، پوشاک نوزادان و پوشاک سایر اقوام تدوین شده است.



*The Encyclopedia of Gilan
Culture and Civilization*

62

تبرستان
www.tabarestan.info

Garments of the people in Gilan

Fereshteh Talesh Ensandoust



فرهنگ ایران

شابگرد T-296-190-964-978



9 789641 903963